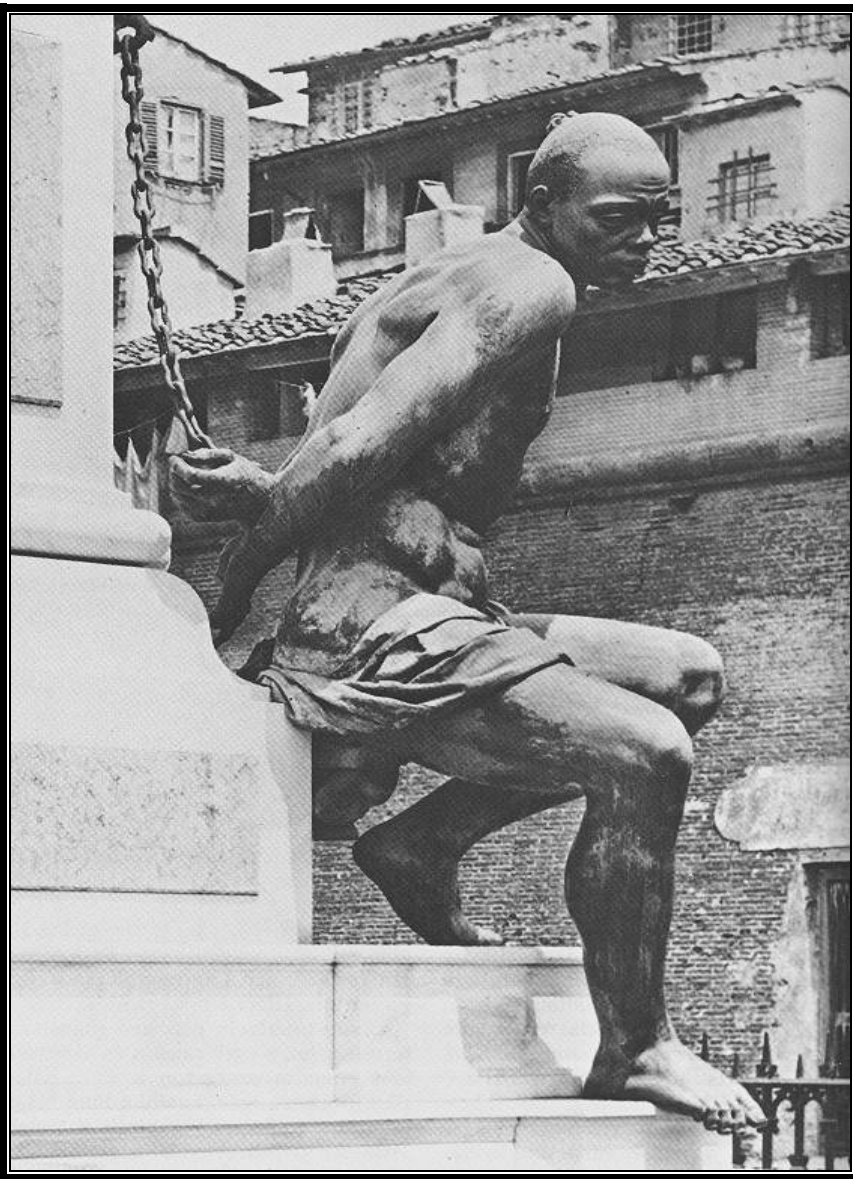




همیاری Hamyari

نشریه IRAN SOS کمیته نجات

شماره ۲ آذر ماه ۸۳ دسامبر ۲۰۰۴



در این شماره می خوانید :

گوشه هایی از فعالیت های ما

پاسخی بر يك فراخوان

گزارشات نقض حقوق بشر در ایران

آنچه بر عاطفه رجبی گذشت

نگاهی به کنوانسیون حقوق کودکان

کمپانی نفتی هالیبرتون و رژیم ایران

یادی از گوهر مراد

عدالت زندان بانان رژیم ایران

اخبار و گزارشات

نقش جنبش دانشجویی

در مبارزات مردم ایران در دهه

اتحاد ، مبارزه ، پیروزی !

گوشه هائی از فعالیت ما

در فاصله بین انتشار شماره دوم نشریه همیاری تا این شماره که اکنون در دست دارید رژیم جمهوری اسلامی به صورت مستمر و سیستماتیک به نقض آشکار حقوق بشر در ایران ادامه داد. شمار زندان و صدور احکام غیر انسانی و اعدامها از بازداشت ها، سوی بیدادگاه های رژیم جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده و در کنار آن صدور احکام اعدام و سنگسار برای نوجوانان سیر صعودی داشته. در ارتباط با این موضوعات سعی بر آن داشتیم که تا آنجا که برایمان میسر بوده در این شماره به آن بپردازیم.

* - به منظور افشای چهره ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و اعتراض به تبنای های حامیان اروپائی رژیم، در اجتماع باشکوه هزاران نفر از ایرانیان آزاده در بروکسل که بدعوت شورای ملی مقاومت ایران برگزار گردید شرکت کردیم. با برگزاری میز کتاب کمیته نجات در تماس با شرکت کنندگان در این اجتماع برآمدیم. در این اجتماع که در تاریخ 13.09.04 در مقابل پارلمان اروپا در بروکسل برگزار گردید واحدهای مختلف تشکل ما از کشورهای بلژیک، هلند و اتریش حضور داشتند. ایرانیان مبارز ضمن مراجعه به میز کتاب تشکل از نشریات و کتابهای موجود استقبال و ما را در انجام اهدافمان مورد محبت خود قرار دادند. همچنین اطلاعیه های تشکل نیز در این اجتماع پخش گردید.

* - صدور حکم سنگسار ژیلاد دختر سیزده ساله از سوی بیدادگاه رژیم و انتشار خبر آن از سوی خانم ناهید ریاضی از فعالین جنبش زنان ما را بر آن داشت که به افشای وسیع این جنایت رژیم در کنار دیگر نیروهای مردمی بپردازیم. تشکل ما ضمن شرکت در کمپین نجات ژیلاد و دفاع از این اتحاد عمل مبارزاتی، مستقلاً نیز با دادن فراخوانی افکار عمومی را بیاری طلبیدیم. این کمپین مبارزاتی که مورد استقبال افکار عمومی قرار گرفته بود و منجر به عقب نشینی رژیم گردید. یک بار دیگر در عمل ثابت شد که با اتحاد عمل مبارزاتی میتوان به نتایج مثبتی در جهت ارتقاء سطح مبارزاتی و همیاری دست پیدا کرد. هر چند برابر اخبار رسیده، ژیلاد از مرگ رهائی یافته اما تا رسیدن به نتیجه قطعی، کمپین ایجاد شده به فعالیتهای خود ادامه میدهد. برای اطلاع بیشتر خوانندگان متن کامل این اطلاعیه صادره از سوی تشکل کمیته نجات را در اینجا درج میکنیم:

سنگسار را فوراً متوقف کنید!

هموطنان مبارز و آزادیخواه!

برابر اطلاعات دریاقتی و منتشره رژیم جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد که کودک 13 ساله ای بنام ژیلاد ایزدی را سنگسار نماید. ژیلاد دختری است که ناخواسته در رابطه جنسی با برادر 15 ساله اش قرار گرفته و حامله شده است. بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی در میوان این

دختر نوجوان را در حالی به سنگسار محکوم نموده است که شاهد اوج گیری اعدامها در روزهای اخیر بوده ایم و هستیم. چندی قبل نیز بیدادگاه رژیم ایران عاطفه دختر نوجوان 16 ساله را به اعدام محکوم نمود. ما خواهان توقف اعدامها و دیگر مجازاتهای غیر انسانی در ایران هستیم. ما خواهان دخالت سازمانهای بین المللی بمنظور جلوگیری از نقض آشکار کنوانسیون حقوق کودکان هستیم. ما از تمامی افکار آزاده در جهان بمنظور کمک و نجات جان این دختر 13 ساله استمداد می طلبیم. از فراخوان داده شده از سوی مسئول کانون مرکزی رهایی زن برای ایجاد کمپین بین المللی حمایت خود را اعلام میداریم. از تمامی انسانهای آزاده درخواست میکنیم که با امضاء متن اعتراضی که در این مورد تهیه گردیده و در ذیل درج شده و با انجام آکسیونها و تجمعات اعتراضی و تماس با نیروهای مبارز، متریقی و انقلابی و رسانه های جمعی محلی و بین المللی و نهادهای حقوق بشر، آزادگان جهان را به یاری بطلبید و با هر شیوه عملی دیگری به این جنایت آشکار رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران اعتراض نمائیم.

خانمها و آقایان محترم!

ما امضاء کنندگان نامه زیر مطلع شدیم که ژیلاد ایزدی کودک 13 ساله توسط یک قاضی در شهر میوان (ایران) زندانی و محکوم به سنگسار شده است. ما به دستگیری و حکم سنگسار ژیلادی 13 ساله اعتراض داریم. کودک جایش در زندان نیست. کودک باید همیشه و در همه حال از محبت پدر و مادر و افراد جامعه برخوردار شود. با دوستانش بازی کند و تحصیل کند. کودک نباید مجازات شود. این برای ما تکان دهنده است. سنگسار کودک با کشتار میلیونها نفر با بمب در یک جنگ قابل مقایسه است. ما خواهان آزادی فوری ژیلاد ایزدی و برادرش هستیم. ما خواهان لغو مجازات اعدام و سنگسار هستیم. ژیلاد را فوراً آزاد کنید.

IRAN SOS کمیته نجات

14.10.2004

در این ارتباط خوشحالیم که به اطلاع برسانیم که این اتحاد عمل مبارزاتی سبب آن گردید که رژیم اجباراً به عقب نشینی دست بزند و از سنگسار ژیلاد خود داری کند. در این رابطه رژیم مجبور گردید حتی به تکذیب خبر آن نیز مبادرت نماید.

* - در رابطه با دستگیری جمعی از پیروان آئین ربانی که در کرج و عدم آزادی کشیش حمید پورمند، ضمن افشای این موضوع از سازمان ملل متحد طی نامه ای درخواست نمودیم که در این مورد اقدام نمایند. همچنین با تهیه یک متن بزبان انگلیسی و قرار دادن آن در سایت امضاء از آزادگان جهان در این مورد تقاضای همیاری کردیم. جهت آشنائی بیشتر خوانندگان در ادامه این اطلاعیه بزبان انگلیسی درج میگردد.

دیگر ثابت نمود که مبانی حقوق بشر هیچ ارزشی برای متحدین و حامیان اروپائی رژیم ندارد. در همین رابطه رژیم یکبار دیگر هیئت اعزامی خود برای ادامه مذاکراتشان را به مقر سازمان انرژی اتمی در وین اعزام کرد. ایرانیان مخالف تمامیت رژیم جمهوری اسلامی بدعوت جمعی از فعالین سیاسی هوادار شورای ملی مقاومت ایران اقدام به برگزاری يك تجمع اعتراضی در مقابل اپرای شهر وین نمودند که با حضور جمعی از فعالین سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی ازوین و بایرن، برگزار گردید. واحد اتریش تشکل ما ضمن حضور در این اجتماع مبارزاتی و برقراری میز کتاب به تبلیغ و تشریح مواضع تشکل برای بازدید کنندگان ایرانی و غیر ایرانی پرداخت. ایرانیان شرکت کننده در این تجمع که در تاریخ 27 اکتبر برگزار گردید به تبنانی ننگین اتحادیه اروپا و رژیم تروریستی جمهوری اسلامی و حمایت آشکار از نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کردند.

*- تشکل ما از آنجا که بعنوان يك تشکل فراسازمانی در طول حیات خود نشان داده است که با اتحاد عمل مبارزاتی با دیگر نیروهای مبارز و مردمی میکوشد که رسالتی را که برابر خود قرار داده را با عمل اجتماعی - سیاسی خود بانجام برساند. در کنار این نیز وظیفه خود میدانیم که با نیروهای وحدت شکن که با عدم درک او ضاع و شرایط مشخص و بر طبل ارتجاع میکوبند برخورد کنیم. از اینرو در قبال برخوردهای غیر عادی یکی از این دسته از افراد که اخیرا با دادن فراخوانی نیروهای مبارز، مترقی و انقلابی را به صف آرایی در مقابل منسجم ترین نیروی سیاسی مبارز فرا خوانده بود صادر گردید که به منظور آشنائی خوانندگان در ادامه درج میگردد. باشد که با اتحاد عمل نیروهای مبارز و مردمی جهره اپورتونیستیهای متوهم به ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر آشکار کنیم.

*- بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی در پی افشاگریهای وسیع سازمان مجاهدین خلق ایران در ارتباط با فعال های هسته ائی بمنظور تهیه بمب اتمی به منظور انتقامجوئی اقدام به صدور حکم اعدام برای يك زندانی سیاسی بنام حجت زمانی بر اساس اتهامات واهی نمود. ما ضمن محکوم کردن این گونه اعمال رژیم جمهوری اسلامی با دادن فراخوانی نیروهای مردمی و افکار آزاده جهان را به منظور نجات جان این زندانی سیاسی به کمک طلبیدیم.

*- واحد اتریش تشکل ما در تاریخ 25.11.04 با شرکت در تجمع ایرانیان آزاده در مقابل مقر سازمان انرژی اتمی در وین شرکت نمود. فعالین واحد اتریش تشکل کمیته نجات ضمن حمل پلاکاردها و ترانسپارانت های اعتراضی ضمن شرکت در این حرکت مبارزاتی نسبت به توطئه ها و تبنانی های رژیم و حامیان اروپائیش در ارتباط با فعالیت های اتمی رژیم ایران به اعتراض پرداختند. رسانه های محلی و بین المللی ضمن تهیه گزارشات مختلف این تجمع اعتراضی ایرانیان مخالف تمامیت رژیم جمهوری اسلامی به درج وسیع آن در رسانه های مختلف اقدام کردند. رادیو فارسی زبان فردا ضمن تهیه گزارشی به نیروهای شرکت کننده منجمله تشکل کمیته نجات در این حرکت اعتراضی نیز اشاره کردند.

To: UN

The persecution of Christians and the Church in Iran occurs in waves of attacks. At the begining of the revolution in 1979 the Anglican Church, which was mainly made up of converts from Islam was attacked. Rev. Sayyah the priest in Shiraz was beheaded, and Bahram Dehghani-Tafti, son of the Anglican Bishop, was shot to death. In December 1990 Rev.Soodmand, the leader of the church in Mashad, was executed by hanging in a prison in Mashad.

The killings of three Evangelical pastors in Iran, Haik Hoosepian Mehr, Mehdi Dibaj and Tataoos Mikaeelian, during the first half of 1994 gained worldwide attention, and brought more focus to the worsening plight of persecuted Christians, particularly Muslim converts to Christianity. On Friday, September 10, 2004 the Iranian regime invaded the annual conference of Iran's Assemblies of God and arrested at least 80 church leaders in Karaj near Tehran, as part of the worst crack downon evangelical believers in a decade. Since September, 47-year-old Pastor Hamid Pourmand, an Assemblies of God minister, has been held in prison at an unknown location.

In the latest U.S. State Department Report on Religious Freedom on October 4, 2004, Iran is again listed as one of the most serious violators. According to the report, Iran is guilty of "severe violations of religious freedom."

We urge you to condemn the Iranian regime for its continued and severe persecutions against Christians, and ask for Pastor Pourmand's immediate and unconditional release.

Sincerely,

<http://www.petitiononline.com/pastor1/>

*- رژیم جمهوری اسلامی که از بدو روی کار آمدنش بعنوان يك رژیم بحران آفرین ماهیت ضد انسانی خود را به اثبات رسانده است این بار نیز به دلیل بحران اتمی (تلاش برای بدست آوردن سلاح اتمی) در تلاش بر تبنانی ننگین خود با حامیان اروپائیش افزود. پیشنهادات کشورهای انگلستان، فرانسه و آلمان و دادن چراغ سبز به رژیم ایران برای افزایش جنایت بیشتر به قیمت سود جوئی های خود و نجات اقتصاد ورشکسته اشان خود یکبار

پاسخی بر يك فراخوان !

است که عده ائی عناصر معلوم الحال متحد آقای " جابر کلیبی " در چارچوب طرح جنگ روانی به حملات و لجن پراکنی بر علیه نیروهای مبارز ، مترقی دامن زده اند. این جمع که متشکل از تتی چند از عناصر تواب و نادم، پادوهای رژیم و برخی عناصر سلطنت طلب میباشد با بکارگیری امکانات مختلف و منجمله با استفاده از امکانات وسیع رایانه ائی در پشت آی دی های مختلف خود را مخفی می کنند و ضمن ترور شخصیت به لجن پراکنی و ایجاد جنگ روانی گسترده و برچسب و انگ زنی و توطئه مشترک اقدام میکنند. درست در زمانی که اینگونه جریانات خود را در ایزوله کامل حس میکنند، قرآن ها را بر سر نیزه کرده اند که به " کمونیستها " !! اهانت شده است، ایشان به کمک اینان شتافته و از آنجائی که آنان در دامن زدن به توطئه های ریز و درشتشان ناکام ماندند آنان را مددکار گشته است. جالب این است که این اقدام نامبرده درست بعد از درج مطالب و مقالات متعدد ایشان همراه با عکس پرتره در سایتهای وابسته به رژیم مانند " ایران دیده بان " و " روزنه " و اعلام همکاری با مرد هزار چهره جهان اینترنت آقای " علی شمس " صورت میگردد. وی به یکباره یادش میاید که قبل از رژیم باید با " مجاهدین " و نیروهای متحد با آنان مقابله کرد. اگر خمینی جلاد گنت که " سزای منافقین حدید است " ، اگر بیدادگاههای جمهوری اسلامی عطف بر " اشد الا کفار و المنافقین و رحما البینهم " هزاران هزار انسان را تنها به خاطر اعتقاداتشان بر مبنای همین فتواها به مسلخ فرستادند اینک آقای " جابر کلیبی " پیش از آنکه خود پاسخگوی وضعیت و پا درهوائی اش در امر مبارزه عملی باشد به عنوان يك مدعی از " جنبش پیشتاز فدائی " ضمن همسوئی و همزبانی با جریانات مذکور اقدام به صدور فتوا می کند و برابر آن " مجاهدین خلق ایران " را به عنوان يك " نیروی " ضد خلق " ؛ " ضد انقلاب " و " ضد مردمی " معرفی میکند و می نویسد: " این جریان فکری در اپوزسیون، جنبش ما را به انحطاط کشانده و هر بار ، درست سربزنگاه ، هنگامی که همه شرایط برای کسب آزادی و رهائی از زیر ترور و سرکوب فراهم شده بود و توده های زحمتکش آماده هر گونه فداکاری برای تحقق در دست گرفتن سرنوشت خود بودند ، به کمک ارتجاع شتافته و آتش بیار دشمنان آزادی در قلع و قمع جنبش انقلاب و حرکت توده ها شده است. " !!! (به نقل از همان نامه). در این اینجا وی که خود سالها در خارج از ایران بسر میبرد بیان نمیکند که کجا و در چه هنگام توده های در بند ، کارگران و زحمتکشان و در يك کلام خلقهای در زنجیر ایران برای سرنوشتی رژیم جمهور اسلامی به پا خواسته اند که " سازمان مجاهدین خلق ایران " مانع آنها در امر سرنوشت کردن رژیم شده است!!! آقای کلیبی بیان نمیکند که چه زمان و در کجا " سازمان مجاهدین خلق ایران " در قدرت و حاکمیت سیاسی بوده اند که در مقابل خواستهای دموکراتیک و مشروع مردم ایستاده اند!!! بر اساس کدامین برهان و سند این نیروی مبارز را به عنوان يك نیروی ضد خلق معرفی میکنند؟؟؟. ایشان بیان نمیکند که " سازمان مجاهدین خلق ایران " کدام جنبش مردمی ؛ کدام اعتصاب کارگری و یا غیر کارگری کدام حرکت و قیام و خیزش را سرکوب نموده است که به عنوان نیروی ضد انقلاب معرفی میکنند!!!. " جناب جابر کلیبی " در همانجا مینویسند که : " استبداد قرون وسطائی ، سقوط اخلاقی ،

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ایران به اعدام نوجوانان و صدور حکم سنگسار و تازیانه برای کودکان مبادرت میکند، طفل نوزاد را از آغوش مادرش می ربایند و برای بردن به مسلخ آماده میکنند، در شرایطی که دختران و زنان ایرانی به برده گی فرستاده می شوند ، در شرایطی که دولتهای غربی حامی رژیم جمهوری اسلامی شرایط را برای ایرانیان در تبعید و نیروهای سیاسی روز بروز سختتر میکنند و به مقر و خانه های فعالین سیاسی حمله ور میشوند و رهبران سیاسی را بمانند مجرمان جنائی دستگیر میکنند، در شرایطی که اشغالگران سرزمین عراق و متحدینشان بر علیه نیروهای مبارز ایرانی مستقر در خاک عراق نیروی نظامی خود را وارد عمل میکنند و از زمین و آسمان آنان را مورد یورش قرار میدهند ، خلع سلاح میکنند و آنان را باسارت خود در میاورند، در شرایطی که مخالفان تمامیت رژیم جمهوری اسلامی و در پیشاپیش آنان نیروهای مبارز، مترقی در حمایت از فرزندان مبارز مردم ایران یعنی " اعضای ارتش آزادیبخش ملی ایران " و " سازمان مجاهدین خلق ایران " و در رد تهدیدات و توطئه های عدیده بر علیه این نیروی مبارز و مخالف تمامیت رژیم جمهوری اسلامی اقدام کرده اند، متأسفانه شاهد آن هستیم که آقای جابر کلیبی اخیرا اعلام نموده که " ما با دادن فراخوانی در محکوم کردن شیوه ها و سیاست ضد مردمی مجاهدین ، بار دیگر نیروهای اپوزسیون را در مقابل وظایف آن ها در دفاع از اصول و مبانی اخلاقی و سیاسی قرار داده ایم تا از این طریق شاید بتوان سکوت آن ها را در مقابل ارتجاع ضد کمونیستی هار مجاهدین بشکنیم ... " (به نقل از نامه جابر کلیبی خطاب (سربلند) مسئول سایت من و پال تاك بتاريخ 19 اکتبر 2004) . همانطور که ملاحظه میکنید ایشان " وظایف " اپوزسیون را خاطرنشان کرده است تا به " دفاع " از اصول و مبانی اخلاقی و سیاسی برخیزند و در مقابل ارتجاع ضد کمونیستی هار " مجاهدین " سکوت را بشکنند و خلاصه اینکه ایشان نیروهای اپوزسیون را به صف آرائی در مقابل " سازمان مجاهدین خلق ایران " دعوت نموده است . بر مبنای این دعوت باید باشیوه ها و سیاست ضد مردمی " مجاهدین " (بگفته ایشان) برخورد شود یعنی باید با سیاستی که به نفی اعدامها می پردازد، به نفی سنگسار می پردازد، بر علیه شکنجه و سرکوب و سانسور فریاد می زند، از حقوق لگد مال شده زنان دفاع می کند و باشیوه هائی که توده های مردم و نیروهای مبارز را به مبارزه رادیکال فرا می خواند، از هر مورد و مسئله مردمی بر علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی استفاده می کند، محکوم گشته و با آن مقابله شود. این است جوهر اصلی حرف ایشان. بله همگی باید یکصاف شوند و بر علیه این سیاستها و روشها بایستند. همانگونه که خواست رژیم و منجمله " یونسی وزیر اطلاعات رژیم " نیزمی باشد که با این سیاستها و روشها مقابله شود. چنانچه نامبرده در گزارش خود به شورای امنیت رژیم اعلام کرده است که " ما موفق شده ایم که اپوزسیون چپ را بر علیه " منافقین " بشورانیم ". از سوی دیگر مدتی

هیچگاه نمی فرمایند که خودشان کجا ایستاده اند و به صورت عملی کدام مبارزه عملی را بر علیه تمامیت رژیم جمهوری اسلامی به پیش برده اند که " سازمان مجاهدین خلق ایران " جلوی ایشان را گرفته اند ؟ چند وقت پیش نیز آقای جابر کلبی دست گل دیگری را با کمک شریکشان آقای علی شمس بر آب دادند. همگی بیاد داریم که اقدام جمعی از مبارزین و نیروهای مبارز و مترقی را که در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران بمدت 100 ساعت در میدان باستیل پاریس حرکتی مبارزاتی را سازماندهی نمودند و بیانیه ای در این رابطه صادر گردید. وی طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در این آکسیون " حمایت از زندانیان سیاسی شرکت نمیکند " و با " ایرادهای آنچنانی " به تلاش برای لوٹ کردن يك حرکت مبارزاتی پرداخت. این فرد بیان میکند که چرا نیروهای سازمان مجاهدین از قراردادهای محرمانه اشان با دولت آمریکا سخن نمیگویند؟! ایشان که از انعقاد چنین قراردادهای مطلع است چرا آنرا افشاء نمیکند و تودهای مردم ایران و افکار عمومی جهان را روشن نمی نماید و یا اینکه انعقاد چنین قراردادهایی ساخته و پرداخته ذهن بیمار ایشان است ؟ ! ایشان که بنوعی خالی بندی سیاسی و معرکه گیری می پردازند و اینچنین پیراهن میدهند، باید بدانند که تاریخ مصرف چنین سیاه بازیها مدتی است که بسر آمده . باید مستدل و با فاکت حرف زد نه با وهم و خیال . ایشان از مبارزه انقلابیون و پیشتارانی که جان خود را صادقانه در راه اهدافشان فدا نمودند تغذیه میکند. ایشان نان مبارزات " پویان ها " و " احمد زاده ها " و " صبور ی -ها " و " حرمتی پورها " و را می خورد. خود ایشان بدرستی میدانند که هرگز در مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بصورت " عملی و مستقیم " حضور نداشته . ایشان در حد " تئوری " اعتقاد خود را به مبارزه اعلام میکند اما توان اقدام عملی موثر را نداشته و ندارد و برای اثبات حضور خود بدنبال حریفی میگردد و چه راهی بهتر از اینکه به مجاهدین جنگ انداخته و پرخاش کند . و داد و فغان بر آورد که : گویا جلوی فعالیت و حرکت مبارزاتی ایشان را گرفته اند . ایشان که زمانی مدعی بود که " نامش فدائی و مراسم فدائی و کلامش فدائی است " امروزه بجای پرداختن به راه کارهای عملی و تلاش در ایجاد اتحاد عمل مبارزاتی به همکاری با عوامل و جریانات مذکور تن در می دهد . زهی خیال باطل چرا که اینگونه فراخوان های نامستدل و غیر منطقی هیچگونه ارزش و بار مبارزاتی ندارد. نیروهای مبارز ، مترقی و انقلابی آگاهتر از آنانند که در دام چنین جنجال هائی گرفتار آیند . بدون شك سيل وقایع همانگونه که تاکنون، در آینده نیز قضاوتها را آسانتر خواهد نمود. ما بعنوان يك تشکل دموکراتیک و فراسازمانی اینگونه جنجال ها و شامورتی بازی های سیاسی را بعنوان يك اقدام ضربه زننده و وحدت شکن محکوم میکنیم . امیدواریم که ایشان که ادعای " مارکسیست " بودن دارند نسبت به نحوه رفتار ، موضع گیری ها، و متحدین خود به تجدید نظر صادقانه و جدی بپردازد تا موجب تقویت هر چه بیشتر جنبش توده های مردم برای کسب آزادی و سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی گردد.

IRAN SOS کمیته نجات

27.10.04

بی فرهنگی و در يك کلام ارتجاع هار و افسار گسیخته استخوان بندی تفکر مجاهدین را تشکیل میدهد " ؟؟ !!! ایشان در حالی " سازمان مجاهدین خلق ایران " را به سقوط اخلاقی متهم میکند که همگی شاهد ترویج زشتترین رفتار سیاسی و سقوط اخلاقی متحدین امروزی (جریانات مذکور) ایشان در شبکه های اینترنتی و چات رومهای پال تاك هستیم. نامبرده از آنجائی که حافظه تاریخی ضعیفی دارند فراموش نموده اند که " مجاهدین خلق ایران " در پال حضوری ندارد و متحدین آنان مانند " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " در بیانیه ای بصورت صریح و روشن در ارتباط با موارد مشابه پیشین که به ایجاد شبهاتی دامن زده بودند بصورت روشن و صریح در اطلاعیه رسمی خود اعلام کردند که در شبکه چات روم های پال تاك حضور ندارند. آقای " جابر " ارتباط همزمان و متعدد باصطلاح رفقای جدید خود را نمیبیند که بجای اینکه پرچم سرخ مبارزاتی را در دست گیرند با وقاحت تمام آنچنان کردند که تاثیرات منفی آنرا همگان حس کردند. وی دیر آمده است و زود به قاضی میروود بدون اینکه نگاهی به گذشته نه چندان دور و عملکرد هم پیمانان جدیدشان بیاندازد پیمان اخوت می بندد . گویی که با چشمان بسته به حمایت از عده ای پرداخته که نمیداند سر در کدام آشخور دارند. ویا اینکه آگاهانه متحدین استراتژیک خود را یافته است ؟!! برای ایشان که با تفکر " انقلابی " سالها خو گرفته اند ابداء جعل نشریه " سازمان مجاهدین خلق ایران " و درج آن در سایت اینترنتی رفقای جدیدش و سپس در سایت های ایران دیده بان و روزنه اصلا اهمیتی ندارد!! و ایشان حتما از مقاله " برادر فندك داری " (نوشته سربلند) که در لجن مال کردن مبارزینی که برای دفاع از آرمانشان و سنبلهای مبارزاتییشان خود را بتآش کشیدند و جان خود را فدا کردند اصلا مطرح نیست . گویا به نظر ایشان اینان " مریدان يك سکت در خود فرو رفته بریده از مردم " بوده اند .!!؟؟ براستی آقای " جابر کلبی " در کجا ایستاده اند؟ که اینگونه نیروهای مبارز و مردمی را خود و هم هم پیمانانشان لجن مال میکنند ؟. با چه هدفی ؟ هر گونه اقدام فعال علیه رژیم را نادیده انگاشته و یا بی اهمیت جلوه میدهد . پیشبرد امر مبارزه ؟ !! براستی آیا اینگونه موضع گیریها تقویت صف خلق است، دفاع از منشور حقوق بشر است، دفاع از آزادی و دموکراسی است و یا در مقابل آن ایستادن ؟!! وی بیشتر از این که بخواهد از يك نیروی سیاسی انتقاد نماید و آنرا نقد سازنده کند شمشیر را از رو بسته و در شرایطی که امپریالیسم حامی رژیم جمهوری اسلامی در حال انعقاد قرار دادهای محرمانه با رژیم و معامله بر سر نیروی محوری اپوزسیون ایران را هدف خود قرار داده است، ایشان با این موضع گیریها نه در خدمت منافع زحمتکشان و خلقهای در زنجیر بلکه به آشخور رژیم و حامیان امپریالیستش خوراك تبلیغاتی می رساند و چون خود عملی ندارد و محلی برای مانور سیاسی بالاتر از چات رومها پال تاك پیدا نکرده است مبنای حرکت خود را در نفی کور و غیر منطقی بزرگترین نیرو و متشکل ترین نیروی سیاسی اپوزسیون قرار داده و آن را آماج حملات خود قرار میدهد. ایشان در سخنرانی اشان تحت عنوان " بررسی کارنامه مجاهدین " میفرمایند که " مجاهدین جلوی ایشان را گرفته اند و مانع ایشان هستند " اما

گزارش نقض حقوق بشر در ایران شهریور ۸۴



به نقض حقوق بشر در ایران خاتمه دهید !

گزارشات زیر از سوی فعالین دفاع از حقوق بشر در اروپا و شمال آمریکا تهیه گردیده. ضمن سپاس از این عزیزان عین گزارشات را جهت اطلاع خوانندگان درج میکنیم :

گزارش ماهانه (شهریور 1383) فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و آمریکای شمالی در مورد نقض گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده حقوق بشر در ایران

نهادهای مدافع حقوق بشر !

ایرانیان آزاده و مبارز !

در این گزارش بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران را که توسط این شبکه گردآوری شده است به اطلاع می رسانیم :

1 - خانم روت یوتنا کارشناس مسائل ایران و مسئول دایره ایران در سازمان عفو بین الملل اعلام کرد. ظرف 9 ماه اخیر 108 نفر در ایران اعدام شده اند. وی با انتقاد از مذاکرات پشت پرده اتحادیه اروپا با رژیم ایران خواستار علنی شدن جزئیات مذاکرات گردید. خانم روت یوتنا گفت : از 14 سال پیش به این سو 10 نفر زیر 18 سال در ایران اعدام شده اند که 3 تن از آنان در سال جاری مسیحی اعدام شده اند. وی در ادامه مصاحبه با رادیو فردا گفت : از 30 سال پیش با وجود درخواستهای فراوان سازمان عفو بین الملل اجازه نیافته تا به ایران رود تا در آنجا آزادانه و بدون مانع دست به تحقیق پیرامون ضایع شدن حقوق بشر بزند. (رادیو فردا 1383/6/22)

2- امین بزرگیان دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه تهران ، به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی کشور به شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران احضار شد. وی قبلاً به مدت 8 روز در بازداشت انفرادی بسر برده است. (ایسنا 1383/6/4)

3- سروش فرهادیان عضو شورای مرکزی کانون دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی اراک ، به اتهام اخلاف در جریان انتخابات مجلس هفتم و فعالیت در یک تشکیلات فاقد مجوز قانونی ، در شعبه 7 دادگاه عمومی اراک تفهیم اتهام شد. (ایلنا 1383/6/14)

4 - پگاه ساکی عضو شورای مرکزی کانون دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی اراک ، در شعبه 25 دادگاه عمومی اراک تفهیم اتهام شد و با قرار کفالت 3 میلیون تومانی آزاد شد. (ایسنا 1383/6/15)

5 - حسین اعتمادی بزرگ دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران ، به علت شرکت در اعتراضات دانشجویی خرداد ماه 1382 به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایسنا 1383/6/17)

6- فاراب صمیمی دانشجوی دانشگاه اسلامی کار ، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی ، برای محاکمه به شعبه 15 دادگاه

انقلاب تهران احضار شد. نامبرده در 18 تیر 1382 پس از 5 ماه بازداشت موقت با قرار وثیقه از زندان آزاد شد. (ایسنا 1383/6/21)

7- محمد ورزنده دانشجوی دانشگاه تهران ، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و شرکت در اجتماعات غیر قانونی به شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران احضار گردید. (ایلنا 1383/6/21)

8 - اکبر عطری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (ایسنا 1383/6/23)

9- آرش هاشمی عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران احضار شد. نامبرده در جریان اعتراضات دانشجویی در تیر 1382 به اتهام تحریک دانشجویان و بر هم زدن امنیت عمومی برای مدتی بازداشت گردید. (ایلنا 1383/6/23)

10- حامد رمضان چالکی عضو شورای عمومی انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم سبزواری ، به اتهام نشر اکاذیب و توهین به مسئولین دانشگاه ، به یک ترم تعلیق با احتساب سنوات محکوم شد. (ایلنا 1383/6/25)

11- محمد راعی ، علی حسینی و تابنده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در شعبه 3 دادگاه انقلاب مشهد محاکمه شدند. راعی به 9 ماه حبس تعزیری که تبدیل به 600 هزار تومان پول نقد شد محکوم گردید. حسینی و تابنده به 3 ماه حبس تعلیقی در 2 سال محکوم شدند. این دانشجویان در 18 تیر 82 از یک هفته تا 20 روز در بازداشت شده بودند و منازل آنها توسط نیروهای امنیتی مورد تفتیش قرار گرفته بود. (ایسنا 1383/6/28)

12- اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهر کرد با شکایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شعبه 104 دادگاه عمومی شهر کرد احضار شدند. (ایسنا 1383/6/29)

13- احمد امدادی دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان به اتهام توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام به حکم شعبه اول دادگاه انقلاب زنجان به یک سال حبس تعلیقی به مدت سه سال محکوم شد. نامبرده در 18 تیر 82 به مدت 15 روز بازداشت شده بود. صمد محمدی دیگر عضو این انجمن به اتهام توهین به رهبری به چهار ماه حبس تعلیقی محکوم شد. (پیک ایران 83/6/29)

14- محمد رئیسی عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به شعبه 19 دایاری ناحیه 1 داسرای کرج احضار شد. نامبرده در اعتراضات دانشجویی خرداد 82 دستگیر و مدتی در بازداشت بود. (ایسنا 1383/6/31)

15- عباس اسماعیلی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پزشکی همدان به جرم شرکت در اعتصاب غذای دانشجویان به شعبه 13 داسرای همدان احضار شد. (ایسنا

(1383/6/31)

15- عباس اسماعیلی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پزشکی همدان به جرم شرکت در اعتصاب غذای دانشجویان به شعبه 13 دادرای همدان احضار شد. (ایسنا 1383/6/31)

16- مجوز برگزاری اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) که قرار بود از 7 تا 14 شهریور ماه در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز برگزار شود ، به علت مخالفت دفتر نمایندگی ولی فقیه و رئیس دانشگاه لغو شد. (فارس 1383/6/4)

17- حسن صابر مدیر مسئول نشریه دانشجویی « سکوت » ، منتشره از طرف دانشجویان دانشگاه تهران ، به اتهام نشر اکاذیب ، تبلیغ علیه نظام و توهین به مقامات رسمی کشور با شکایت مدعی العموم در شعبه 6 بازپرسی دادرای کارکنان دولت و رسانه ها ، توسط قاضی حسینیان مورد بازجویی قرار گرفت . (ایسنا 1383/6/1)

18- نشریه دانشجویی « اتصال کوتاه » ، یکی از نشریات دانشگاه امیرکبیر ، به حکم کمیته ناظر بر نشریات برای مدت 2 ماه توقیف گردید. (اعتماد 1383/6/18)

19- اعضای تحریریه نشریه دانشجویی « امتداد » ، به مدیر مسئولی بابک جاهدمنش ، که در دانشگاه گیلان منتشر می شد ، به علت شرکت در اعتراضات دانشجویی خردادماه 1382 توسط حراست دانشگاه مورد بازجویی قرار گرفتند. به علت فشارهای وارده نشریه « امتداد » از انتشار بازماند. (اعتماد 1383/6/18)

20- نشریه دانشجویی « کیمیا » به مدیر مسئولی احمد طباطبایی که توسط دانشجویان دانشگاه امیر کبیر منتشر می شد ، به علت انتشار یک ویژه نامه در اعتراض به احضار دانشجویان به کمیته انضباطی ، با شکایت بسیج دانشجویی و معاون دانشجویی دانشگاه ، بدستور کمیته انضباطی توقیف گردید. (ایسنا 1383/6/24)

21- صولت شجاعیان دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و مدیر مسئول نشریه دانشجویی « معرفت » به اتهام چاپ مطالب خلاف با شکایت مدعی العموم در شعبه 41 دادگاه عمومی اصفهان ، به علت چند دقیقه تأخیر از سوی قاضی غیابا محاکمه شد. (ایسنا 83/6/28)

22- ابراهیم آقازاده مدیر مسئول هفته نامه « امانت » چاپ ارومیه ، با شکایت رئیس اسبق دانشگاه آزاد اسلامی سلماس و معاون آموزشی این دانشگاه ، در شعبه اول دادگاه عمومی ارومیه به ریاست قاضی عابدی ساجدی به پرداخت سیصد هزار ریال جریمه نقدی به صندوق دولت محکوم گردید. (ایسنا 1383/6/4)

23- الیاس حضرتی مدیر مسئول روزنامه « اعتماد » ، به اتهام نشر اکاذیب ، توهین و افتراء ، با شکایت مدعی العموم در شعبه 6 بازپرسی دادرای کارکنان دولت و رسانه ها تفهیم

اتهام شد. (ایسنا 1383/6/7)

24 - شیرین عبادی وکیل روزنامه نگار زندانی اکبر گنجی اعلام کرد : موکل وی 53 ماه است که در زندان بسر می برد و دچار آسم مزمنی است و حتی دکتر زندان هم گواهی کرده که بایستی در بیمارستان بستری شود. گنجی تنها فردی است که در این مدت از امکان دسترسی به تلفن همواره محروم بوده است . وی علت محرومیت خود از تلفن و عدم اعطای مرخصی مرتب قانونی را ، به این دلیل عنوان کرد که مسئولین زندان از ایشان خواسته اند در افکار خود تجدید نظر کند. (ایسنا 1383/6/14)

25- بابک غفوری آذر خبرنگار سرویس فرهنگی روزنامه « حیات نو اقتصادی » ، پس از بازرسی منزلش توسط مأموران اداره اماکن نیروی انتظامی بازداشت شد. (ایسنا 1383/6/17)

26- شهرام رفیع زاده دبیر سرویس فرهنگی روزنامه « اعتماد » ، با حکم دادرای عمومی و انقلاب تهران ، توسط مأمورین اداره اماکن نیروی انتظامی دستگیر شد. (ایسنا 1383/6/18)

27- نفیسه کوهنورد خبرنگار روزنامه « همشهری » ، به علت طرح دو سؤال ، در کنفرانس مطبوعاتی محمد خاتمی ، از سوی مدیرعامل همشهری از وی خواسته اند تا به کار خود خاتمه دهد. در ضمن حقوق دو ماه وی پرداخت نشده و هزینه تلفن همراه این روزنامه نگار که از سوی روزنامه همشهری به کنفرانس اجلاس کشورهای اسلامی به استانبول ترکیه اعزام شده بود ، پرداخت نخواهد شد. (شریف نیوز 1383/6/20)

28- خانم تونیا کبودوند دبیر بخش زنان نشریه توقیف شده « پیام مردم کردستان » ، به اتهام نشر مطالب ضد مذهبی در رابطه با مسائل زنان در شعبه اول دادگاه عمومی سنندج محاکمه شد. جلال اقوامی دبیر سیاسی نشریه ذکر شده به اتهام نشر مطالب الحادی و تبلیغ از احزاب و گروه های منحرف ، ارتباط با گروه های مخالف نظام ، انتشار شب نامه و بیانیه بر علیه نظام در شعبه اول دادگاه عمومی سنندج محاکمه گردید. (ایسنا 1383/6/24)

29- هفته نامه « مجنون » به مدیر مسئولی علی آقا ایرجی چاپ اراک ، به اتهام نشر اکاذیب ، تشویش اذهان عمومی و توهین به روحانیت و امام جمعه اراک با شکایت مدعی العموم به حکم حکمت علی مظفری قاضی شعبه 2 دادگاه انقلاب اسلامی اراک توقیف گردید. این نشریه در طی یکسال گذشته با تیراژ 5000 نسخه منتشر می شد از مرداد 1382 تاکنون 52 شماره از آن منتشر شده بود. (ایرنا 1383/6/26)

30- اسدالله امینی ، مسعود باستانی و محرم براتی اعضای تحریریه هفته نامه « ندای اصلاحات » به اتهام نشر اکاذیب ، توهین و تهمت با شکایت شورای نگهبان ، شهرداری اراک و برخی قضات دادگستری اراک در شعبه پنج دادگاه تجدید نظر محاکمه شدند. (ایسنا 1383/6/27)

یکی از متحصنین مسجد سرچشمه اردبیل توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. یوروش مهرعلی بیگلر، روح الله مهرعلی بیگلر، انلچین حاتمی، سهراب فتحی، مهدی کتابچی و اکبر آزاد از فعالین آذربایجانی در زندان تبریز بصورت بلا تکلیف بسر می برند. (حرکت ملی آذربایجان 1383/6/4)

40- شیرین عبادی گفت: طی 10 روز گذشته دوبار علی رغم کنترل نیروی انتظامی مبله آهنی درب منزل ما شکسته شده است قبلاً به وسیله نامه و تلفن تهدیداتی صورت می گرفت که مراتب به نیروی انتظامی اطلاع داده شد. (ایسنا 1383/6/4)

41- به علت تهدید گروه فشار حکومتی مسئولین امنیتی استان از ورود دکتر نعمت احمدی، وکیل دادگستری، به کرمان جلوگیری به عمل آوردند. (ایسنا 1383/6/17)

42- علی شکوری راد نماینده سابق تهران در مجلس شورای اسلامی، به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی به شعبه 1083 دادگاه عمومی تهران احضار شد. (ایسنا 1383/6/7)

43- محمد رضا علی حسینی نماینده سابق نهاوند در مجلس شورای اسلامی، به اتهام توهین به شورای نگهبان و هیأت نظارت بر انتخابات مجلس هفتم، با شکایت مدعی العموم در شعبه 76 دادگاه کیفری تهران به ریاست قاضی محمدرضا صارمی محاکمه شد. (ایسنا 1383/6/8)

44- یک مقام آگاه در دادگستری گناوه گفت: حکم دادگاه 22 نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات به اتهام اخلاف در نظم عمومی، تخریب و سرقت اموال دولتی و مقاومت در برابر مأموران صادر شد. متهمان به تحمل 7 ماه تا 4 سال حبس در تبعید و 10 تا 74 ضربه شلاق در میدان اصلی گناوه محکوم شدند. (ایرنا 1383/6/24)

45- حسن قیصری، بهروز جاوید تهرانی، بینا داراب زند و دکتر فرزاد حمیدی از بازداشت شدگان تحصن مقابل دفتر سازمان ملل در تهران با گذشت یک ماه همچنان در زندان بسر می برند. این فعالین سیاسی بیش از 20 روز است که در اعتصاب غذا بسر می برند. خلیل بهرامیان وکیل این پرونده اجازه ملاقات با موکلانش را ندارد. این زندانیان در بند 209 زندان اوین بسر می برند و ممنوع الملاقات می باشند. وزارت اطلاعات با اعلام اینکه پرونده این افراد هم اکنون در مرحله تحقیق قرار دارد از حق تماس با خانواده خود محروم هستند. (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 1383/6/25)

46- محمد شادابی مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران گفت: اطلاعات نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی و دادسرای ناحیه 9 تهران دستور فیلترینگ سایتهای «رویداد» و «امروز» را صادر کرده است. انتشار مطالب خلاف واقع علیه نظام و مسئولان، مطالب کذب و خلاف واقع و

31- حامد متقی مدیر مسئول سایت توقیف شده «نقشینه» به شعبه 115 دادگستری قم احضار شد. وی با قرار 10 میلیون تومانی آزاد است. (ایسنا 1383/6/27)

32- کاوه حسین پناهی دبیر اقتصادی هفته نامه توقیف شده «پیام مردم کردستان» حسن امینی، جهانگیر هاشمی و جمشید وزیری دیگر اعضای تحریریه این نشریه به اتهام پخش شایعات بی اساس در جامعه، نشر اکاذیب و انتشار مطالب بر علیه نظام، به شعبه اول دادگاه عمومی سنندج احضار شدند. (ایسنا 1383/6/28)

33- کیوان صمیمی بهبهانی مدیر مسئول ماهنامه «نامه» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام و توهین، با شکایت مدعی العموم به شعبه 6 بازپرسی دادسرای کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد. (ایسنا 1383/6/28)

34- علی معلم مدیر مسئول نشریه «دنیای تصویر» به اتهام استفاده ابزاری از تصاویر با شکایت مدعی العموم در شعبه 7 بازپرسی دادسرای کارکنان دولت و رسانه ها، پس از بازجویی تعهیم اتهام شد. (ایسنا 1383/6/29)

35- حنیف مزروعی از همکاران سایت رویداد، حدود 2 هفته پیش توسط مأموران اداره اماکن نیروی انتظامی بازداشت گردید. رجیعی مزروعی پدر وی گفت: به ناحیه 9 دادسرای عمومی و انقلاب تهران مراجعه کرده، جانشین رئیس دادسرا گفته اتهام و محتوای پرونده محرمانه است. (رویداد 1383/6/30)

36- مهدی رحمانیان مدیر مسئول روزنامه «شرق» و محمد نعیمی پور مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «یاس نو» به دادسرای کارکنان دولت و رسانه ها احضار شدند. (ایسنا 1383/6/31)

37- وطنخواه و قریشی از بازداشت شدگان در رابطه با سایتهای فیلترینگ شده امروز و رویداد، پس از گذشت 20 تا 45 روز بدون ملاقات در زندان بسر می برند و کسی از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی ندارد.

38- مصطفی درایتی مشاور رئیس جمهور گفت: بیش از یک ماه است که پسر مهدی درایتی در ارتباط با سایتهای «رویداد» و «امروز» توسط اداره اماکن نیروی انتظامی بازداشت شده است. وی از محل نگهداری و جرم فرزندش اظهار بی اطلاعی نمود. (ایسنا 1383/6/28)

39- کمال نویدی از فعالین آذربایجانی در میاندوآب در قلعه بابک توسط مأموران امنیتی بازداشت شده و به جای نامعلومی منتقل شده و خانواده هیچ خبری از وی ندارند. مهدی محمدپور

قلبی شده و به بخش «سی سی یو» بیمارستان آسیا منتقل گردیده است. (ایسنا 1/6/25)

54 - حسن زارع زاده اردشیر عضو جبهه دمکراتیک ایران ، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران احضار شد. (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 1383 /6/16)

55 - محسن سازگارا به علت مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان بین المللی و مطبوعات داخلی به اتهام تبلیغ علیه نظام ، از سوی شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران و با تأیید شعبه 36 دادگاه تجدید نظر و شعبه 7 دیوانعالی کشور به یکسال زندان محکوم گردید. (ایسنا 1383/6/18)

56 - خلیل بهرامیان وکیل مدافع « مجتبی میثمی » گفت : موکل من ممنوع الملاقات است و 100 میلیون تومان قرار وثیقه برای وی صادر شده است . میثمی بیش از 45 روز است که در بازداشت بسر می برد و خانواده او از سرنوشت وی اطلاعی ندارند. (رویداد 1383/6/15)

57 - نسرین لطفی همسر جهانسوز مهربخش یکی از زندانیان سیاسی که به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به همراه چهار فرد دیگر از همفکران خود در مرداد ماه سال جاری بازداشت شدند ، اعلام کرد : یک ماه است که از همسرم بی اطلاع و حتی بصورت تلفنی نیز با وی ارتباط ندارم. پرونده این زندانی سیاسی در شعبه 2 ناحیه 22 دادرسی عمومی و انقلاب تهران در حال رسیدگی می باشد. (ایلنا 1383/6/14)

58 - علی اکبر نجفی 36 ساله راننده مسافرکش در تهران ، به جرم نصب شعار « دوران ستمگر مستبد به پایان رسیده است » ، روی شیشه عقب خودرویش به حکم شعبه 14 دادگاه انقلاب تهران ، با استناد به قانون مجازات اسلامی به 6 ماه حبس تعلیقی محکوم شد. (شرق 1383/6/22)

59 - محمود علی دوستی از بازداشت شدگان تحصن مقابل دفتر سازمان ملل متحد در تهران ، پس از 37 روز در دادرسی ناحیه 21 تهران در شبهه 2 مورد بازجویی قرار گرفت . (ایلنا 1383/6/23)

60 - امیر ساران دبیرکل « جبهه اتحاد ملی » که توسط دادگاه انقلاب شهریار به 8 سال زندان محکوم شده بود ، پرونده ایشان برای رسیدگی مجدد به دادگاه تجدید نظر فرستاده شده است . نامبرده به حکم دادگاه می تواند تا زمان صدور حکم نهایی با تأمین وثیقه 8 میلیون تومانی از زندان آزاد شود . امیر ساران به علت عدم توانایی مالی در تأمین وثیقه تعیین شده در زندان بسر می برد. (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 1383/6/29)

61 - سعید مطلبی 62 ساله ، کارگردان سینما و حقوقدان ، پدر سینا مطلبی روزنامه نگار و وبلاگ نویس توسط اداره اماکن نیروی انتظامی بازداشت و پس از 10 روز به قید ضمانت از زندان آزاد گردید. سینا مطلبی سال گذشته به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و

غیراخلاقی ، هماهنگ با عوامل خارجی و ضد انقلاب ، از جمله اتهامات این سایت های فیلترینگ شده می باشد. تعدادی از دست اندرکاران فنی سایتها مدتهاست که در زندان بسر می برند. (بامداد 1383/6/24)

47 - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از دادن مجوز به انتشار رساله عملیه اسدالله بیات عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم خودداری می کند. (ایلنا 1383/6/24)

48 - نمایش فیلم مستند « فقر و فحشاء » ساخته مسعود ده نمکی لغو گردید. این فیلم قرار بود در اکران خصوصی در فرهنگسرای ارسباران برای گروهی از خبرنگاران و روزنامه نگاران به نمایش در آید. موضوع فیلم « فقر و فحشاء » ، روسپی گری و زندگی دختران فراری می باشد. (زنان ایران 1383/6/26)

49 - بهرام دهقانی ، داود رسولیان ، حسین فرح بخش ، نظام الدین کیائی ، مرتضی رزاق کریمی و رضا کیانیان ، اعضای هیأت مدیره خانه سینما، به علت برگزاری جشن خانه سینما به اتهام اشاعه فحشاء و فساد توسط مأموران مجتمع قضایی ارشاد بازداشت شدند و پس از بازجویی با قرار وثیقه از زندان آزاد شدند. (اعتماد 1383/6/26)

50 - شیوا نظر آهاری عضو انجمن زنان تارا ، از بازداشت شدگان تحصن مقابل دفتر سازمان ملل در تهران ، پس از 20 روز با قرار وثیقه 40 میلیون تومانی از زندان آزاد شد. (ایلنا 1383/6/15)

- اکرم اقبالی عضو انجمن زنان تارا ، از بازداشت شدگان تحصن مقابل دفتر سازمان ملل در تهران ، پس از 21 روز با قرار کفالت 40 میلیون تومانی از زندان آزاد شد. (ایلنا 1383/6/16)

51 - امیر رضا امیربختیار مسئول دفتر حزب ایران در خوزستان ، طی دو ماه اخیر چندین بار توسط اطلاعات استان مورد تهدیدهای گوناگون قرار گرفته و در یک نوبت به مدت 4 ساعت مورد بازجویی قرار گرفته است. مأمورین وزارت اطلاعات چندین بار به درب منزل امیربختیار مراجعه کرده و جهت ایجاد فضای رعب و وحشت ، اعضای این خانواده را مورد تعقیب قرار داده اند. (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 1383/6/18)

52 - جهانگیر محمودی ، حقوقدان ، روحانی و مؤسس « حزب مدافعان خوزستان » ، به اتهام پخش شب نامه و ارتباط و همکاری با گروه های غیرقانونی نهضت آزادی و جبهه ملی بدستور دادگاه ویژه روحانیت ، دستگیر و به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. نامبرده از نویسندگان نشریات فجر خوزستان ، ندای جنوب ، تولید و سایت بازتاب بوده است. (پیک ایران 1383/6/10)

53 - ابوالحسن داودی کارگردان و رئیس هیأت مدیره خانه سینما به علت عدم رعایت حجاب از سوی شرکت کنندگان در « جشن خانه سینما » ، توسط قوه قضائیه بازداشت شد. مهندس محمدمهدی حیدریان معاون سینمایی وزارت ارشاد گفت : اعضای هیأت مدیره خانه سینما و تعدادی از سینماگران توسط قوه قضائیه مورد بازجویی قرار گرفته اند. لازم به یاد آوری است که بر اثر فشارهای وارده در اداره اماکن نیروی انتظامی در زمان بازجویی ، داودی دچار مشکل

71- مسعود سیف و یک نفر دیگر به جرم قتل و سرقت ، پس از تحمل 11 سال زندان به حکم قاضی ولی الله حسینی رئیس شعبه نهم دادگاه جنایی اصفهان و با تأیید دیوان عالی کشور به اعدام محکوم شدند. (شرق 1383/6/30)

72- شادی صدر وکیل مدافع اولیاء دم عاطفه سهاله فرزند صفرعلی که در تاریخ 25 مرداد در شهرستان نکاء به دار آویخته شد ، اعلام کرد که عاطفه 16 ساله بوده و دچار جنون ادواری و اختلال حواس نیز بوده است. (ایسنا 1383/6/20)

73- کیوان رزاقی ، کامران رزاقی و امیر جنتی تبار به جرم قاچاق مواد مخدر به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تهران در زندان رجایی شهر به دار آویخته شدند. (کیهان 1383/6/18)

74- پرویز خالقی به جرم تجاوز به عنف و سرقت ، به حکم شعبه 45 دادگاه عمومی کرج به ریاست قاضی حاجعلی و با تأیید شعبه 34 دیوان عالی کشور ، در خیابان فروردین حصارک کرج در ملاء عام به دار آویخته شد. (اعتماد 1383/6/5)

75- قاسم اقسامی 36 ساله به جرم تجاوز به عنف و سرقت به حکم شعبه 45 دادگاه عمومی کرج به ریاست قاضی حاجعلی و با تأیید شعبه 34 دیوان عالی کشور ، در زمین فوتبال حسین آباد مهرشهر کرج در ملاء عام به دار آویخته شد. (شرق 1383/6/19)

76- یارمحمد به جرم قتل حبیب الله و هادی به جرم قتل مینا به حکم شعبه 1068 دادگاه جنایی تهران ، به ریاست قاضی محمدسلطان همتیار و با تأیید دیوان عالی کشور به دار آویخته شدند. (شرق 1383/6/18)

77- محمدرضا وکیلی به جرم قتل قدرت الله و عفت به حکم شعبه 1062 مجتمع امور جنایی تهران و با تأیید دیوان عالی کشور به دار آویخته شدند. (اعتماد 1383/6/18)

78- ولی الله به جرم قتل ابوالفضل به حکم شعبه 1061 دادگاه جنایی تهران به ریاست قاضی کوه کمره ای و با تأیید دیوان عالی کشور به دار آویخته شد. (اعتماد 1383/6/18)

79- هوشنگ به جرم قتل الیاس به حکم شعبه 1068 دادگاه جنایی تهران ، به ریاست قاضی محمد سلطان همتیار و با تأیید دیوان عالی کشور به دار آویخته شد. (اعتماد 1383/6/18)

80 - نگهبان یک کارگاه به جرم قتل و با تأیید دیوان عالی کشور به دار آویخته شد. (اعتماد 1383/6/18)

تشویش اذهان عمومی ، چند هفته در بازداشت بود. پس از خروج از ایران در رابطه با زندان و بازجوها شروع به نوشتن کرد. (رادیو بی بی سی 1383/6/30) 62- نیروهای امنیتی با حمله به گردهمایی سالانه کلیسای جماعت ربانی در کرج دست کم 80 نفر را بازداشت کردند . تعدادی از دستگیرشدگان پس از بازجویی های گسترده آزاد شدند. وارطان ، سورن ، هارمیک ، ژرژ ، فرهاد ، امید ، رابرت ، هانری مانوکیان ، نشان خاتاشوریان و حمید پورمند از جمله کشیشانی هستند که در زندان بسر می برند. جماعت ربانی طی سالیان اخیر همواره تحت فشار سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار داشته اند. (رادیو فردا 1383/6/22)

63- شیوا نظر آهاری ، سعید کلانکی ، کیانوش سنجری و حسن زارع زاده از شرکت کنندگان در تحصن مقابل دفتر سازمان ملل در شعبه 15 دادگاه انقلاب تقهیم اتهام شدند. علی رضایی و امین کرد در ارتباط با همین پرونده به دادگاه احضار شدند. (ایلنا 1383/6/31)

64- مسئول روابط عمومی نیروی انتظامی استان قزوین گفت : مأمورین مبارزه با مفاسد اجتماعی 38 دختر را به اتهام بدحجابی دستگیر کردند. (امروز 1383/6/5)

65- مسئول مرکز اطلاع رسانی فرماندهی نیروی انتظامی استان گیلان اعلام کرد : مأموران مبارزه با مفاسد اجتماعی با حمله به یک جشن شبانه در رشت ، 20 زن و دختر و 18 مرد را به جرم رقص مختلط ، پوشش نامناسب و شرب خمر دستگیر و به مقامات قضایی تحویل دادند. (کیهان 1383/6/21)

66- سردار توکلی فرمانده نیروی انتظامی استان زنجان گفت : طی یک ماه گذشته 61 زن به اتهام بدحجابی بازداشت شده اند و به 769 زن نیز تذکر شفاهی داده شده است. (ایسنا 1383/6/23)

67- مسئول روابط عمومی اداره زندانهای استان همدان اعلام کرد : با حکم دادیار اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب همدان انگشتان دست یک سارق با حضور برخی مسئولان و قضات ، معاون دادستان دادسرای عمومی و انقلاب ، قاضی اجرای احکام و نماینده پزشکی قانونی قطع گردید. (ایرنا 1383/6/28)

68- فریدون 30 ساله به جرم قتل در شعبه 80 دادگاه کیفری تهران و با تأیید دیوان عالی کشور به اعدام محکوم شد. (قدس 1383/6/2)

69- فیض محمد 16 ساله تبعه افغانستان به جرم قاچاق مواد مخدر ، در شعبه 122 دادگاه ویژه نوجوانان کرج به ریاست قاضی لقمان کیاپاشا به اعدام محکوم شد. (اعتماد 1383/6/10)

70- علی م ، مرتضی ف و میلاد ب که در کانون اصلاح و تربیت به سر می برند به اعدام محکوم شدند. این متهمین قبل از ارتکاب جرم زیر 18 سال بوده اند. (ایسنا 1383/6/18)

ننگ ابدی بر سرکوبگران مردم در بند ایران !

آنچه بر عاطفه گذشت تنها گوشه ای از جنایات فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است !



هستند افرادی مثل او که اصلا آنها را نمی بینیم و زمانی می بینیم که شاید در آستانه اعدام باشند

اعتراض به حکم دادگاه بدوی بر آن تأکید داشته است که (مرا به پزشکی قانونی بفرستید تا مشخص شود دچار جنون ادواری هستم) که متأسفانه این کار هیچ وقت انجام نشد. صدر درخواست خانواده‌ی (عاطفه را روشن شدن حقیقت ماجرا، اخذ دیه و شکایت از قاضی بدوی صادرکننده حکم برشمرد و افزود: هرچند طبق قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری برای دختر از سن 9 سال قمری شروع میشود و ظاهراً طبق قانون صدور حکم اعدام برای دختر 16 ساله اشکالی ندارد ولی با توجه به الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک که طبق آن اعدام افراد زیر 18 سال ممنوع است.

رویه قضائی تاکنون اینگونه بوده است که حتی اگر برای افراد زیر 18 سال حکم اعدام صادر می شد این حکم تا رسیدن این فرد به 18 سال تمام اجرا نمی شده.

بنابر این اگر مراجع قضائب اطلاع داشتند که عاطفه 16 ساله بوده قطعاً حداقل امر این بود که اجرای حکم اعدام عاطفه تا 18 سالگی او به تعویق بیفتد نه این که به سرعت اجرا شود.

عاطفه در 3 اردیبهشت ماه 83 دستگیر ، 13 خرداد از سوی دادگاه بدوی محکوم به اعدام و پس از اعتراض ، از سوی دیوان عالی تأیید و حکم اعدام در 25 تیر ماه سال جاری اجرا شده است.

وی خاطر نشان کرد دادرسی اطفال در قوانین جاری ما مقررات ویژه ای دارد که به نظر میرسد چون عاطفه 22 ساله فرض می شده هیچ کدام از آن مقررات ویژه در مورد او اعمال نشده است و من هم هنوز نمی دانم قاضی از کجا به این نتیجه رسیده که او 22 سال دارد.

وکیل مدافع اولیاء دم (عاطفه) با تأکید بر این که فقط زنای محصنه مجازات سنگسار دارد و مجازات زنای غیر محصنه تنها 100 ضربه شلاق است ، افزود: يك ماده قانونی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که اگر کسی سه بار به جرم زنا محکوم به شلاق شود این حکم

در شماره قبل نشریه همیاری به خبر مربوط به اعدام عاطفه رجبی دختر نوجوان شانزده ساله اشاره کردیم اخبار منتشره در این باره پرده از جنایاتی هولناک برداشت که نقش مستقیم پایوران جمهوری اسلامی را بار دیگر آشکار تر کرد. به خبرهای منتشره از سوی رسانه های رژیم در این باره نگاهی افکنیم:

خانواده دختر شانزده ساله ای که 25 مرداد در نکا اعدام شد ، مدارک مختلفی که نشان دهنده سن او هستند ارائه کرده اند و وکیل خانواده او خواستار رسیدگی به پرونده او شده اند ، می گوید من هنوز نمی دانم قاضی از کجا به این نتیجه رسیده است که او 22 سال دارد 20 شهریور خبرگزاری ایسنا

شادی صدر ، وکیل مدافع اولیاء دم دختر نکایی که چندی پیش اعدام شد، به تشریح روند این پرونده و وضعیت فعلی

پرداخت نکته ای که در ابتدای پذیرش وکالت اولیاء دم به آن برخوردیم این بود که تنها 105 روز از صدور حکم بدوی تا اعدام طول کشیده است . وی تأکید کرد: برای من مهم بود ، صحت ادعای آنا مبنی بر شانزده ساله بودن (عاطفه) دخترشان بود که با بررسی مدارک موجود در این زمینه مثل شناسنامه پدر و مدارک تحصیلی به این نتیجه رسیدیم که ادعای آنها درست بوده و عاطفه 16 سال داشته یعنی متول سال 66 بوه و قطعاً نمی تواند 22 سال داشته باشد .

وی با بیان این که طبق استشهاد و اظهارات اهالی محل ، عاطفه دچار جنون ادواری و اختلال حواس نیز بوده است ، اظهار داشت: این نکته ای است که خود عاطفه نیز در

در آن زندگی کند و تنها جایی که او به آنجا می‌رفته است خانه خرابه‌ی پدر و مادر بزرگ عاطفه بوده است و این شرایط قطعاً اتفاقاتی برای او افتاده است که به شهادت اهالی محل به هر صورت از نظر روانی و شعور، یک دختر عادی نبوده است این وکیل دادگستری عنوان کرد: مقصر اصلی در پرونده عاطفه، عواملی است که باعث می‌شوند یک دختر معصوم وارد مسیری شود که دیگر راه برگشتی نداشته باشد و در این راه عاطفه تنها یک مورد نیست و هستند افرادی مثل او که اصلاً آنها را نمی‌بینیم و زمانی می‌بینیم که شاید در آستانه‌ی اعدام باشند. در پرونده‌ی اعدام «عاطفه»، مقصر اصلی عاطفه یا امثال او نیستند بلکه مقصر اصلی سلسله عواملی است که یک دختر معصوم را تا این حد به این مرزها می‌برد.

صدر افزود: پدر عاطفه از رییس قوه قضاییه درخواست کرده که مجدداً به این مسأله رسیدگی شود و واقعاً مشخص شود که آیا این حکم طبق موازین شرعی و قانونی صادر شده یا خیر و اگر کسی اشتباه کرده و مقصر است باید تاوان آن را بدهد.

اجرا شود در بار چهارم اگر این اتفاق بیفتد فرد اعدام می‌شود که قاضی پرونده به این ماده استناد کرده اما نکته قابل توجه این است که ما متأسفانه به پرونده‌های قبلی عاطفه که در حکم به آن اشاره شده دسترسی نداریم و در پرونده‌ای که به قولی پرونده‌ی چهارم است باتوجه به اقرار متهم، حکم اعدام صادر شده است؛ متأسفانه نه قاضی پرونده و نه دیوان عالی کشور به این نکته توجه نکرده‌اند که حداقل از نظر روحی، میزان سلامت روانی متهم را توسط پزشکی قانونی تعیین کنند و بعد مشخص شود که آیا او در سلامت روانی، این اقرارها را انجام داده است یا همان گونه که خودش می‌گفته است در بسیاری از مواقع سلامت روانی نداشته است، چون یکی از شرایط نافذ بودن اقرار این است که فرد مجنون نباشد و با اختیار و اراده و آزادی کامل اقرار کند. صدر خاطر نشان کرد: پدر و مادر عاطفه در سنین کودکی او از هم جدا شده‌اند و وقتی او 5 سال داشته مادرش فوت کرده است و عاطفه در مراحل مختلف جاهای متعددی بوده است، مدتی با پدرش زندگی می‌کرده، مدتی در بهزیستی خراسان نگهداری می‌شده و پدر عاطفه جایی نداشته که

قاضی حاجی رضائی همراه با سایر افسران عامل تجاوز گروهی به عاطفه رجبی بازداشت شدند

حاجی رضائی در جریان بازجویی نیروهای وزارت اطلاعات به تجاوز جنسی

به دختر ۱۶ ساله نکایی اعتراف کرده است

روشنگری: از پنج مرداد ماه گذشته که قاضی جنایتکار حاجی رضایی شخصاً طناب دار را به گردن عاطفه این دخترک شکنجه شده و تجاوز شده نکایی انداخت تا امروز که خبر دستگیری این قاضی تبه‌کار و چند تن از افسران نیروی انتظامی نکا انتشار یافته، پرده از روی جنایت‌هایی که به قتل این دخترک انجامید کنار رفته است. از زمان انتشار اولیه این خبر که با بهت و حیرت در افکار عمومی در ایران و خارج از کشور و سپس موجی از خشم و نفرت از حکومت اسلامی و عوامل فاسد و سرکوبگرش همراه شد تا امروز همواره این احتمال مطرح بوده است که اعدام شتابزده دختر 16 ساله تلاشی برای پرده پوشی نقش افسران انتظامی نکا و حاجی رضایی رییس دادگستری این شهر در تجاوز گروهی به عاطفه بوده است. عمه عاطفه در گزارشی که دیروز منتشر شد گفت که در آخرین مرحله از پرونده عاطفه وی به مدت سه شبانه روز مورد تجاوز قرار گرفته است. او گفت: قاضی دادگاه زناکاران متاهل ع. ا. د. (50 ساله) و ع. ذ. (45 ساله) را که بارها از اختلال حواس عاطفه سوء استفاده جنسی کرده بودند، فقط به چند ضربه شلاق محکوم کرد نام دو تن از این جنایتکاران که به عاطفه تجاوز

کرده‌اند "سروان ذبیحی" و "سروان مولائی" اعلام شده است که همراه با قاضی حاجی رضایی روز چهارشنبه هفته‌ای که گذشت

توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شده و اعتراف کرده‌اند که به عاطفه تجاوز جنسی کرده‌اند. گزارش پیک ایران حاکی از آن است که "غیر از تعدادی از افسران نیروی انتظامی که به تجاوز به این دختر ۱۶ ساله اعتراف نموده بودند خود حاجی رضائی نیز در جریان بازجویی توسط نیروهای وزارت اطلاعات به عمل تجاوز به این دختر ۱۶ ساله اعتراف نموده است." قاضی جنایتکار پس از بازداشت اعتراف کرده است که "برای جلوگیری از افشای نام خود و همداستانش در نیروی انتظامی توسط عاطفه یک چنین حکمی داده است و آنگاه با گرفتن استشهاد محلی این عمل خود را وجهه قانونی تر داده است."

وی عاطفه را شکنجه داده بود تا به زور از او اعتراف بگیرد که 22 سال داشته است و در روز اعدام تمام پشت این دختر از شکنجه‌ها کبود بوده است.

عمه عاطفه گفته است: قاضی با توجه به هیکل درشت عاطفه سن وی را 22 سال تعیین کرده بود... پدر معتاد عاطفه شناسنامه وی را دست یک فروشنده دورمگرد امانت گذاشته بود و ما بعد از اعدام برای جواز دفن وی از ثبت احوال شناسنامه‌المنتهی گرفتیم... وقتی پس از اعدام شناسنامه وی را به قاضی ارائه کردم وی غرق عرق شد و گفت: "از خودش پرسیدم گفت 22 سال سن دارم... چند تن از قضات دادگستری بلافاصله نزد قاضی رضایی آمدند و گفتند: تو چه کار کردی؟

عمه عاطفه گفت: "کجای دنیا و کدام دین یک دختر صغیر و معلول ذهنی را به اعدام محکوم می‌کند و متجاوزین حیوان صفت تنها به چند ضربه شلاق قابل خریداری محکوم می‌شوند؟"

اعدامها را متوقف کنید !



کنوانسیون حقوق کودکان

قدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده 49 دوم سپتامبر 1990

ترجمه: دکتر الف. آبشار - از سایت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران

<http://www.polpiran.com>

دیباچه

بر اساس اصول پایه ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است. ملتهای دنیا بر مبنای همین اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند.

با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری. و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه ی کودکان و حمایت آنها تاکید کرده است. و با آگاهی به اینکه خانواده، واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهنده ی شخصیت کودکان است. و اینکه کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام. و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادیخواه، باشخصیت، صلح جو با روحیه ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله

مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک موجود در موسسات هستند و به ویژه در زمینه ایمنی و بهداشت کنترل کافی وجود دارد.

ماده 4 (وظایف دولتها)

حکومتهای عضو پیمان، اقدامهای ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومتها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین ملی استفاده میکنند.

ماده 5 (حقوق والدین)

حکومتهای عضو این پیمان به وظایف، حقوق و مسئولیتهای والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می نمایند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان نامه کوتاهی نشود.

ماده 6 (حق زندگی)

1) هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.
2) ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین میشود.

ماده 7 (حقوق مربوط به تولد)

1) هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.

2) حکومتهای عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می نمایند.

ماده 8 (حفظ هویت شخصی)

1) حکومتهای عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند.
2) در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی بطور غیرقانونی خدشه دار شود، حکومتها سریعاً درصدد ترمیم این خسارت برمی آیند.

ماده 9 (جدایی از پدر و مادر)

1) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه اطمینان میدهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمیشود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جدایی از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود.
2) در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همه افراد مربوطه در آن تصمیم گیری را فراهم آورد.
3) حکومتها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده اند، فراهم کنند مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد.
4) هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلاً زندان، تبعید و یا

قرارداد ژنو در سال 1924 میلادی در باره حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر 1959 میلادی، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در ماده 23 و 24 آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده 40)، اسناد و اساسنامه های دیگر تشکیل های بین المللی که بنفع کودکان فعالیت میکنند.

و بدنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است، مبنی بر اینکه: کودک بخاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد میباشد. و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه های سازمان ملل در باره تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و کودکان در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه.
و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی میکنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند.

و با درک اهمیت و ارزش همکاری های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه ی دنیا و بویژه در کشورهای در حال رشد.

پیمان نامه ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به قرار زیر تصویب میشود:

ماده 1 (تعریف)

مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

ماده 2 (ممنوعیت تبعیض)

1) حکومتهای عضو این پیمان، برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدور از هرگونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، منشأ اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین میکنند.

2) حکومتهای عضو این پیمان، تمام اقدامات لازم را انجام میدهند تا این اطمینان کامل را بوجود آورند که هر کودکی از همه اشکال تبعیض و فرق گذاری در امان است و بخاطر ابراز عقیده و جهان بینی و فعالیت های والدین یا سرپرست یا اقوام خودش مجازات نمی شود.

ماده 3 (نفع کودک)

1) درانجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد.

2) حکومتهای عضو پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از کودکان حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند.

3) حکومتهای عضو پیمان، اطمینان میدهند که ارگانها و نهادهای مسئول حمایت کودک، دارای استانداردهای تعیین شده

و یا سلامتی جامعه.

ماده 14 (آزادی مذهب، وجدان و افکار)

- 1) حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند.
- 2) حکومتها توجه به حقوق و وظایف والدین یا سرپرست کودک دارند که نقش راهنمایی خود را در رابطه با اجرای این حق در مراحل مختلف سنی کودک، ایفا کنند.
- 3) آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنهم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده 15 (آزادی تشکیل انجمن و گروه)

- 1) حکومتها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می شناسند.
- 2) اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده 16 (حفظ محدوده خصوصی)

- 1) محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند.
- 2) برخورداری از حمایت قانونی در مقابل چنین آسیب هایی، حق کودک است.

ماده 17 (استفاده از وسایل ارتباط گروهی)

- حکومتها با آگاهی از نقش مهم وسایل ارتباط جمعی، خاطرنشان میکنند که کودک باید به همه منابع گوناگون ملی و بین المللی آگاهی رسانی، به ویژه آنهایی که برای سلامت جسمی- روانی او مفیدند، دسترسی یابد. برای این منظور، حکومتها عضو این پیمان: الف) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا آگهانش، کاربرد اجتماعی- فرهنگی داشته و با محتوای ماده 29 همخوان باشد. ب) خواهان همکاری بین المللی در زمینه تولید، مبادله و توزیع این آگهانش با مراجعه به منابع رنگارنگ ملی و بین المللی هستند. ج) تولید و پخش کتابهای کودکان را حمایت نموده و گسترش میدهند.
- د) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا به نیازهای زبانی و گفتاری کودکی که از اقلیتهای فرهنگی- قومی است، پاسخگو باشند.
- ه) قوانینی را که حافظ کودک در مقابل آسیب های احتمالی ناشی از این وسایل ارتباطی است، بررسی میکنند بطوریکه ماده های 13 و 18 رعایت شوند.

18 (نگهداری کودک توسط والدین)

- 1) حکومت ها تاکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هر دو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند.
- 2) حکومتها عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی میکنند.

مرگ یکی از والدین یا هر دو آنها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در "اسارت" قانون بوده است)، حکومت امضاکننده این پیمان نامه موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومتها اطمینان میدهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی گیرند.

ماده 10 (رساندن اعضای خانواده به هم)

- 1) بدنبال ماده 9 بند 1 مندرج در این پیمان نامه، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور و یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، ترتیب این امر بطور انسانی و سریع از طرف حکومت داده میشود و چنین درخواستی دارای هیچگونه خطری از سوی حکومت برای متقاضی و یا وابستگان او نیست.
- 2) کودکی که والدین او در کشورهاي متفاوت بسر میبرند، حق دارد با هر دوي آنها بطور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرایط استثنایی مثلاً بخاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری و یا نقض حقوق مندرج در این پیمان نامه. حکومتها بر پایه ماده 9 بند 1 این پیمان نامه مکلف به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها هستند.

ماده 11 (کودک ربایی)

- 1) حکومتها عضو پیمان، جهت مبارزه با انتقال و اقامت غیرقانونی کودکان به خارج از کشور، اقدام لازم را می نمایند.
- 2) حکومتها برای این منظور، خواهان قبول توافق نامه های موجود از طرف یکدیگر و یا تصویب توافق نامه های جدید دو یا چند جانبه هستند.

ماده 12 (آزادی عقیده)

- 1) از سوی حکومتها امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.
- 2) برای این منظور، به کودک امکان داده میشود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل و یا نهاد مسوول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود.

ماده 13 (آزادی آگهانش)

- 1) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله ی انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.
- 2) اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:
- الف) بخاطر حفظ حقوق یا شهرت فردی دیگر.
- ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی

ماده 3) حکومتها تمام اقدامهای لازم را انجام میدهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند.

ماده 19 (حمایت کودکان در برابر سوء استفاده)

1) حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند.

2) اقدامات حمایتی حکومتها همراه اجرای روشها و برنامه های اجتماعی است که برای کشف و پیشگیری این جرایم نسبت به کودک موثر باشند. همچنین درمان آسیب وارده بر کودک و کمک به والدین و یا سرپرست در رابطه با سوء استفاده های ذکر شده در بند 1 این ماده بر عهده ی حکومتها است.

ماده 20 (حمایت کودک در دوران جدایی از والدین)

1) یک کودک که بطور موقت یا دایم از آغوش خانواده محروم شده و یا بدلیل نفع خودش باید خانواده را ترک کند، حق استفاده از کمکها و حمایت ویژه حکومتی را دارد.

2) حکومتها برپایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به چنین کودکی را بکار میگیرند.

3) قبول کفالت و یا فرزندخواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت، شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک است. در این رابطه باید به ریشه ها و نیازهای فرهنگی، مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را تامین نمود.

ماده 21 (ضمانت های قانونی فرزندخواندگی)

آن دسته از حکومتهای عضو پیمان که سیستم کفالت و فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته یا مجاز می دانند، با اطمینان خاطرنشان میکنند که در تمام این مراحل، منافع کودک و آسایش او تامین میشود.

این حکومتها:

الف) تضمین میکنند که امور مربوط به فرزندخواندگی فقط از طرف مسئولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل میشود.

ب) شکل بین المللی فرزندخواندگی را هم به رسمیت شناخته و این امکان را در اختیار کودکانی که داخل کشور از این نظر تامین نیستند، می گذارند.

ج) تضمین میدهند که کودک در صورت استفاده از امکان بین المللی فرزندخواندگی، همچنان تحت پوشش کامل حمایتهای حکومتی و ملی قرار دارد.

د) تمام اقدامهای مناسب را انجام میدهند تا از سودجویی های مالی در رابطه با فرزندخواندگی بین المللی جلوگیری کنند.

ه) در این چهارچوب، خواهان عقد قراردادهای دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر هستند تا بتوانند از جریان مثبت و موفق فرزندخواندگی بین المللی اطمینان حاصل کنند.

ماده 22 (حقوق پناهنده)

1) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، با انجام اقدامهای مناسب، حقوق کودکی را که از نظر قوانین داخلی و یا بین المللی پناهنده شناخته شده است، تضمین میکنند. این حقوق شامل کمکهای انسانی و در جهت احقاق همه حقوق مندرج در این پیمان نامه و همینطور دیگر پیمان های منطقه ای و بین المللی است که بر پایه تامین حقوق بشر و حقوق کودک استوار هستند، صرف نظر از اینکه کودک تنها با والدین و یا همراه دیگری باشد.

2) برای این منظور، حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، نهایت تلاش خود را میکنند تا از طریق همکاری با سازمان ملل متحد و یا تشکیلات وابسته به آن و همچنین با کمک دیگر سازمانهای مسئول منطقه ای و یا فرمانطقه ای که در زمینه حمایت کودک در ارتباط با سازمان ملل هستند، با تمام نیرو کودک پناهنده را نگهداری کرده و یاری رسانند تا والدین یا افراد فامیل خود را پیدا نموده و به آنها ملحق شود. در صورتیکه افراد مزبور پیدا نشوند، آن کودک مانند بقیه کودکان شامل قانون مربوطه به محرومیت موقت یا دایم از آغوش خانواده میشود. (ماده 20 بند 1)

ماده 23 (حقوق کودکان معلول)

1) حکومتها اعلام میدارند که اگر یک کودک دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.

2) حکومتها اعلام میکنند که کودک معلول، دارای حق حمایت ویژه حکومتی است و باید تا حد ممکن، برای آن کودک و والدین و یا سرپرست او امکانات مناسب را فراهم نمود.

3) با توجه به نیازهای اختصاصی کودک معلول، باید حمایتهای مندرج در بند 2 این ماده را در صورت امکان چنان سازمان داد که وضعیت مالی والدین و یا سرپرست در نظر گرفته شود و خدمات ارائه شده در جهت آموزش و پرورش و شکوفایی هر چه بیشتر کودک باشند.

4) حکومتها، با تکیه بر همکاری بین المللی، خواهان تبادل نظرها و تجربه های مختلف اداری، فنی، پزشکی و تربیتی در زمینه کودکان معلول هستند تا به ویژه کشورهای در حال رشد با آشنایی با امکانات و پیشرفتهای لازم بتوانند به آن دسته از کودکان کمکها و خدمات مفیدتری را ارائه دهند.

ماده 24 (مراقبتهای بهداشتی)

1) حکومتها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه ی امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می شناسند و تضمین میکنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند.

2) حکومتها برای تامین این حق کودک، اقدامهای مناسب را انجام میدهند:

الف) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش میدهند.

ب) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان میدهند و از تامین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل میکنند. حکومتها به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری ها و کمبود یا بدی تغذیه مبارزه میکنند و در این رابطه امکان تهیه مواد

غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می نمایند.

(ج) به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین توجه نموده و تلاش میکنند تا اهالی اصول اولیه بهداشتی و بهداشتی را فرگیرند. آنها مثلاً با فواید از سینه شیردادن، بهداشت شخصی و تمیز نگهداشتن محیط زیست و چگونگی پیشگیری از سوانح آشنا میشوند و در عمل هم از پشتیبانی حکومتها برخوردارند. (د) مراکز مشاوره برای والدین و روشنگری در زمینه تنظیم خانواده را سازماندهی میکنند.

(3) حکومتها جهت مبارزه با خرافات و عاداتهایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام میدهند.

(4) حکومتها خود را موظف می دانند که از همکاری های بین المللی پشتیبانی نموده و آن را تقویت نمایند تا مفاد این ماده بدون کم و کاست جامه عمل بخود ببوشاند و در این باره باید به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه ویژه نمود.

ماده 25 (کنترل و رسیدگی منظم به مکان نگهداری)

کودکی که از طرف مسوولین امر جهت نگهداری و پرستاری و یا درمان ناراحتی جسمی یا روانی بستری میشود، از حق کنترل و رسیدگی منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و این حق از طرف حکومتها عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

ماده 26 (بیمه و خدمات اجتماعی)

(1) حکومتها حق کودک مبنی بر استفاده از خدمات و بیمه امور اجتماعی را به رسمیت می شناسند و اقدامهای ضروری برای نیل به این مقصود را در هماهنگی با حقوق جاری و قوانین داخلی انجام میدهند.

(2) در ارائه این خدمات و برای کمک به کودک، باید شرایط عمومی و اقتصادی کودک و والدین یا سرپرست قانونی در نظر گرفته شود.

ماده 27 (استاندارد و سطح زندگی)

(1) حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت میشناسد.

(2) تامین شرایط مطلوب برای کودک، در مرتبه نخست، وظیفه والدین و یا سرپرست اوست.

(3) حکومت ها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش می کنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک های لازم را نموده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کنند.

(4) حکومت ها برای تامین خواست های مالی کودک در برابر والدین و یا سرپرست، چه در داخل و یا خارج از کشور، اقدامات مقتضی را انجام می دهند.

ماده 28 (حق آموزش و پرورش)

(1) حکومت ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می شناسند و بویژه برای تحقق آن:

(الف) تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می کنند. (ب) مدارس گوناگون آموزشی و حرفه ای را بوجود می آورند و آنها را بطور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم درآمد قرار می دهند.

(ج) امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می کنند.

(د) مشاوره شغلی و حرفه ای را برای همه کودکان ممکن و قابل دسترسی می نمایند.

(ه) برای کاهش تعداد کودکانی که مدرسه را رها می کنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم کودکان در مدرسه انجام می دهند.

(2) حکومت های عضو پیمان کوشش خود را می کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم خوان باشد.

(3) حکومت ها از همکاری های بین المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و بخصوص هدف ریشه کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می کنند و در این مورد هم به نیازهای کشورهای در حال رشد بیشتر توجه می شود.

ماده 29 (اهداف تربیتی)

(1) حکومت های عضو پیمان تایید می کنند که تربیت باید: (الف) شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.

(ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.

(ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین ها را تقویت کند.

(د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرانشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق ها و گروههای قومی یا ملی_ مذهبی، آماده کند. (ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند.

(2) این ماده و ماده 28 اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلاف یا خدشه در آزادی شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند 1، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند.

ماده 30 (حمایت از اقلیت ها)

کودکان متعلق به اقلیت های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت ها وجود دارند، دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان بطور جمعی یا فردی از زبان فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند.

ماده 31 (حق بازی و اوقات فراغت)

1) حکومت ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می شناسند. کودک می تواند بطور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خودش، شرکت جوید.

2) حکومت ها به حق کودک برای فعالیت های هنری و فرهنگی توجه داشته و با اقدام های خود، آنرا پشتیبانی می کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت های فرهنگی_ هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می نمایند.

ماده 32 (ممنوعیت استثمار)

1) حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود.

2) حکومت ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می برند. حکومت ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان ها و توافق نامه های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می نمایند.

ماده 33 (حمایت در برابر مواد مخدر)

حکومت ها تمامی اقدامات مناسب همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را بعمل می آورند تا کودک را بر علیه موادی که مطابق اسناد بین المللی بعنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده اند، حمایت نمایند و از بکارگیری غیرمجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می کنند.

ماده 34 (حمایت در برابر سوء استفاده جنسی)

حکومت های عضو پیمان، خود را موظف می دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می زنند تا :

الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند

ب) کودکان در زمینه فاحشه گری مورد استفاده قرار نگیرند.

ج) از کودکان در پورنوگرافی و نمایش های سکسی استفاده نشود

ماده 35 (خرید و فروش انسان)

حکومت های عضو پیمان با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه ای و فرامنطقه از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری می کنند.

ماده 36 (حمایت در برابر انواع دیگر استثمار)

حکومت های عضو پیمان، کودکان را در مقابل انواع استثمار که به شکلی به زیان آنهاست، حمایت می کنند.

ماده 37 (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)
حکومت ها تضمین می کنند که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و

توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است. ب) توقیف و حبس های غیرقانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود.

ج) با هر کودکی که در حبس بسر می برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی.

د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانشین دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود.

ماده 38 (حمایت در انجام خدمت وظیفه)

1) حکومت ها وظیفه قانونی دارند که حتی در شرایط جنگی، قوانین انسانی و مربوط به کودکان را رعایت کنند و بر اجرای آنها نظارت داشته باشند. حکومت ها تضمین می کنند و برای اجرای این تضمین همه اقدامات ضروری را انجام می دهند که هیچ کودکی تا قبل از پایان سن پانزده سالگی خود، در جنگ شرکت داده نشود.

2) حکومت های عضو پیمان، افرادی را که هنوز سن پانزده سالگی خود را تمام نکرده اند، به جنگ نمی فرستند و در شرایط اضطراری تنها از افراد نسبتا مسن تر استفاده می کنند.

3) حکومت های عضو پیمان در شرایط جنگی هم تمام اقدامات را برای حمایت کودکان آسیب دیده از جنگ، انجام می دهند.

ماده 39 (بازسازی اجتماعی کودکان آسیب دیده)

برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی شده است، حکومت های عضو پیمان همه اقدامات مناسب را انجام می دهند. بازسازی جسمی و روانی باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تامین کند .

ماده 40 (بازسازی اجتماعی کودکان مجرم)

1) حکومت ها به هر کودکی که بدنبال دوره حبس یا اتهام وارده آسیب دیده است، کمک و اقدامات لازم را جهت درمان او می نمایند. بطوریکه منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانایی او در ایفای نقش مثبت در جامعه با رعایت سنی که دارد، تقویت شود.

2) همصدا با دیگر پیمان های بین المللی، حکومت ها تضمین می کنند که هیچ کودکی با انجام عملی که در زمان ارتکاب، مطابق قوانین جرم نموده است، مجازات نمی شود و هر کودکی که بنوعی در مقابل قانون گناه کار شناخته شده و متهم یا مجازات می شود، این حداقل حقوق را دارد:

الف) تا قبل از اثبات جرم بطور قانونی، بی گناه است.

ب) بلافاصله والدین و یا سرپرست کودک باید به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقی و داشتن وکیل برای دفاع از کودک برخوردار باشند.

ج) دادگاه یا نهاد حقوقی مربوطه بلافاصله به مورد کودک رسیدگی

حکومت های عضو پیمان انتخاب می شوند. هر حکومت می تواند فقط يك نفر از تابعین خودش را پیشنهاد کند. (4) اولین انتخابات کمیسیون حداکثر شش ماه بعد از تصویب این پیمان نامه برگزار می شود و انتخابات بعدی هر دو سال یکبار انجام می پذیرند. دبیرکل بطور کتبی و حداکثر چهارماه قبل از انتخابات، از حکومت های عضو پیمان درخواست می کند که پیشنهادات خودشان را ظرف دو ماه ارائه دهند. دبیرکل بر پایه این پیشنهادات همه اسامی را برطبق حروف الفبا و ذکر نام حکومت پیشنهاد دهنده تهیه کرده و به اطلاع همه حکومت ها می رساند. (5) جلسه برای انتخابات که از طرف دبیرکل سازمان ملل اعلام و تشکیل شده است در صورت حضور دوسوم حکومت های عضو پیمان، قدرت تصمیم گیری دارد. افراد پیشنهاد شده در لیست که اکثریت مطلق آرای حاضرین را کسب کنند بعنوان نماینده و کارشناس عضو کمیسیون شناخته می شوند. (6) اعضای کمیسیون برای مدت چهارسال انتخاب می شوند و در صورت پیشنهاد مجدد، می توانند دوباره انتخاب شوند. مدت عضویت پنج نفر از اعضای کمیسیون که در بار اول انتخاب شده اند، بعد از دو سال تمام می شود که نام آنها در قرعه تعیین و بلافاصله بعد از انتخابات اعلام می شود. (7) در صورت فوت یا استعفای یکی از اعضای کمیسیون و یا اگر يك عضو به هر دلیلی نتوانست انجام وظیفه کند، حکومتی که آن عضو را پیشنهاد کرده است از بین تابعین خود، يك کارشناس را معرفی می کند که با موافقت کمیسیون، برای مدت باقی مانده، به عضویت کمیسیون درمی آید. (8) کمیسیون، اصول کار و فعالیت های خود را برنامه ریزی می کند. (9) کمیسیون، هیات مدیره خود را برای مدت دو سال انتخاب می کند. (10) جلسات کمیسیون معمولاً سالی یکبار در محل سازمان ملل یا مکان مناسب دیگری که کمیسیون مشخص کند تشکیل می شود. مدت جلسه با توافق دبیرکل سازمان ملل تعیین می گردد. (11) مکان و نیروی انسانی که کمیسیون برای انجام وظایف خود نیاز دارد، از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد تامین می شود. (12) به اعضای این کمیسیون با موافقت مجمع عمومی حکومت های عضو این پیمان نامه، درآمدی تعلق می گیرد که از محل صندوق سازمان ملل و طبق مقررات آن تامین می شود.

ماده 44 (گزارش دهی و گزارش گیری)

(1) حکومت های عضو پیمان موظف هستند که گزارشات خود را درباره فعالیت ها و اقدامات مربوط به تحقق و پیگیری تصمیمات این پیمان نامه تهیه و تنظیم نموده و ارائه دهند و آنهم: الف) ظرف دو سال بعد از تصویب این پیمان نامه برای حکومت های مربوطه. ب) سپس هر پنج سال یکبار. در گزارشات باید مشکلات اصلی را که مانع اجرای مصوبات بوده اند، ذکر نموده و تصویر کامل و دقیقی از چگونگی اجرای مصوبات ارائه نمود. (3) محتوای گزارشات حکومتی عرضه شده به کمیسیون نباید در گزارشات بعدی که مطابق بند (ب) در اصل شماره (6) این ماده ارائه می گردند، تکرار شوند. (4) کمیسیون می تواند از حکومت های مربوطه در مورد اجرای

نماید و در صورتیکه سن و شرایط کودک اجازه دهند و نفع و آسایش کودک مختل نشود، والدین یا سرپرست کودک هم در دادگاه شرکت می کنند.

(د) کودک را نباید مجبور کرد که شهادت داده و یا خود را گناهکار بداند و یا از طریق تماس با شاهدان بر آنها تاثیر بگذارد. (ه) هرگاه حکم دادگاه اولیه مبنی بر مجرم شناختن و مجازات کودک بود، باید دادگاه یا مرجع بالاتری که جانبدار حکومت، حزب، فرقه یا آیینی نبوده و کاملاً ناوابسته باشد، حکم صادره قبلی را بررسی و به شکایت رسیدگی کند. (ی) اگر کودک زبان بازجو را نمی داند، باید بطور رایگان مترجم در اختیار او گذاشت.

(و) هیچگاه نباید محدوده خصوصی کودک و شخصیت او دچار آسیب شود.

(3) دولت ها تلاش می کنند با استفاده از همه امکانات مختلف در جهت بهتر کردن روند دادگاه ها بکوشند و به کودکان در این مراکز کمک نمایند؛ بخصوص:

الف) تعیین حداقل سن برای يك کودک که در صورت ارتکاب جرم، بتوان او را مجرم شناخت.

ب) کوشش برای حل مسایل بدون دخالت دادگاه ولی اکیدا بر پایه رعایت حقوق بشر و قوانین مدنی.

(4) برای اطمینان از سلامتی جریان حقوقی و اینکه به کودک اجحافی نشود، باید تدارکات زنجیره ای گوناگونی انجام شده یا در دست اجرا باشد مانند: تعیین سرپرست، نظارت و مشاوره آزادی مشروط و مسایل مربوط به قیم، آموزش و پرورش و بسیاری نکات روانشناسی و اجتماعی دیگر.

ماده 41 (برتری حقوقی برخی از کشورهای دنیا)

این پیمان نامه تباینی با حقوق کودکان در کشورهای از این نظر پیشرفته تر ندارد و در اجرای بهتر احقاق حقوق کودکان دخالتی نمی کند. حقوقی که برای کودکان مناسب تر هستند و: الف) جزو قوانین يك حکومت عضو این پیمان محسوب می شوند. ب) جزو حقوق ملی و مدنی آن کشور هستند.

بخش دوم عهدنامه

ماده 42 (معرفی عهدنامه)

حکومت های عضو پیمان خود را موظف می دانند که مفاد و مصوبات این پیمان نامه را از راههای گوناگون و موثر در اختیار بزرگسالان و همچنین کودکان قرار دهند تا آنها با این پیمان نامه آشنا شوند.

ماده 43 (کمیسیون حقوق کودکان)

(1) کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت های عضو پیمان، تضمین آنها داده اند، تشکیل می شود. این کمیسیون تکالیف و وظایف زیر را بر دوش می گیرد. (2) کمیسیون از ده نفر که از نظر حرفه ای و اخلاقی، کارشناسان بلندپایه هستند تشکیل شده است که از طرف حکومت های حاضر در این پیمان نامه و از میان افراد تابع همان حکومت ها انتخاب می شوند. در ترکیب افراد این کمیسیون به پراکندگی جغرافیایی و سیستم حقوقی کشورها توجه می شود. (3) اعضای کمیسیون به روش مخفی از لیست پیشنهادی

ماده 50 (تغییرات)

(1) هر حکومت عضو پیمان می تواند پیشنهاد يك تغییر در این پیمان نامه را داده و آنرا به دبیرکل تسلیم کند. دبیرکل این پیشنهاد دریافتی را به اطلاع سایر حکومت های عضو پیمان رسانده و درباره آن نظرخواهی می کند. اگر چهارماه پس از اظهار يك پیشنهاد، حداقل يك سوم حکومت ها با آن پیشنهاد موافق بودند، دبیرکل، تشکیل جلسه عمومی را برای طرح آن پیشنهاد اعلام می کند. هر تغییری که توسط اکثریت حاضرین در جلسه پذیرفته شد، جهت تصویب به مجمع عمومی ابلاغ می شود.

(2) تغییر پذیرفته شده در پیمان نامه پس از تصویب مجمع عمومی و توافق دوسوم اکثریت حکومت ها، قدرت اجرایی دارد.

(3) تغییری که اعتبار و قدرت اجرایی یافته است، تنها برای حکومت هایی که آنرا پذیرفته اند، می تواند پیگرد قانونی داشته باشد.

ماده 51 (قید و شرط)

(1) دبیرکل سازمان ملل متحد با تاکید اعلام می کند؛ هر حکومتی که هنگام ورود و پذیرش این پیمان نامه قید و شرطی بگذارد، با

ماده 52 (استعفا)

يك حکومت می تواند استعفای خود را از شرکت و پذیرش این پیمان نامه از طریق نامه کتبی به دبیرکل اعلام کند. یکسال بعد از دریافت آن نامه توسط دبیرکل، استعفا قدرت قانونی دارد.

ماده 53 (نگهداری)

دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ این پیمان نامه تعیین می شود.

ماده 54 (امانت)

نوشته اصل این پیمان نامه که به زبان های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی است و همگی به يك اندازه اعتبار دارند، به رسم امانت، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده است.

پیمان نامه از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ بیستم نوامبر سال 1989 میلادی تصویب شد.



این پیمان نامه، تحقیق و پرس و جو کند.

(5) کمیسیون، گزارش فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تقدیم می کند.

(6) حکومت های عضو پیمان، گزارشات ارایه شده را در سرزمین های خود منتشر و به اطلاع مردم می رسانند

ماده 45 (وظایف ارگان های ویژه سازمان ملل)

برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان نامه و گسترش همکاری های بین المللی در این رابطه:

(الف) "کارگاه کمک به کودکان" و دیگر سازمان ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسایل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمان های بین المللی هستند.

کمیسیون اگر لازم بداند، می تواند از این ارگان های ویژه سازمان ملل متحد برای همکاری در زمینه های مربوطه دعوت نموده و یاری دریافت کند.

(ب) کمیسیون حقوق کودکان در صورت لزوم با ارگان های سازمان ملل تماس گرفته و با درخواست کتبی همراه ارایه گزارش کشورهای طرف قرارداد، از مشاوره فنی و کارشناسی آن ارگان مربوطه کمک می گیرد.

(ج) کمیسیون می تواند جهت اجرای مفاد مربوط به حقوق کودک، به مجمع عمومی پیشنهاد پرسش و درخواست از دبیرکل را بنماید.

(د) کمیسیون می تواند بر پایه اطلاعاتی که طبق ماده 44 و ماده 45 کسب کرده است، پیشنهادات و توصیه های لازم را به حکومت مربوطه داده و مجمع عمومی را هم در جریان بگذارد.

بخش سوم عهدنامه**ماده 46 (امضاها)**

این پیمان نامه جهت امضا در اختیار همه حکومت های قرار دارد.

ماده 47 (تایید رسمی)

این پیمان نامه در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده است.

ماده 48 (پذیرش این پیمان نامه)

این پیمان نامه جهت پذیرش در اختیار همه حکومت ها قرار گرفته و سند توافق هر حکومت بطور ثبت شده و تحت عنوان "پذیرش نامه" در نزد دبیرکل می باشد.

ماده 49 (قدرت اجرایی)

(1) این پیمان نامه درست سی روز پس از دریافت بیستمین پذیرش نامه توسط دبیرکل سازمان ملل، قدرت اجرایی می یابد.

(2) هرگاه حکومتی بعد از دریافت بیستمین پذیرش نامه به این پیمان نامه پیوسته و پذیرش نامه را امضا کند، تاریخ قدرت اجرایی برای آن حکومت، سی روز پس از ورود و امضای پذیرش نامه است.

(توضیح: آغاز اعتبار و قدرت اجرایی این پیمان نامه مطابق این مصوبه از تاریخ دوم سپتامبر 1990 میلادی است-م)

عدالت زندانبانان جمهوری اسلامی قطع مچ دست های زندانی

مسئولان سازمان زندان های کشور هر نوع اظهارنظری را در این باره به آینده موکول کردند. به گفته این مسئولان "سازمان، اقداماتی را در این باره انجام داده است که نتایج آن بعداً اعلام خواهد شد." مسئولان سازمان زندان ها مشغله فراوان را مانع پاسخگویی اعلام کردند. وقوع این حادثه علی اکبر یساقی، رئیس جدید سازمان زندان های کشور در ماه نخست پذیرش ریاست این سازمان با یکی از جنجالی ترین پرونده های حوزه زندان ها مواجه شد. موضوع قطع شدن دستان يك زندانی ایرانی بر اثر تنبیه از چنان حساسیت برخوردار شده که شبکه خبری بی بی سی طی سه مرحله این خبر را منتشر کرد. برای نخستین بار این خبر نیز به وسیله روزنامه جمهوری اسلامی در ۶ تیرماه انعکاس یافت.

اکنون این پرونده در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی مطرح شده است. سیداحمد آوایی، نماینده مردم دزفول در مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی در مورد این حادثه به "شرق" گفت: "من نیز از این قضیه مطلع شدم و جزئیات آن را از مراجع قانونی پیگیری می کنم." وی گفت: "حدود دو هفته قبل که به دزفول سفر کرده بودم این خبر را به من اطلاع دادند." عضو کمیسیون امنیت ملی با استناد به شنیده های خود اظهار کرد: «فرد مذکور ظاهراً فرد معتادی بوده که دستگیر شده و بعد هم نمی دانم به چه علتی یکی از مأموران زندان او را با دستبند به سقف آویزان کرده و وقتی که او را باز کرده اند، دست هایش بی حس شده و در نهایت قضیه به قطع دستان وی ختم شده است.» آوایی تصریح کرد: «در پی این هستم که با بازدید از زندان جزئیات را پیگیری کنم.» نماینده شهرستان دزفول تاکید کرد که "اغماض در این باره خیانت است." وی گفت: "هیچ کس حق چنین برخوردی با زندانی و متهمان را نداشته و ما نباید بگذاریم کار به جایی برسد که نمایندگان حقوق بشر بیایند و اخطار بدهند." قطع شدن دستان يك زندانی بر اثر تنبیه زندانبان ها با انتشار بیانیه اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر در ایران همزمان شد. در چنین شرایطی رخدادهای چنین اتفاقی می تواند ایران را بیش از پیش در فشارهای خارجی قرار دهد. نماینده مردم دزفول در این باره پیشنهاد کرد: "اعضای کمیسیون امنیت ملی هر از چند گاهی از زندان ها بازدید می کنند." وی در عین حال گفت: "ممکن است در بعضی از شهرهای دورافتاده مسئولان محلی حوادث این چنینی را مخفی نگه دارند."

NGOها نظارت

رفع اعمال خشونت نسبت به زندانبانان همچنان از سوی تشکل های غیردولتی حامی حقوق بشر پیگیری می شود. در آخرین اظهارنظرها رئیس سازمان دفاع از قربانیان شکنجه در ایران در همایش آسیب دیدگان خشونت اعلام کرد: "سازمان های غیردولتی باید اجازه اعتراض به مأموران متخلف را در مراکز بازجویی داشته باشند."

علیرضا طاهری اظهار کرد: "این سازمان ها باید بتوانند همچون کشورهای دیگر، در کنار سیستم های نظارتی ناظر بر مراکز بازجویی از مأموران متخلف شکایت کنند." به اعتقاد وی "این سازوکارها نقش بسزایی در جلوگیری از ارتکاب بسیاری از جرایم خواهد داشت." از سوی دیگر حقوقدانان نیز با دقت بیشتری پرونده های حقوقی شهروندان و زندانبانان را مورد توجه قرار می دهند. عضو کانون مدافعان حقوق بشر در گفت و گو با "شرق" علت این حادثه را کمبود بازرسی های دقیق در خصوص اقتدارهای ریاستی

نقض حقوق بشر و آزار و شکنجه در نظام ضد مردمی جمهوری اسلامی حد و مرزی ندارد. شکنجه و حتك حرمت انسانهای دربند در زندانها فاشیسم مذهبی تنها به زندانبانان سیاسی محدود نمیگردد. انسانهایی که اغلب به بدلایلی که همانا مسبب اصلی آن رژیم فاشیسم مذهبی حاکم میباشد در بند رژیم اند. تنها بیدادگاههای رژیم نیست که احکام قطع دست و پای انسانها را صادر میکنند، بلکه زندانبانان رژیم بی نیاز به هیچ گونه حکمی و محکمه ای انسانها را بدان اندازه شکنجه میکنند که منجر به قطع اعضاء بدنشان میگردد. خبر درج شده در روزنامه شرق تنها گوشه ای کوچک از نقض حقوق بشر در زندانهای جمهوری اسلامی است.

روزنامه شرق، مهدی افروزمنش _ مهدی مکارمی: از شهر دزفول خبر می رسد مسئولان سازمان زندان ها با پرداخت ۲۲ میلیون تومان توانسته اند رضایت زندانی ای که در تنبیه داخل زندان دو مچ دستش را از دست داده بود، به دست آورند. سه هفته پیش "افشین" زندانی ۲۱ ساله ای که به دلیل استعمال و فروش مواد مخدر از چندی پیش در بازداشت به سر می برد به دلیل درگیری با یکی دیگر از زندانبانان مورد تنبیه زندانبانان قرار می گیرد. در تنبیه، این زندانی با دستبند از پنکه آویزان شد. مسئولان زندان وی را بیشتر از حد لازم تنبیه و آویزان نگه داشتند به گونه ای که گفته می شود وی تنها از ناحیه نوك انگشت پا با زمین مرتبط بوده است.

از دزفول نیز خبر می رسد حادثه هنگامی رخ داده است که متهم پس از چند ساعت به خواب رفته و تمام وزن بدن وی بر دستانش وارد شده است. پس از انتقال زندانی به بیمارستان امام خمینی اهواز در تاریخ ۲۶ خردادماه، پزشکان این بیمارستان به دلیل قطع شدن عصب های دست زندانی و خون مردگی، هر دو دست وی را از مچ قطع کردند. گزارش های ردوبدل شده میان مسئولان از فراموشی زندانبانان در پایین کشیدن زندانی پس از مدت معمول تنبیه حکایت می کند. گفته می شود در این رابطه تاکنون يك نفر از زندانبانان بازداشت شده است. اخباری نیز در مورد تصمیمات مقام های عالی سازمان زندان ها برای برخورد با مقامات مربوطه در دزفول به گوش می رسد. بر اثر وقوع این حادثه گرامی رئیس زندان دزفول برکنار و رئیس زندان آبادان به عنوان سرپرست زندان تعیین شده است. اقدامات سازمان زندان ها تاکنون در همین حد است.

فرمانداری بی اطلاع است
اخبار و شنیده های پیرامون این مسئله در حالی به تهران می رسد که معاون فرمانداری شهرستان دزفول در گفت و گو با "شرق" حتی از اصل وقوع حادثه اظهار بی اطلاعی می کند. اما مدیرکل سیاسی _ انتظامی استانداری خوزستان به "شرق" گفت: "چنین حادثه ای اتفاق افتاده است و فرماندار دزفول به من گفته است که زندانبان ها چندین ساعت پس از بستن دستان زندانی فراموش کرده اند که دستبند را باز کنند." معاون سیاسی _ انتظامی استانداری نیز به "شرق" گفت: "ما با اطلاع از موضوع مراتب را برای پیگیری به مقامات بالاتر ارجاع داده ایم." در چنین شرایطی رئیس کل دادگستری استان خوزستان از هر گفت و گویی در این باره امتناع ورزید.

در کشور عنوان کرده و معتقد است: "متأسفانه در کشور نظارت کافی بر اعمال اقتدارات ریاستی صورت نمی گیرد و مشاهده شده که نمونه های این چنینی با تسامح مسئولان بالاتر مواجه می شود." محمدعلی دادخواه اظهار کرد: "اگر این فرهنگ در کشور حاکم بود که هر مسئولی در قبال تخلفات خود مسئول است این اتفاقات رخ نمی داد." وی با بیان اینکه نبود نظارت تشکل های غیردولتی نیز در این

فرآیند موثر است، خاطرنشان کرد: "نظارت یکی از وظایف اصلی تشکل های غیردولتی است که به رغم پذیرش آن برخی همواره از اجرایی شدن آن ممانعت به عمل می آورند به گونه ای که عملاً هیچ کدام از این وظایف به مرحله اجرا نمی رسد." وی همچنین در مورد جلب رضایت خانواده زندانی گفت: "در این شرایط با استناد به ماده یک، مسئولیت مدنی متهم رفع شده اما مسئولیت اجتماعی آن همچنان پابرجاست و دادستانی می تواند در این مورد اعلام جرم کند."

فراخوان همبستگی با جنبش اعتراضی مردم ایران

هم وطنان، ایرانیان آگاه و مبارز، نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

متن زیر «فراخوان همبستگی با جنبش اعتراضی مردم ایران» که به وسیله فوروم اجتماعی ایران- گروه تدارک تهیه شده و برای امضای افراد و نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غیر ایرانی می باشد و تا کنون چند ده نفر از نیروها و افراد فعال در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این متن را امضا کرده اند. این فراخوان به زبانهای انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، فرانسوی و عربی ترجمه شده و شما می توانید از طریق سایت فوروم اجتماعی ایران به این ترجمه ها دسترسی پیدا کنید. از شما درخواست می کنیم که در هر کشوری که هستید، برای جمع آوری امضا با ما همکاری کنید.

از نیروها و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بخواهید که این متن را امضا کنند و نام و نوع فعالیت و نام جریانی که این فراخوان را امضا کرده اند برای ما به ادرس ای میل مندرج در این فراخوان بفرستید.

با تلاش برای به دست آوردن هرچه بیشتر حمایت از این فراخوان صدای حق طلبی مردم ایران را به گوش جهانیان برسانیم. برای تماس با ما و ارسال امضا ها و حمایتها با ادرس زیر تماس بگیرید.

iran_social_forum@yahoo.com

فوروم اجتماعی ایران- گروه تدارک

www.iransocialforum.org

ما همه دمکراتها، ترقیخواهان و صلح طلبان جهان را به پشتیبانی و همبستگی با جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران، فرا می خوانیم.

این جنبش با تحریم فعال و گسترده نمایش انتخاباتی اخیر بار دیگر و این بار به طور چشم گیری، خواست عمومی جهت اجرای رفراندوم و برقراری جمهوری ای دمکراتیک مبتنی بر جدائی دین از دولت را نشان داد.

اجبار رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران در تن دادن به این خواست تنها راه حلی است که می تواند از دخالت نظامی و تجاوز دولتهای بزرگ خارجی و گسترش مصیبت بار کشمکشها در منطقه پر آشوب و محنت زده ما پیش گیری نموده و به روند رشد دمکراسی یاری رساند. ما برای کمک به مردم ایران در جهت برقراری آزادیهای دمکراتیک و جدائی دین از دولت که آرزو و آماج کلیه نیروهای پویای جامعه ایران است خواستار اجرای فوری موارد زیر هستیم.

- برقراری آزادیهای اساسی و به ویژه حق تشکیل احزاب، جمعیتها و سندیکاها، مستقل، آزادی اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات و ...
- لغو کلیه قوانین و مقررات تبعیض آمیز جنسی، ملی و مذهبی و پیوستن ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.
- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، ممنوعیت شکنجه و لغو اعدام.

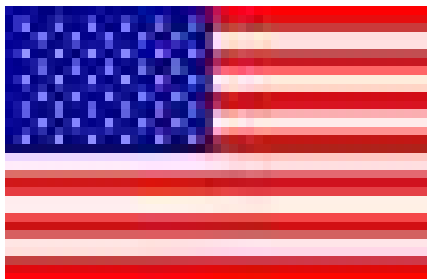
- آزادی مطبوعات و رسانه های گروهی.
- تامین استقلال قوه قضائیه و پایان دادن به فعالیتهای دادگاههای ویژه و ناقض حقوق بشر، لغو قوانین وحشیانه و قرون وسطائی چون قصاص و سنگسار.

- آزادی انتخابات و پایان دادن به کلیه قوانین جلوگیری کننده از شرکت آحاد مردم ایران در تعیین سرنوشت خویش در تمامی عرصه ها و به ویژه الغاء نظارت استصوابی شورای نگهبان.

- فراهم آوردن شرایط لازم جهت محاکمه مسئولان کشتار زندانیان سیاسی و قتل روشنفکران، مخالفان و دگراندیشان بر طبق موازین بین المللی.

زنده باد اتحاد عمل مبارزاتی !

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و حضور شرکتهای این کشور در ایران



هالیبرتون همچنان به حضور خود در ایران ادامه می دهد

به گزارش ایلنا، بررسی های به عمل آمده نشان می دهد، اگر چه در جزایر کایان است؛ اما سهام آن کاملاً HPSL دفتر مرکزی متعلق به دفتر مرکزی هالیبرتون در آمریکاست و تنها با انگیز معافیت از پرداخت مالیات بوده که در خارج از آمریکا تاسیس شده است.

در زمان ریاست دیک چنی بر هالیبرتون HPSL جالب اینجاست که کار خود را در ایران آغاز کرد.

بررسی های دیگر بر روی این شاخه نشان داده است، که در حقیقت به طور رسمی چنین شرکتی در جزایر کایان وجود ندارد و هیچ کارمندی نیز در آنجا مشغول به کار نیست و هر نامه ای هم که به آدرس ظاهری آن در جزایر کایان فرستاده شود، به دفتر مرکزی هالیبرتون در هیوستون آمریکا منتقل خواهد شد، بدین ترتیب این ادعای هالیبرتون نیز که شاخه های فعالیتش در ایران، کاملاً خارجی هستند، زیر سوال می رود.

هرچند که مسوولان تحقیق و تفتیش پرونده هالیبرتون در ایران، این اقدام را بازی با قانون و تجاوز به روح آن خوانده اند؛ اما هالیبرتون اعلام کرده به فعالیت خود در ایران همچنان ادامه خواهد داد و ادعای بازرسان را بازی های سیاسی خوانده اند که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شکل می گیرد.

دیگر شاخه های هالیبرتون که در ایران فعالیت HPSL به جز که دفتر مرکزی آن در آبردین HPSL دارند، عبارتند از: شاخه اسکاتلند است و یک درصد از درآمدهایش از فعالیت در ایران به که دفتر مرکزی آن در لندن است و MWKL دست می آید، شاخه 3 درصد از درآمدهایش از محل فعالیت در ایران است، شاخه که دفتر مرکزی آن در سوئد است و 15 درصد GVA مشاوره ای از درآمد خود را در ایران کسب می کند. راجر رابینسون، رئیس موسسه تحقیقاتی که فعالیت شرکت های آمریکایی در کشورهای مورد تحریم را بررسی می کند، می گوید: فعالیت در ایران نه تنها از لحاظ قانونی؛ بلکه از لحاظ مالی نیز می تواند برای شرکت های آمریکایی، خطرآفرین باشد. وی، در اثبات گفته خود به ماجرای شرکت تالیسمان اشاره کرد که پس از فعالیت در سودان، شاهد افت 20 تا 25 درصدی ارزش سهام خود بود.

رابینسون افزود: در حال حاضر حدود 400 شرکت آمریکایی در کشورهای به اصطلاح حامی تروریست فعالیت دارند که از این تعداد 200 شرکت در ایران مشغول به کار هستند.

مطلب زیر تنها گوشه ای از واقعیت روابط پنهانی رژیم ایران و کارتلها و تراستهای نفتی تسلیحاتی است و مشتکی نمونه خروار. "محمد جواد شمسعلی"

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در حالی برگزار می شود، که با وجود تحریم ها، شرکت های آمریکایی نظیر هالیبرتون همچنان به فعالیت خود در ایران ادامه می دهند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، شرکت آمریکایی هالیبرتون که تا سال 2000، دیک چنی، معاون رییس جمهور آمریکا ریاست آن را برعهده داشت، متهم است با وجود تحریم های وضع شده علیه ایران، در بخش نفت و گاز کشورمان درحال فعالیت است.

درمقابل هالیبرتون، ادعا می کند؛ زیرشاخه های این شرکت که با ایران قرارداد دارند، آمریکایی نیستند و توسط کادر غیر آمریکایی اداره می شوند.

طبق این گزارش، درتحریم آمریکا علیه ایران که در زمان ریاست جمهوری کلینتون وضع شد، انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص وضع شد، تا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص و شرکت های آمریکایی با ایران تحریم شد و شرکت هایی که از این تحریم سرپیچی کنند، 500 هزار دلار جریمه می شوند و اشخاص متخطی نیز به 10 سال زندان محکوم خواهند شد. باتوجه به اینکه، این قانون تنها افراد و شرکت های آمریکایی را شامل می شود، هالیبرتون ادعا می کند که از اتهام فعالیت در ایران مبرا است و باتوجه به اینکه شاخه های غیر آمریکایی اش در ایران فعالیت دارند، از این قانون سرپیچی نکرده است و تاکید می کند بسیاری دیگر از شرکت های دیگر آمریکایی نیز وجود دارند که هم اکنون زیرشاخه های خارجی شان در ایران مشغول فعالیت است.

مشهورترین شاخه هالیبرتون که در ایران فعال است و 100 درصد درآمد آن از محل فعالیت هایش در ایران کسب می شود، است که ارزش فعالیت های سالانه اش در حوزه های HPSL شاخه نفتی ایران به 30 تا 40 میلیون دلار می رسد. در ایران، شرکت های داخلی و بین المللی هستند. HPSL مشتریان این شرکت که دفتر مرکزی آن در جزایر کایان قرار دارد، فعالیت خود در ایران را در تمامی زمینه ها بسیار پر سود ارزیابی کرده است.



گزارش نقض حقوق بشر در ایران
مهرماه ۸۳

گزارشات زیر از سوی فعالین دفاع از حقوق بشر در اروپا و شمال آمریکا تهیه گردیده. ضمن سپاس از این عزیزان عین گزارشات را جهت اطلاع خوانندگان درج میکنیم :

9 - محمد رضا زهدی مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «آریا» جهت پرداخت جریمه نقدی به دایره اجرای احکام احضار شد . (ایسنا 83/7/11)

10 - فواد صادقی مدیر مسئول سایت «بازتاب» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت وزارت امور اقتصادی و دارایی در شعبه اول بازپرسی کارکنان دولت تفهیم اتهام شد . (ایسنا 83/7/27)

11 - روابط عمومی امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد : پرونده مدیران مسئول 3 نشریه بدلیل تخلفات مکرر جهت رسیدگی به دادگاه صالحه ارجاع داده شد . (ایسنا 83/7/28)

12 - حجت حیدری مدیر مسئول هفته نامه «پیام قم» به اتهام توهین ، افترا ، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی با شکایت بسیج و سپاه پاسداران قم در شعبه 25 دادرسی قم تفهیم اتهام شد . (ایسنا 83/7/29)

13 - حسین دریا یاری مدیر مسئول دو هفته نامه «گویه» به اتهام توهین ، افترا ، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی با شکایت بسیج و سپاه پاسداران قم در شعبه 25 دادرسی قم تفهیم اتهام شد . (ایسنا 83/7/29)

مطبوعات - دستگیرها

14 - روزبه میر ابراهیمی عضو هیئت تحریریه روزنامه «اعتماد» و روزنامه توقیف شده «جمهوریت» و دبیر سیاسی حزب همبستگی ایران اسلامی توسط ضابطین قوه قضائیه دستگیر شد . (ایسنا 83/7/6)

15 - آرش سیگارچی سر دبیر روزنامه «گیلان امروز» به دلیل نوشتن مقاله ای در رابطه با کشتار زندانیان سیاسی در تابستان 60 و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 67 و چاپ عکسی از مراسم سالگرد قتل عام قربانیان 67 از گورستان خاوران توسط وزارت اطلاعات در رشت مورد بازجویی قرار گرفت . (سازمان خبرنگاران بدون مرز 83/7/16)

16 - امید معماریان روزنامه نگار و از فعالان سازمانهای غیر دولتی توسط مامورین اداره اماکن نیروی انتظامی ناحیه نه (فرودگاه) بازداشت شد . مامورین با مراجعه به منزل معماریان رایانه شخصی و دست نوشته های وی را با خود برده اند . (رویداد 83/7/20)

17 - جواد غلام تمیمی دبیر تحریریه روزنامه «مردم سالاری» در ارتباط با پرونده موسوم به سایتهای غیر مجاز بدستور قاضی جعفر صابری ظفر قندی سرپرست دادرسی ناحیه فرودگاه بازداشت شد . لازم به یاد آوری است علاوه بر توقیف سایتهای

نهادهای مدافع حقوق بشر !

ایرانیان آزاده و مبارز !

در این گزارش بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران را که توسط این شبکه گردآوری شده است به اطلاع می رسانیم :

مطبوعات - احضار به دادگاه

1 - فیاض زاهد عضو شورایی عالی حزب همبستگی و مسئول ویژه نامه روزنامه «ایران» تحت عنوان «دولت در ایران» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت وزارت کار و امور اجتماعی در شعبه 3 بازپرسی کارکنان دولت و رسانه ها توسط بازپرس قدمی تفهیم اتهام شد . (ایسنا 83/7/1)

2 - امیر حسین فرخ مهر مدیر مسئول روزنامه اقتصادی «پول» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین با شکایت وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و تعاون در شعبه اول بازپرسی کارکنان دولت و رسانه ها تفهیم اتهام شد و با قرار وثیقه 2 میلیون تومانی آزاد شد . (ایسنا 83/7/1)

3 - فریدون عموزاده خلیلی مدیر مسئول هفته نامه «چلچراغ» به اتهام استفاده ابزاری از تصاویر و انتشار مطالب خلاف واقع با شکایت معاون دادستان تهران به عنوان مدعی العموم به شعبه 7 بازپرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایسنا 83/7/1)

4 - سلاله صدرايي مدیر مسئول نشریه «دنیا» به اتهام استفاده ابزاری از تصاویر و انتشار مطالب خلاف واقع با شکایت معاون دادستان تهران به عنوان مدعی العموم به شعبه 7 بازپرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایسنا 83/7/1)

5 - شهناز مدیر مسئول نشریه «خاطره» به اتهام استفاده ابزاری از تصاویر و انتشار مطالب خلاف واقع با شکایت معاون دادستان تهران به عنوان مدعی العموم به شعبه 7 بازپرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایسنا 83/7/1)

6 - لطف الله میثمی مدیر مسئول دوماهنامه «چشم انداز ایران» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت مدعی العموم به شعبه 3 بازپرسی به دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایسنا 83/7/4)

7 - کیوان صمیمی بهبهانی مدیر مسئول ماهنامه «نامه» به اتهام نشر اکاذیب و توهین با شکایت مدعی العموم به شعبه 6 بازپرسی دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایسنا 83/7/4)

8 - پدر حامد متقی مدیر مسئول سایت توقیف شده «نقشینه» به شعبه 115 دادگستری قم احضار شد. جرم وی کفالت فرزندش می باشد. (ایسنا 83/7/7)

اندیشه» در این دانشگاه توقیف گردیدند . (پیک ایران 83/7/26)
 24 - نشریه دانشجویی « از شنبه تا شنبه » که از سوی دانشجویان
 عضو انجمن اسلامی دانشگاه شهر کرد منتشر می شد به اتهام
 اهانت و توهین از سوی کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی برای
 مدت 6 ماه توقیف گردید . (ایسنا 83/7/28)

دانشجویان - احضار به دادگاه

25 - میثم جولایی عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
 تهران به علت شرکت در اعتراضات دانشجویی خرداد 1382 به
 اتهام اقدام علیه امنیت داخلی کشور به شعبه 15 دادگاه انقلاب
 تهران احضار شد . نامبرده سال قبل مدتی را در بازداشت بسر برد
 . (ایسنا 83/7/5)

26 - هیوا عزیزی دانشجوی دانشگاه بهشتی تهران به علت شرکت
 در اعتراضات دانشجویی خرداد 1382 به اتهام اقدام علیه امنیت
 ملی به شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران احضار شد . نامبرده سال قبل
 مدتی را در بازداشت بسر برد . (ایسنا 83/7/8)

27 - حمید ده نبی دبیر شورای صنفی کوی دانشگاه تهران ، در
 رابطه با اعتراضات دانشجویی خرداد 1382 برای محاکمه به
 شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران احضار شد . (83/7/11)

28 - آرش هاشمی عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی
 شریف در شعبه 26 دادگاه انقلاب تهمیم اتهام شد . (ایسنا
 83/7/13)

29 - محمد رئیسی عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت
 معلم کرج به شعبه یک دادگاه انقلاب کرج احضار شد . نامبرده در
 جریان اعتراضات دانشجویی خرداد 82 به اتهام اقدام علیه امنیت
 ملی بازداشت شده بود . (ایسنا 83/7/13)

دانشجویان - احکام صادر شده علیه فعالین دانشجویی

30 - عمران پرنداخت و علیرضا مرادی از اعضای سابق انجمن
 اسلامی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به علت شرکت در
 اعتراضات دانشجویی خرداد 1382 ، در شعبه 4 دادگاه انقلاب
 کرمانشاه به 3 سال حبس تعزیری محکوم شدند . (ایسنا 83/7/6)

31 - عباس شرفی عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
 تربیت معلم تهران ، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در شعبه 3 دادگاه
 انقلاب کرج به 6 ماه حبس تعزیری محکوم گردید .
 (ایسنا 83/7/13)

32 - محمد حسین اجدادی عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان
 دانشگاه تهران به اتهام شرکت در تجمعات غیر قانونی و اخلاف در
 نظم عمومی کشور از سوی شعبه 13 دادگاه انقلاب اسلامی تهران
 به چهار ماه حبس و 10 ضربه شلاق با 2 سال تعلیق محکوم شد .
 وی به علت شرکت در اعتراضات دانشجویی خرداد 1382
 دستگیر و به مدت 50 روز بازداشت بود .
 (ایسنا 83/7/16)

امروز ، « بامداد » و « رویداد »

توسط اداره اماکن نیروی انتظامی امید معماریان ، روزبه میر
 ابراهیمی ، مسعود قریشی ، رضا وطنخواه ، حنیف مزروعی ،
 مهدی درایتی ، بابک غفوری آذر ، شهرام رفیع زاده و
 دستگیر شده اند . (ایسنا 83/7/27)

مطبوعات - احکام صادره شده

18 - منوچهر توکلی خبرنگار روزنامه « همشهری » از کار در
 این روزنامه اخراج شد و توسط حراست شهرداری مورد تهدید و
 ارباب قرار گرفت . (ایسنا 83/7/4)

19 - غلام حیدر ابراهیم بای سلامی ، مدیر مسئول سابق
 روزنامه « همبستگی » به اتهام نشر اکاذیب ، افتراء و تبلیغ علیه
 نظام با شکایت مدعی العموم ، سازمان صدا و سیما ، دبیر
 شورای نگهبان ، روزنامه کیهان ، کاوه کمیل (رهبر انصار
 حزب الله اصفهان) ، عبدالمجید محتشم عضو رهبری (انصار
 حزب الله تهران) و دبیر حزب مؤتلفه اسلامی در شعبه 1083
 دادگاه عمومی تهران به پرداخت 300 هزار تومان جزای نقدی
 بدل از حبس محکوم شد . (ایسنا 83/7/6)

20 - عماد الدین باقی روزنامه نگار ، به علت چاپ کتاب «
 تراژدی دموکراسی در ایران » که در رابطه با قتل های زنجره
 ای می باشد ، در شعبه 6 دادگاه انقلاب و با تائید شعبه 36 دادگاه
 تجدید نظر استان تهران به یکسال حبس تعزیری محکوم شد .
 گفتنی است که نامبرده برای شرکت در دومین کنفرانس بین
 المللی مبارزه با مجازات اعدام به کانادا دعوت شده بود که از
 سوی قوه قضائیه ممنوع الخروج اعلام گردید . باقی قرار بود در
 ضمن این سفر در جلسات حقوق بشری دیگری در امریکا و هلند
 شرکت کند . (ایران 83/7/26 و ایسنا 83/7/13)

21 - احمد رضا شیرازی 23 ساله خبرنگار آزاد و فعال سیاسی
 ساکن مشهد در بهمن 82 توسط مأمورین وزارت اطلاعات برای
 مدت 21 روز بازداشت شد و به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی
 کشور و هواداری از جبهه دموکراتیک ایران در شعبه 13 دادگاه
 انقلاب مشهد به ریاست قاضی حجتی پور تهمیم اتهام شد و با
 قرار کفالت 10 میلیون تومانی موقتاً آزاد شد . نامبرده و خانواده
 اش در طی این مدت از طرف قوه قضائیه و اداره اطلاعات
 مشهد تحت فشار قرار داشته اند .

دانشجویان - توقیف مطبوعات دانشجویی

22 - نشریه دانشجویی « صدای سکوت » به سر دبیری حامد
 سیفی که توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینای
 همدان منتشر می شد . به اتهام توهین به مسئولین با شکایت
 رئیس دانشگاه برای دومین بار توسط هیئت نظارت بر نشریات
 این دانشگاه توقیف گردید . (ایسنا 83/7/21)

23 - نشریه دانشجویی « کیان اندیشه » که از سوی انجمن اسلامی
 دانشجویان دانشگاه بین المللی خمینی قزوین منتشر می شد ،
 توقیف دائم شد . سال گذشته نیز دو نشریه « مهر » و « سپهر

41 - امیر رضا صیادی به اتهام اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی کشور در شعبه 2 دادگاه انقلاب تبریز به 2 سال حبس تعزیری - تعلیقی با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم گردید . (تبریز نبوز 83/7/8)

شهروندان - احکام صادره شده

42 - پیرمرد کشاورز 72 ساله ای را در روستای «تبرته» (از توابع شهرستان فراهان) 60 ضربه شلاق در ملاء عام زدند . - پیرمرد کشاورز 85 ساله ای را در روستای «تبرته» 60 ضربه شلاق در ملاء عام زدند . نامبرده 25 روز بازداشت بود. و 120 هزار تومان هم جریمه پرداخت نموده بود. - پیرمرد 60 ساله ای را در روستای «تبرته» 60 ضربه شلاق در ملاء عام زدند و 500 هزار تومان جریمه شد . اتهام این کشاورزان استفاده غیر مجاز از منابع آب می باشد و در دادگاه عمومی شهرستان فراهان واقع در استان مرکزی محکوم به شلاق و جریمه نقدی شدند . (ایسنا 83/7/8)

43 - نخستین کنسرت موسیقی «گروه مهرگان» بانوان زنجان که برای بانوان اجرا می شد با تجمع گروه فشار حکومتی بدستور اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استانداری زنجان لغو گردید. (شرق 83/7/13)

44 - یک مسئول آگاه در دادگستری گناوه گفت : چهار نفر از متهمان دستگیر شده در رابطه با نا آرامی های سوم شهریور 83 بندر گناوه به اتهام تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب هرکدام به پرداخت مبلغ 600 هزار تومان و یک نفر به پرداخت 300 هزار تومان جریمه نقدی محکوم شدند . پیشتر نیز 22 نفر از دستگیر شدگان گناوه به اتهام اخلاف در نظم عمومی و مقاومت در برابر مأموران (حسب نوع جرم) بین 7 ماه تا 4 سال زندان و تحمل 10 تا 74 ضربه شلاق محکوم شدند . (ایرنا 83/7/27)

45 - دو تالار برگزاری مراسم عروسی در رشت به اتهام برگزاری جشن عروسی توسط اداره اماکن نیروی انتظامی تعطیل و پلمپ شدند . (کیهان 83/7/4)

46 - به گفته سردار قدرت الله محمودی مدیر کل اداره مبارزه با مخدر تهران در شش ماه اول سال جاری بیش از 20 هزار و پانصد معتاد در تهران توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند . (قدس 83/7/1)

فعالین سیاسی - اخبار

47 - گروه فشار حکومتی ، با حمله به منزل حجت الاسلام بشیری در قم مانع سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش شدند و وی را مورد ضرب و شتم قرار دادند . این سخنرانی ابتدا قرار بود در دفتر جبهه مشارکت قم برگزار شود که به علت اعتراض گروه فشار حکومتی به منزل بشیری منتقل گردید . گروه فشار حکومتی با شعارهای «منافق حیا کن شهر قم را رها کن» و «شهر مقدس قم

33 - اکبر عطری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) به علت سخنرانی در دانشگاه زنجان ، به اتهام تبلیغ علیه نظام به صورت غیابی از سوی شعبه دادگاه انقلاب زنجان به 4 ماه حبس تعزیری محکوم شد . (ایسنا 83/7/27)

34 - سروش فرهادیان دبیر کانون دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاه آزاد اراک ، به اتهام نشر اکاذیب ، افترا و اخلاف در امر انتخابات مجلس هفتم با شکایت مدعی العموم در شعبه 7 دادگستری اراک به حکم قاضی پاک بین به یکسال زندان ، 40 ضربه شلاق و صد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شد . (ایلنا 83/7/29)

دانشجویان - محاکمات

35 - حنیف یزدانی ، محمد علمداری و داود یاری اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهرکرد ، با شکایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر در شعبه 104 دادگاه عمومی شهرکرد تعهیم اتهام شدند . (ایسنا 83/7/1)

36 - ابوالفضل آجرلو دانشجوی رشته برق دانشگاه اصفهان و فعال جنبش دانشجویی اکنون نزدیک به 100 روز است که در بند 209 وزارت اطلاعات در زندان اوین بسر می برد . وی در 18 تیر سال 83 توسط سپاه پاسداران در تهران دستگیر شد . این فعال سیاسی هم اکنون به حالت بلاتکلیف در بند 9 نیمه عمومی بازداشتگاه 209 وزارت اطلاعات نگهداری می شود . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/7/24)

37 - عبادی عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران ، به اتهام تبلیغ علیه نظام و اهانت به مسئولان در شعبه 3 دادگاه انقلاب کرج محاکمه شد . (ایسنا 83/7/27)

38 - سعید نادعلی معاون دانشجویی کوی دانشگاه تهران ، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور با شکایت مدعی العموم در شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد . (ایسنا 83/7/27)

زندانیان سیاسی - اخبار

39 - محمود علیدوستی زندانی سیاسی پس از 51 روز بازداشت با تامین قرار وثیقه 80 میلیون تومانی از زندان آزاد شد . (ایلنا 83/7/10)

40 - شعله نوروزیان همسر مجتبی میثمی زندانی سیاسی گفت : 80 روز است که همسرم در بازداشت بسر میبرد و وضعیت جسمانی او مناسب نیست . مقدس سرپرست ناحیه 21 دادسرای عمومی و انقلاب تهران می گوید ، شما حق ندارید اتهامات همسران را بدانید . (ایلنا 83/7/5)

جای منافقین نیست» و «منافق برو گم شو» شعارهایی نیز بر علیه استاندار و فرماندار قم می دادند. محمد جواد کرخی فرماندار قم گفت: افرادی که در اطراف منزل حجت الاسلام بشیری تجمع کرده بودند برای ما شناخته شده می باشند. (ایرنا 83/7/3)

48 - پرونده محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران به اتهام نشر اکاذیب با شکایت مدعی العموم از سوی شعبه 6 بازپرسی دادسرای کارکنان دولت و رسانه ها جهت رسیدگی به دادگستری استان تهران ارجاع شد. (ایلنا 83/7/4)

49 - مراسم سخنرانی محسن آرمین عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در دانشگاه کردستان، به علت تهدید گروه فشار حکومتی لغو گردید. (ایرنا 83/7/9)

50 - علی اشرف درویشیان عضو کانون نویسندگان ایران گفت: دلیل عمده فشارهایی که بر مطبوعات اعمال می شود این است که خبرها را منتشر نکنند، اطلاع رسانی بین مردم نشود. وی افزود: ما حقیقتاً هیچ تریبونی برای بیان نظراتمان نداریم، زیرا همه امکانات را از ما گرفته اند و در حال حاضر با تعدادی کم جلسات خود را در خانه های دوستانمان تشکیل می دهیم، چون هیچ گونه امکانی به ما نمی دهند و در واقع به گونه ای مارا در خانه های خودمان زندانی کرده اند. (رادیو دویچه 83/7/13)

51 - محمد سیف زاده عضو کانون مدافعان حقوق بشر گفت: به دنبال مراجعه خانواده چهار زندانی سیاسی و مطبوعاتی به نامه های روزبه میر ابراهیمی، نصرت الله مشعشعی، جهانسوز مهربخش و مجتبی میثی به زندان اوین مراجعه کردم تا با تنظیم وکالتنامه که از حقوق قانونی متهمان است به وظیفه وکالتی خود اقدام کنم. وی افزود: در مورد متهمان سیاسی و مطبوعاتی گفته شد که پرونده این افراد اقدام علیه امنیت ملی است و نمی توانید با آنها ملاقات کنید در نتیجه اجازه نداند که وکالتنامه تنظیم شود. (ایرنا 83/7/13)

52 - حسن زارع زاده اردشیر روزنامه نگار و مسئول کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی با شکایت وزارت اطلاعات در شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی حداد بصورت غیر علنی محاکمه شد. (جبهه د مکراتیک ایران 83/7/15)

53 - محمود بهشتی دبیر کل کانون صنفی معلمان گفت: در ابتدای شروع کار صنفی تصور می کردیم که انجام کار صنفی بر خلاف فعالیتهای سیاسی هزینه ای ندارد و می تواند ما را به اهداف مان برساند اما آنچنان که دیدیم هزینه فعالیت صنفی از اقدامات سیاسی بیشتر بود. وی خاطر نشان کرد تشکلهای صنفی در ادامه فعالیتهای خود با مأموران مخفی امنیتی و فشارهایی از سوی آموزش و پرورش مواجه هستند. (ایلنا 83/7/22)

54 - سخنرانی محمد بسته نگار از فعالین ملی - مذهبی در سمینار «جایگاه اعتراض در حکومت اسلامی» که توسط نشریه دانشجویی «فریاد» و کانون گفتگوی تمدنهای دانشگاه یاسوج سازماندهی شده بود به علت فشارهای بیرون از دانشگاه لغو شد.

(شرق 83/7/22)

55 - محمد جواد مظفر عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و انجمن دفاع از حقوق زندانیان به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی تهران احضار شد. (ایرنا 83/7/24)

56 - احمد خرم وزیر پیشین راه و ترابری به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت سازمان صدا و سیما به شعبه 1083 دادگاه عمومی تهران احضار شد. (ایرنا 83/7/24)

57 - حجت الله زمانی به اتهام وابستگی به سازمان مجاهدین خلق بدون حضور وکیل بصورت مخفیانه محاکمه و به چهار بار اعدام محکوم شد. این زندانی سیاسی پس از صدور حکم اعدام، بلافاصله از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج که یکی از تبعیدگاههای زندانیان جنائی و معتاد است منتقل گردید. لازم به ذکر است که در سالهای گذشته دو برادر این زندانی سیاسی بنامهای فلاح زمانی و خزعل زمانی توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعدام شده اند.

(کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/7/26)

58 - به گفته گوهر شمیرانی همسر علیرضا جباری عضو کانون نویسندگان ایران، همسر وی قبل از آزادی از زندان 179 ضربه شلاق خورده است. (ایرنا 83/7/26)

59 - دکتر محمد علی دادخواه سخنگوی «کانون مدافعان حقوق بشر در ایران» که برای سخنرانی به انگلستان و فرانسه دعوت شده بود از طرف اداره گذرنامه ممنوع الخروج اعلام گردید. (تبریز نیوز 83/7/30)

فعالین سیاسی - محاکمات و احکام

60 - نعمت احمدی وکیل دادگستری به اتهام نشر اکاذیب، با شکایت شورای نگهبان به پرداخت 500 هزار تومان جزای نقدی محکوم شد. (ایرنا 83/7/13)

61 - سوسن طلوعی رد، عضو شورای شهر جلفا به اتهام توهین به مقدسات و رهبری با شکایت علیرضا شکیبی شهردار جلفا در شعبه یک دادگاه انقلاب محاکمه شد. نامبرده گفت: قبلاً به عنوان دبیر زبان انگلیسی در آموزش و پرورش خدمت می کردم پس از آنکه در انتخابات مجلس ششم نامزد نمایندگی شدم دیگر به من اجازه کارکردن در آموزش و پرورش را ندادند. وی افزود: پس از آنکه به عنوان عضو شورای شهر جلفا انتخاب شدم فشارهای سیاسی بر من افزایش یافته است. (ایلنا 83/7/21)

62 - دکتر سید جواد امامی عضو موسس جبهه دمکراتیک ایران و استاد دانشگاه در رابطه با حوادث کوی دانشگاه، تأسیس جبهه دمکراتیک ایران و راه اندازی تجمعات در شعبه 26 دادگاه انقلاب مورد بازجویی قرار گرفت. (جبهه دمکراتیک ایران 83/7/28)

فعالین سیاسی - دستگیری ها

63 - نصرت مهرگانی عضو کانون نویسندگان ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد .

(کانون نویسندگان ایران 83/7/8)

65 - به گزارش سایت بازتاب 10 نفر در تهران ، 4 نفر در ارومیه ، 9 نفر در اصفهان و 2 نفر در شیراز به اتهام بر هم زدن نظم عمومی توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند . (بازتاب 83/7/6)

66 - ژیلای ایزدی 13 ساله به جرم رابطه نا مشروع با برادر 15 ساله اش به حبس تعزیری محکوم شد . (ایرنا 83/7/26)

کارگران

67 - علی اکبر عیوضی مسئول کانون همآهنگی شوراهای اسلامی کار محور شرق تهران گفت :

نعمت الله شکاری کارگر 59 ساله کارخانه سیمان شمال سپید دماوند با 27 سال سابقه کار در حرفه تراشکاری ، به علت بی توجهی مسئولان سازمان تامین اجتماعی به مسائل کارگری و عدم اجرای قوانین و مصوبات امنیتی محیط کار به وسیله دستگاه ترارش بلعیده شد و جان خود را از دست داد . وی افزود این کارگر در محیطی کار می کرد که علاوه بر نبود فضای مناسب و آلودگی محیط کار از امکانات لازم برخوردار نبوده و در شرایط سخت و زیان آور کار می کرد . این مقام شوراهای اسلامی کار افزود : این سومین فاجعه انسانی طی چند ماه گذشته است . (ایلنا 83/7/21)

احکام صادر شده توسط دادگاه ها - قطع عضو

68 - شاهین و پیمان به اتهام شرکت در سرقتهای مسلحانه و ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت در شعبه 52 دادگستری اهواز و با تأیید شعبه 32 دیوان عالی کشور به مجازات قطع دست راست و پای چپ محکوم شدند . (شرق 83/7/6)

69 - یک جوان 20 ساله به جرم 2 بار اقدام برای سرقت اتومبیل ، به حکم شعبه پنج دادگاه انقلاب شیراز و با تأیید دیوان عالی کشور به عنوان محارب به قطع دست راست و پای چپ محکوم گردید . (اعتماد 83/7/27)

شهروندان - قتل توسط نیروهای انتظامی

70 - پس از اعلام ورشکستگی صندوق قرض الحسنه « ذوالفقار علی » در نور آباد ممسنی مال باختگان اقدام به تجمع اعتراضی می کنند . به گفته عبدالرسول احمدی فرماندار نور آباد ممسنی بر اثر تیراندازی نیروی انتظامی به مردم معترض یک دانش آموز 17 ساله به نام شهاب حسینی کشته ، 20 نفر زخمی و 50 نفر بازداشت شدند . (اعتماد 83/7/11)

71 - در درگیری مسلحانه بین پیروان فرقه « اهل حق » و نیروی انتظامی در اوچ تپه میاندوآب 6 نفر از نیروی انتظامی و 6 نفر از

پیروان فرقه « اهل حق » کشته شدند . (بازتاب و ایسنا 83/7/20)

72 - بلال بخش - د به اتهام « شرارت » بر اثر تیراندازی توسط نیروی انتظامی در ایرانشهر به قتل رسید . (کیهان 83/7/8)

73 - در درگیری بین ماموران نیروی انتظامی و قاچاقچیان مواد مخدر 4 نفر از قاچاقچیان در ارتفاعات جنوب خراسان کشته شدند . (بازتاب 83/7/8)

74 - ماموران قرار گاه مقدم مرصاد در استان کرمان ، 6 نفر را به جرم سرقت مسلحانه ، قاچاق مواد مخدر ، قتل و گروگانگیری به قتل رساندند . (اعتماد 83/7/12)

75 - نیروی انتظامی در شهرک اندیشه کرج با ورود به یک مهمانی خصوصی شبانه و تیراندازی ، یکی از شرکت کنندگان در میهمانی را کشت . (اعتماد 83/7/26)

احکام صادر شده اعدام توسط دادگاه ها

76 - محمد رضا به جرم قتل باقر به حکم قاضی نورالله عزیز محمدی رئیس شعبه 71 دادگاه کیفری تهران به اعدام محکوم شد . (شرق 83/7/1)

77 - بهرام اکبری ، محیط بان سازمان محیط زیست استان چهار محال بختیاری به جرم قتل سرهنگ خسرو کاووسی خلبان هوانیروز در منطقه حفاظت شده تنگ صیاد فرخ شهر در شعبه 6 دادگاه عمومی شهر کرد و با تأیید شعبه 13 دیوانعالی کشور محکوم به اعدام شد . (کیهان 83/7/4)

78 - علیرضا به جرم قتل مهدی کبیری ، بهاره کبیری ، محمد رضا کبیری ، زهرا محمدی و فاطمه کیمیایی در شعبه 1157 دادگاه جنایی تهران به ریاست قاضی جواد اسماعیلی و با تأیید دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد و حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده شد . (اعتماد 83/7/6)

79 - محسن به اتهام شرکت در سرقتهای مسلحانه و ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت در شعبه 52 دادگستری اهواز و با تأیید شعبه 32 دیوانعالی کشور محکوم به اعدام گردید و این حکم برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادگستری اهواز فرستاده شد . (شرق 83/7/6)

80 - ع - ص ساکن شهر ری به علت قتل و زنای غیر محصنه به حکم قاضی نور الله عزیزی به 100 ضربه شلاق و اعدام محکوم گردید . (ایسنا 83/7/12)

81 - به گفته مرعشی مشاور رئیس جمهور 2 نفر به جرم قاچاق اشیاء عتیقه و حفاری غیر مجاز محکوم به اعدام شدند . (بازتاب 83/7/12)

کشور در ملاء عام در شیراز به دار آویخته شدند . (قدس 83/7/25)

94- قاسم سیدی به جرم قتل جلال علامه ، جواد علامه ، سودابه علامه و شهناز حسینی به حکم قاضی شعبه 53 دادگاه عمومی مشهد (ویژه قتل) و با تائید دیوانعالی کشور در میدان مادر قاسم آباد مشهد در ملاء عام به دار آویخته شد . (قدس 83/7/21)

95- رضا نظر پور ، حسن قمی ، حمید رضا فرخی و محمد رضا محبوبی از اعضای باند متلاشی شده شمس به جرم قتل ، سرقت مسلحانه ، اخاذی و تجاوز به نوامیس مردم در حضور رئیس دادگاه انقلاب اسلامی مازندران ، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تنکابن ، فرمانده نیروی انتظامی و سپاه پاسداران شهرستان تنکابن در ملاء عام به دار آویخته شدند . (ایسنا 83/7/15)

96- محمد - د به جرم شرکت در چهار فقره سرقت مسلحانه به حکم دادگستری استان خوزستان و با تائید شعبه 32 دیوان عالی کشور در جاده کوت عبدالله اهواز در ملاء عام به دار آویخته شد . (ایرنا 83/7/20)

97- آرش به جرم قتل مامک به حکم قاضی جواد اسماعیلی در شعبه 1157 مجتمع امور جنایی تهران و با تائید دیوان عالی کشور اعدام شد . (اعتماد 83/7/23)

98- عباس به جرم قتل به حکم قاضی محمد سلطان همتیار در شعبه 1508 مجتمع امور جنایی تهران و با تائید دیوان عالی کشور اعدام شد . (اعتماد 83/7/23)

99- م، م به جرم قتل مهدی ذبیحی به حکم قاضی رستمی قاضی اجرای احکام مجتمع قضایی شماره یک رشت در محوطه زندان شماره 2 رشت اعدام شد. (گیلان امروز 83/7/22)

: انجمن دفاع از www.addhi.com - info@addhi.com
حقوق بشر در ایران - مونترال - کانادا

: کانون اندیشه، گفتگو و ctdhumanright@yahoo.com
حقوق بشر در ایران - تورنتو - کانادا

: کانون دفاع www.bashariyat.de - info@vzvmiran.de
از حقوق بشر در ایران - برمن - آلمان

شبکه www.azadegy.de - shafaei@azadegy.de
فعالان حقوق بشر ایرانی در آلمان :

: کانون دفاع از دموکراسی در kdaddih@hotmail.com
ایران - هلند

: کمیته اقدام irancaippo.free.fr - irancaippo@free.fr
برای آزادی زندانیان عقیدتی و سیاسی در ایران - پاریس

: www.komitedefa.org - info@komitedefa.org
کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - سوئد

: کمیته دفاع از حقوق بشر defendhriaran@yahoo.com
در ایران - کالیفرنیا - آمریکا

: کمیته نوران (کمیته دفاع از noranalip2003@yahoo.no)
حقوق بشر در ایران - نروژ) :

: سازمان ایرانیان غرب کانادا - yebarak@yahoo.ca

82- مهرداد به جرم قتل برادرش سعید به حکم قاضی یاور زاده ر رئیس شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران محکوم به اعدام شد. (شرق 83/7/16)

83- مهدی به جرم قتل محمد در شعبه 2101 دادگاه ویژه اطفال و با تائید دیوان عالی کشور و تفیذ رئیس قوه قضاییه به اعدام محکوم شد . حکم به شعبه اجرائیات فرستاده شد. نامبرده در زمان وقوع جرم 17 ساله بوده . (شرق 83/7/19)

84- مهران 24 ساله به جرم قتل در سال 1378 در شعبه 1068 به حکم قاضی محمد سلطان همتیار محکوم به اعدام شد . (شرق 83/7/20)

85- جواد به جرم قتل اسرافیل ، در سال 1371 به حکم قاضی محمد سلطان همتیار و با تائید دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد . (شرق 83/7/21)

86- فاطمه حقیقت پژوه 33 به اتهام قتل بهمن همسر صیغه ای اش به حکم شعبه 1601 دادگاه جنایی سابق و با تائید دیوان عالی کشور به اعدام محکوم شد . وی 40 ماه است که در زندان بسر می برد . (ایسنا 83/7/22)

87- محمد بسیجه معروف به « بیجه » متهم ردیف اول پرونده قتل کودکان در پاکدشت به حکم شعبه 74 دادگاه کیفری تهران به 17 بار اعدام محکوم شد . (ایسنا 83/7/23)

88- فاطمه - الف 28 ساله به جرم قتل مجتبی 12 ساله به حکم قاضی عزیز محمدی رئیس شعبه 71 دادگاه کیفری تهران محکوم به اعدام شد . (اعتماد 83/7/25)

89- محمد رضا به جرم قتل بهرام به حکم قاضی شعبه 1606 مجتمع قضایی تهران و با تائید شعبه 31 دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد . (شرق 83/7/28)

90- سیما به اتهام معاونت در قتل و زنای محصنه به 100 ضربه شلاق ، 15 سال حبس و سنگسار محکوم گردید . (شرق 83/7/28)

احکام اجرا شده اعدام توسط دادگاه ها

91- حبیب 45 ساله به جرم سه فقره زنای به عنف به حکم شعبه شش کیفری دادگستری کرج و تائید شعبه 26 دیوان عالی کشور در زندان رجایی شهر کرج به دار آویخته شد. (اعتماد 83/7/9)

92- مهرزاد واجب الحقوق و حمید رضا صادقی 27 ساله به جرم سرقت مسلحانه به حکم مجتمع قضایی اصفهان و با تائید دیوان عالی کشور در ملاء عام به دار آویخته شدند. (شرق 83/7/14)

93- مجتبی امیری و عزیز مردانی به جرم تجاوز به عنف و قتل به حکم شعبه 12 دادگاه عمومی شیراز و با تائید دیوان عالی

فقرترین خانوارها مصرف می کنند. مقایسه این وضعیت با سایر کشورهای جهان نا هنجاری و عدم تعادل وضعیت براساس مصرف در ایران را ملموس تر می کند «شاخص های توسعه جهانی»، نسبت هزینه دهک بالا به دهک یافته، حدود هشت است. برای مثال پایین در کشورهای توسعه ترتیب این نسبت در کشورهای سوئیس، فرانسه و آلمان به 9/7، 9 و 7/2 است. نسبت مذکور در کشورهای در حال ایران دارد به طوری که نسبت توسعه نیز اختلاف فاحشی با فیلیپین هزینه دهک بالا به دهک پایین در کشورهای اندونزی، و تایلند به ترتیب 6/7، 15/9 و 11/6 است. حال پیش از اینکه چگونگی گسترش

و تعمیق فقر در ایران را از نظر بگذرانیم، باید دید چه حدی ایران، زیر پوشش حمایتی از جمعیت کثیر فقرای دستگاههای دولتی و حکومتی قرار گرفته اند و چه قدر به آنها کمک می شود؟ از ابتدای انقلاب تا کنون 27 نهاد، دستگاه و امدادسانی به نیازمندان و «تقسیم سازمان حکومتی وظیفه را بر «رفاه و عدالت تقسیم نشده سال های قبل از انقلاب عهده گرفتند!، در این اواخر حتی وزارتخانه ای با عنوان رفاه و امور اجتماعی» را تشکیل دادند، فریبده «وزارت می شود اما آنچه از این هیا هوی بسیار متبلور و ماده موسوم به «عبارتست از 1- پولی که دو دستگاه حکومتی سازمان بهزیستی» با استفاده از «کمیت امداد امام» و بودجه دولت و اخذ «صدقه» از مردم، می پرداخت کنند. 2- «کمک مالی» دولتی که به عنوان «یارانه» پرداخت خبرگزاری سینا (26 اکتبر 2004 می شود. مطابق گزارش (کمیت امداد و سازمان بهزیستی در مجموع حدود 700 هزار خانواده با جمعیتی حدود 3/5 میلیون نفر را زیر پوشش اما با وجود آنکه معادل ریالی خط حمایتی خود قرار داده اند فقر نسبی در شهر تهران طی سال 82، حدود 240 هزار تومان برآورده شده، میزان کمکی که این دو دستگاه در حدود یک چهاردهم «حکومتی به این خانوارها می کنند خط فقر» یعنی یک چهاردهم میزان هزینه ای است که یک نفری، در شهری مثل شهر تهران، باید انجام دهند! خانوار 5 فقر نسبی گرفتار نشوند افراد خانواده او به عوارض ناشی از! . خبرگزاری مذکور گزارش می دهد که کمیت امداد و بهزیستی به هریک از افراد تحت پوشش حمایتی خود سازمان نفری ماهانه 18000 روزانه 120 تومان و به یک خانواده 5 تومان کمک می کنند. و اضافه می نماید میزان کمک این سه سال گذشته، به رغم گرانی کمر شکن و دستگاهها طی و «باتوجه به بالا رفتن سطح قیمتها در ایران، تغییری نکرده قیمت های موجود در بازار با 120 تومان می توان روزانه سنگ و یک تخم مرغ تهیه کرد البته این تخم یک نصف نان سوخت یا روغن مرغ باید خام میل شود چون هزینه ای برای از سوی این سازمان پیش بینی نشده است» و اما نحوه توزیع «یارانه» ها که توسط خود دولت انجام می که به اقرار گیرد، از این هم نا هنجارتر است. به طوری مسئولان و دست اندرکاران، از مبلغ 1600 میلیارد تومان یارانه» ای که دولت مدعی است در سال «کمک مستقیم یا توزیع کرده 82 بابت کالاها و خدمات اساسی با «کالا برگ» فقط 7 درصد آن به افراد نیازمند رسیده (روزنامه شرق 9 درصد بقیه این کمک هنگفت به جیب کسانی آبان 83) و 93

ایران - ونکور - کانادا

www.iranestimony.com - info@iranestimony.com

- فعالان دفاع از حقوق بشر Iranestimony

: کمیت دفاع از آزادی و دموکراسی demokrasi9@yahoo.com

در ایران - اطریش

www.rahaeii.com - hoghoghebashar@rahaeii.com

انجمن مدافعین حقوق بشر و دموکراسی فرانسه

: اتحاد برای دفاع از حقوق بشر در ایران - adhri1@yahoo.com

واشنگتن - آمریکا

فعالین ایرانی حقوق بشر - سوئیس: mnrecht@hotmail.com

انجمن مدافعین حقوق بشر در ایران - kanon253@hotmail.com

بلژیک :

فقر در ایران چه گونه گسترش می یابد ؟



یزدان حاج حمزه

براساس آخرین ارزیابی که «مرکز پژوهش» مجلس هفتم به عمل آورده، عجلاتا 20 درصد از جمعیت کشور یعنی حدود 14 میلیون نفر از مردم ایران در شرایط «فقر مطلق» به سر می برند، یعنی شبها سر گرسنه به بالین می گذارند و توانایی مالی برای سیر کردن شکم خود را ندارند. مطابق همین ارزیابی 50 درصد دیگر از مردم ایران با «فقر نسبی» دست به گریبانند، یعنی شکم خود را به نوعی پر می کنند اما دچار «گرسنگی سلولی» هستند، نمی توانند مواد غذایی لازم برای تغذیه سلولهای بدن خود را تأمین کنند و از عوارض ناشی از کمبود کلسیم، ویتامین آ و ویتامین ب2، رنج می برند. (روزنامه شرق 9 آبان 83). الگوی مصرف در ایران کنونی بسیار نامتعادل است. براساس آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران، ده درصد ثروتمندترین اقشار درآمدی کشور (دهک بالا)، حدود 30 درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص داده اند. این در حالی است که این سهم برای ده درصد فقیرترین خانوارها (دهک پایین) حدود 1/5 درصد کل مصرف جامعه است. به عبارت دیگر ده درصد بالاترین سطح درآمدی حدود 20 برابر

ریخته شده که به آن نیازی ندارند . با این وجود ، نمایندگان حکومت پاسدار - آخوندی ایران در سال 2000 ، همراه با نمایندگان 188 کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد ، پای پیمانی را امضاء کرده اند که به موجب آن برای « دستیابی به شاخص های توسعه هزاره سوم » جمعیتی را که در کشور از فقر مطلق و گرسنگی رنج می برد و با در آمدی کمتر از يك دلار در روز زندگی می کند ، تا سال 2015 میلادی ، به نصف برساند . مروری کوتاهی بر منشاء و چگونگی گسترش فقر در ایران کنونی . نشان می دهد که رسیدن به این منظور در ایران تحت حکومت پاسدارها و آخوندها تا چه حد غیر واقعی و غیر ممکن است

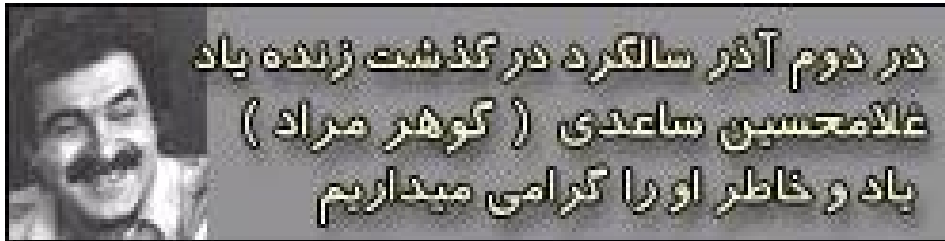
منشاء گسترش فقر در ایران

گسترش و تعمیق فقر در ایران و جاهای دیگر از این واقعیت ناشی می شود که آهنگ رشد هزینه زندگی از آهنگ رشد در آمد اکثریت مردم تند تر می شود . در این فضا ، که تورم و بالا رفتن سطح عمومی قیمت ها ، به صورت جبران ناپذیر ، آن را به وجود می آورد ، دخل خانواده های آسیب پذیر جواب خرج آنها را نمی دهد و این خانواده ها در تأمین هزینه هایی مثل تأمین هزینه تغذیه افراد خانواده لنگ می مانند ، الگوی مصرف خود را تغییر می دهند و به خیل فقراي کشور می پیوندند و آنها که پیش از این در زمره فقرا بوده اند ، فقرشان عمیق تر می شود . بنا به گزارش « شاخص های توسعه جهانی 2003 » طی دهه 1990 تا 2000 ایران در میان 133 کشور جهان که مورد مطالعه بانک جهانی واقع شده اند ، از 101 کشور این گروه 133 گانه ، نرخ تورم بیشتری داشته و در ردیف کشورهای تورم زای جهان واقع شده است . سطح عمومی قیمت ها در ایران از سه مجرای مشخص زیر بالا می رود : 1 - از مجرای توزیع « رانت بانکی » یعنی پرداخت بی رویه وام های کم بهره بانکی (بهره حدود يك دهم تا يك سوم بهره پول در بازار آزاد) ، به دولت و افراد و موسساتی که مورد نظر حکومت هستند . توزیع این پول مازاد بر نیاز اقتصاد ، نقدینگی و حجم پول و به تبع آن ، « تقاضا » را در بازار طوری بالا می برد که رشد تولید و « عرضه » کالا و خدمات جو ابگوی آن نیست و در نتیجه پرداخت این « وام های تکلیفی » به بالا رفتن سطح عمومی قیمت ها و تورم پولی منجر می شود . 2 - از مجرای ناهنجاری های ساختاری اقتصاد ، از جمله نبود رقابت در بازار و انحصار تولید و عرضه کالا و خدمات مورد نیاز مردم در دست مؤسسات حکومتی نظیر شرکتهای بنیاد مستضعفان . این شرکتهای بی رقیب به میزانی ما یحتاج مردم را به بازار عرضه می کنند که قیمت فروش آنها به حدی برسد که سود مورد نظر آنها را تأمین کند . مالیاتهایی که صرفا برای جبران کسر بودجه دولت وضع می شود ، از جمله ناهنجاری های ساختاری اقتصاد کشور در شرایط کنونی است که به تورم دامن می زند .

3 - از مجرای گرانیفروشی دولت که از طریق افزایش قیمت برق ، فرآورده های نفتی و سایر نهاده های تولیدی ، افزایش قیمت خدمات حاصل از تسهیلات زیربنایی که دولت به بازار عرضه می کند از جمله قیمت آب ، ارتباطات و حمل و نقل ، افزایش هزینه تأمین مالی سرمایه گذاری ها بالا نگهداشتن قیمت ارز و نوسان آن (به



Brook!



در دوم آذر سالگرد درگذشت زنده یاد غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) یاد و خاطر او را گرامی می‌داریم

عزاداران بیل

دکتر غلامحسین ساعدی

(1)

دمدمه های غروب بود که مشدی جبار وارد بیل شد، بیلی ها در میدانچه ی پشت خانه ی مشدی صفر نشسته بودند دور هم و گپ می زدند.

کدخدا تا مشدی جبار را دید گفت: « یاالله مشد جبار. سفر به خیر. تو شهر چه خبر بود؟ »

مشدی جبار گفت: « تو شهر خبری نبود. هیچ خبر نبود. »

مشدی بابا گفت: « پا پیاده اومدی؟ »

مشدی جبار نشست کنار اسلام و در حالی که کفش هایش را در

می آورد و له له می زد، گفت: « از لب جاده تا اینجا، آره. »

اسلام گفت: « کی رسیدی لب جاده؟ »

مشدی جبار گفت: « ظهر تازه گذشته بود. »

کدخدا گفت: « پس چرا دیر کردی؟ این همه وقتو تو راه بودی؟ »

«

مشدی جبار گفت: « آره، وسط راه به یه چیز غریبی برخوردم و معطل شدم. »

پسر مشدی صفر پرسید: « یه چیز غریب؟ چی بود؟ »

مشدی جبار گفت: « والله هر چی فکر کردم، چیزی نفهمیدم. »

کدخدا گفت: « نفهمیدی؟ چطوری نفهمیدی؟ »

مشدی بابا گفت: « آخه چه جوری بود؟ »

مشدی جبار گفت: « یه چیز گنده. مثل یه گاو. هرچی زور زدم

نتونستم نکونش بدم. »

عبدالله گفت: « چه جوری بود؟ سر و گوش داشت؟ نداشت؟ چه

جوری بود؟ »

مشدی جبار فکر کرد و گفت: « نفهمیدم ... چشم و گوش ... که

نداشت. »

کدخدا گفت: « دست و پا چی؟ »

مشدی جبار گفت: « دست و پا؟ نه، دست و پام نداشت، آخه خیلی

سنگین بود. »

اسلام گفت: « چه شکلی بود؟ »

مشدی جبار دوباره فکر کرد و گفت: « چه جوری بگم؟ مثل

گاری نبود. »

مشدی بابا گفت: « اول که گفتمی مثل گاو بود. »

مشدی جبار گفت: « آره اندازه یه گاو بود. یه ذره بفهمی نفهمی،

جمع و جور تر بود. »

کدخدا گفت: « تو که گفتمی دست و پا نداشت؟ »

مشدی جبار: « آره، بازم میگم. دست و پا و چشم و گوش از این

چیزی نداشت. »

اسماعیل گفت: « شبیه کی بود؟ »

مشدی جبار، فکر کرد و بعد رفت تو نخ تگ تگ مرد ها و خانه ها

چند تا سرفه کرد و گفت: « شبیه هیشکی نبود. یه چیزی یه چیز

عجیبی بود. مثل یه ... والله نمی دونم چی بگم! »

عبدالله گفت: « چه جوری راه می رفت؟ »

مشدی جبار گفت: « راه که نمی رفت. سر و گردن و از این حرف

ها تو کار نبود. یه چیز عجیبی بود. مثل یه خانه کوچک. مثل خانه

بابا علی که دگمه های گنده این ور اون ورش باشه. »

اسلام گفت: « از چی درس شده بود؟ »

مشدی جبار گفت: « نمی دونم حلبی بود و آهن بود یا یه چیز دیگه. »

«

اسلام گفت: « ماشین قراضه نبود؟ »

مشدی جبار گفت: « نه بابا، چرخ و این جور چیز ها نداشت. خیلی

هم سنگین بود. »

کد خدا پرسید: « کدوم طرف دیدیش؟ »

مشدی جبار گفت: « درست چند قدم بالاتر از شور، تو راه پوروس. »

«

اسلام گفت: « آها، حالا دارم می فهمم. »

مرد ها همه اسلام را نگاه کردند.

کدخدا گفت: « چی چی را می فهمی مشد اسلام؟ »

اسلام گفت: « هر چی هس، زیر سر این پوروسی هاس. حالا اونو

از یه جایی دزدیده ن و انداخته ن وسط راه. »

مشدی جبار گفت: « راس میگه، کار کار پوروسی هاس. »

مرد ها همه رفتند توی فکر.

مشدی بابا گفت: « خب، میگین چکار بکنیم؟ »

پسر مشدی صفر گفت: « معلومه، راه می افتیم و میریم ببینیم چی

هس، بدرد بخوری یا نه! »

اسماعیل آسمان و اطراف استخر را نگاه کرد و گفت: « هواه داره

تاریک میشه، چیزی به شب نمونه. »

مشدی بابا گفت: « فکر شب رو نکن پدر. »

کدخدا به اسلام گفت: « تو چی میگی مشد اسلام؟ »

اسلام گفت: « بریم. ببینیم چی هستش. »

کدخدا به پسر مشدی صفر گفت: « مشد جعفر، می تونی دو تا

فانوس برای ما بیاری؟ »

پسر مشدی صفر بلند شد و گفت: « چرا نمی تونم؟ »

با عجله رفت. اسلام گفت: « آره بریم ببینیم چی هستش. اگه به درد

بخور بود که میاریم بیل. اگه بدرد بخور نبود که ولش می کنیم به

امان خدا. »

کدخدا گفت: « خیلی خب، تا دیر نشده بجنبیم دیگه. »

شب جمعه بود. پیرزن ها می رفتند از نبی آقا برای شفای بیماران خاک بیاوردند.

(4)

صحرا روشن بود. اسب با شتاب جلو می تاخت و مردها را که توی گاری نشسته، پاهای را توی شکم جمع کرده بودند، با خود می برد. اسلام شلاق را توی مهتاب دور سر می چرخاند و با صدای بلند داد می زد: «آهای، آهای آهای!»

اسب که زوزه ی شلاق را می شنید، تندتر می تاخت. اسماعیل کنار به کنار اسلام نشسته بود و آواز می خواند. مردها به یکدیگر تکیه کرده بودند. مشدی جبار فانوس های خاموش را بغل کرده بود. کدخدا چپق پسر مشدی صفر را گرفته بود مرتب پر و خالی می کرد. سرایشی ها را چنان می رفتند که گویی توی چاهی سقوط می کنند. اسب و سایه اش بزرگ تر از همیشه بود. اسلام مبهوت صحرا را تماشا می کرد. همه خوش حال بودند. غیر از مشدی بابا که دل خور سرش را روی زانو گذاشته بود، چرت می زد یا زیر لب می غرید.

(5)

نرسیده به شور، اسلام دهنه ی اسب را کشید. گاری ایستاد. کدخدا گفت: «رسیدیم؟» اسلام گفت: «نزدیک شدیم. خب مشد جبار کدام طرف ها دیدیش؟» مشدی جبار گفت: «بالا تر از اینجا. تو همون باریکه راهی که میره طرف پوروس.» اسلام گفت: «پس برم بالاتر؟» مشدی بابا گفت: «نه مشد اسلام، طرف پوروس نری ها. تو را خدا کار دستان نده.» مردها خندیدند. اسلام شلاق را برد بالا. گاری دوباره راه افتاد. به شور که رسیدند توی خاموشی افتادند. دیگر صدای چرخ ها و قدم های اسب شنیده نمی شد. صدای دیگری هم نبود. مشدی جبار فانوس های خاموش را توی بغل می فشرد. مشدی بابا آهسته از عبدالله پرسید: «می خوان برن کجا؟»

مردها بلند شدند. نزدیکی های غروب بود. ماه رنگ پریده و باد کرده، از طرف پوروس میآمد بالا.

(2)

شام که خوردند، و جمع شدند لب استخر. اسلام اسب را بست به گاری و گاری را آورد زیر بید کنار سنگ سیاه مرده شوری. اسماعیل و پسر مشدی صفر با دو تا فانوس آمدند پهلوی مردها، فانوس ها را گذاشتند روی گاری و منتظر شدند. کدخدا گفت: «فانوس ها را روشن کردین که چی؟» مشدی جبار گفت: «خودت گفتی کدخدا.» کدخدا گفت: «هوا روشنه، ماه رو نمی بینن؟» با دست استخر را نشان داد. مردها برگشتند ماه را توی استخر تماشا کردند. پسر مشدی صفر گفت: «خودت گفتی که فانوس بیارم. مگه نگفتی؟» مشدی جبار گفت: «فانوس لازمه. فانوس که نباشه که نمیشه فهمید چی هستش.» بز سیاه اسلام توی پستو ناله کرد. صدای جیرجیرک ها از باغ اربابی شنیده می شد. کدخدا گفت: «تا برسیم شور، نفت فانوس ها تمام میشه. یه ساعت و خوردهای تو راه هستیم.» مشدی بابا به پسر مشدی صفر گفت: «خاموششان کن. شور که رسیدیم روشن می کنیم.» مشدی جبار فتیله ها را پایین کشید و فوت کرد. فانوس ها خاموش شد. اسلام که روی کنده درختی نشسته بود، با صدای بلند پرسید: «خب، کی ها میان؟» کدخدا گفت: «راس میگه، همه که نمی تونن برن؟» مشدی بابا گفت: «من میگم جوان ها برن. اولا که زورشان بیش تره. ثانیا اگه پوروسی ها برخوردن، درمیرن و اگه هم گیر افتادن، می تونن حسابی از پششون بر بیان.» کدخدا گفت: «جوون ها یعنی کی ها؟» مشدی بابا گفت: «آخه، من ...» کدخدا گفت: «خجالت داره مشدی بابا، پاشو سوار شو.» مشدی بابا بلند شد. رفتند طرف بری. بیل خاموش بود، تنها زوزه ی چند سگ از دور شنیده می شد. مشدی صفر که سرش را از سوراخ پشت بام آورده بود بالا، سایه ی مردها را که سوار گاری می شدند، تماشا می کرد و ماه رنگ پریده را که توی استخر کوچک و بزرگ و کج و معوج می شد.

(3)

مردها که رفتند، ننه خانوم و ننه فاطمه پیداشان شد که از کوچه ی اول رد شدند و از بیل آمدند بیرون و راه افتادند طرف تپه ی آقا.

گرامی باد یاد و خاطره نویسنده متعهد و مبارز دکتر غلامحسین ساعدی!

اسلام خندید و پسر مشدی صفر گفت: «میریم خود پوروس». «مشدی بابا گفت: «شوخی نکن، مشدی اسلام هیچ وقت این کارو نمی کنه.»

اسلام گفت: «نترس مشدی بابا. اگه پوروس هم بریم، پوروسی ها هیچ وقت کاری با تو یکی ندارن.»

مشدی بابا گفت: «بازم نریم بهتره. این طور نیست کدخدا؟» اسلام خندید. گاری به راه باریکه ی پوروس که رسید، سه نفر از پوروسی سوار اسب پیدا شدند و آمدند، از جلو گاری رد شدند و مثل برق زدند به بیراهه. مشدی بابا خودش را پشت سر دیگران قایم کرد. اسلام گاری را نگه داشت. بیلی ها خاموش، سه پوروسی را که به طرف میشو می تاختند، تماشا کردند. مشدی بابا گفت: «نگفتم؟ نگفتم اسلام؟»

کدخدا گفت: «کاری که با ما نداشتن.»

اسلام خندید. پسر مشدی صفر گفت: «بریم مشد اسلام!» گاری راه افتاد و اسلام گفت: «مشد جبار هر جا که رسیدیم خبرمان بکن.»

مشدی جبار گفت: «مثل اینکه همین دور و برمان بود.» اسلام گاری را نگه داشت. بیلی ها دور و برشان را نگاه کردند. کدخدا گفت: «کوش؟»

مشدی جبار گفت: «بریم پایین. بریم پایین.»

مردها همه پیاده شدند. پسر مشدی صفر یکی از فانوس ها را روشن کرد و داد دست مشدی جبار و فانوس خاموش را خودش برداشت دسته جمعی، دوش به دوش هم راه افتادند.

اسماعیل گفت: «میریم کجا؟ اگه جلوتر میریم بهتره دوباره سوار گاری بشیم.»

مشدی جبار ایستاد و بهت زده اطرافش را نگاه کرد و گفت: «همین طرف ها بود.»

پسر مشدی صفر گفت: «عوضی نیومدیم؟»

مشدی جبار گفت: «نه، عوضی نیومدیم. همین دور و برها بود.»

فانوس را بالا گرفت و خم شد و شروع کرد زمین را تماشا کردن. پسر مشدی صفر زد زیر خنده. اسلام هم خندید. کدخدا گفت: «دنبال چي مي گردی مشد جبار؟ مي گفتي که خیلی گنده س و همیشه نکونش داد؟»

مردها همه خندیدند. مشدی جبار جواب نداد. همان طور خمیده روی زمین دنبال چیز ناپیدایی می گشت.

(6)

ننه خانوم و ننه فاطمه نشسته بودند روی سکوی درگاهی نبی آقا، منتظر بودند که سر و صدا و رفت آمدهای داخل زیارتگاه تمام شود بروند تو. بیل زیر پای آن ها، باغ اربابی روبه رویشان و استخر بزرگ که از وسط خانه ها و زیر مهتاب رنگ پریده، مثل چشم مرده ای آسمان را نگاه می کرد.

سروصدا که کم تر شد، ننه خانوم بلند شد و در زیارتگاه را باز کرد و رفت توی تاریکی. با احتیاط شمعی روشن کرد. موش ها که روشنایی شمع را دیدند، هجوم بردند ضریح و از سوراخ های صندوق رفتند تو. ننه

فاطمه که ایستاده بود جلوی در، با صدای آرامی گفت: «یا الله، یا

حضرت، یا علی، یا محمد، یا حسن، یا حسین، السلام عليك یا الله،

یا حضرت، یا امام، یا علی، یا الله، مریض های بیل رو شفا بده!» (7)

مشدی جبار خم شده بود زیر نور فانوس جلو می رفت و دور و برش را می جست و بیلی ها آرام آرام پشت سرش راه می آمدند.

اسماعیل گفت: «نکند مشدی جبار چیزیش شده باشد؟»

پسر مشدی صفر گفت: «چیزیش نشده. خل بازی در میاره!»

اسلام گفت: «مشد جبار، مشد جبار! چته؟ چرا همچی می کنی!» مشدی جبار نشست زمین و يك دفعه داد زد: «ایناهاش، پیدا کردم.

پیدا کردم.»

مردها حلقه زدند دور مشدی جبار و خم شدند. مشدی جبار زمین را نشان داد و گفت: «می بینین؟ همین جا بوده که بردنش. می

بینی مشدی اسلام؟ می بینی مشدی بابا؟»

اسلام گفت: «راس میگه، یه چیزی این جا بوده که زمین را گود کرده.»

کدخدا گفت: «چه طور شده؟ چه جوری بردنش؟ کی ها بردنش؟»

پسر مشدی صفر گفت: «حتما پوروسی ها بردنش. زودتر

نجنیبیدین، اومدن و بردنش.»

مشدی جبار دولا دولا رفت و رسید کنار دره و خم شد و فانوس را برد بالا و توی دره را نگاه کرد و داد زد: «آهای مشد اسلام، آهای

کدخدا، اینجاست، توی دره است.»

بیلی ها خود را رساندند کنار دره و خم شدند. در شیب دره، صندوق فلزی گنده ای يك وری افتاده بود و زیر نور ماه می درخشید.

اسلام گفت: «خودشه مشد جبار؟»

مشدی جبار گفت: «آره. خودشه! خودشه!»

اول مشدی جبار و بعد مردها از شیب دره رفتند پایین، مشدی جبار دور و بر صندوق چرخید و گفت: «آره، خودشه.»

پسر مشدی صفر نشست زمین و فانوس خاموش را از دست اسماعیل گرفت و روشن کرد و رفت جلو. گشتی دور صندوق زد و نشست کنار دیگران و فانوس را گذاشت جلوی روی خودش.

اسلام گفت: «کی ها انداختنش اینجا؟»

مشدی جبار گفت: «اول که من دیدم اینجا نبود، اون بالا بود.»

کدخدا گفت: «حتما کار پوروسی هاست.»

اسماعیل گفت: «خوب شد که پیداش کردیم.»

مشدی بابا چیق و کیسه توتونش را در آورد و گفت: «فکر می کنی چی چی باشه مشدی جبار؟»

عبدالله گفت: «یه صندوق دیگه، یه صندوق حلبی.»

مشدی بابا گفت: «معلومه که صندوق، ولی چي توش هس؟»

عبدالله بلند شد و دور صندوق را گشت و گفت: «در که نداره، وقتی در نداشته باشه که نمی شه فهمید چی توش هس!»

اسماعیل گفت: «وقتی در نداره، تو هم نداره که پر باشه یا خالی.»

«

عبدالله گفت: «نکنه ماشین که چیه شده و این شکلی شده!»

اسلام گفت: «نه بابا، ماشین نیستش، اگه ماشین بود که چرخ داشت.»

کدخدا گفت: «چیز حموم چی؟»

اسلام با تعجب گفت: «چی حموم؟»

کدخدا گفت: «از اونا که تو شهر پشت بام حاج عنایت دیدیم؟»

اسلام گفت: «نه، اون توش خالی بود و آب ریخته بودن. این شکلی هم نبود.»

ضریحه. ضریح به امام زاده. نمی بینی چه جوری هستش؟ صدای گریه ها رو شنیدین؟
 پسر مشدی صفر گفت: «من که نشنیدم.»
 مردها عقب عقب رفتند و نشستند روی زمین.
 کدخدا گفت: «و حالا چکار بکنیم مشدی اسلام؟»
 اسلام گفت: «می بریمش بیل. می بریمش بیل.»
 مشدی بابا گفت: «ببریم چه کارش بکنیم؟ ببریم بیاندازیم پهلوی اون یکتا توی علم خانه؟»
 اسلام گفت: «حالا می بریم و بعد میگم که چه کار بکنیم.»
 از جاده صدای شیهه اسب شنیده شد. پسر مشدی صفر با عجله رفت بالا، یک نفر پوروسی قمه به دست، دور ویر گاری می پلکید و آن ها را می پایید. تا سرو کله پسر مشدی صفر پیدا شد، مثل باد در رفت و در تاریکی حاشیه دره ناپدید شد.



پسر مشدی صفر گفت: «این هیچی نیست، همه اش آهنه.»
 مشدی بابا گفت: «و تازه به چه درد می خوره؟ مصرفش چیه؟»
 پسر مشدی صفر گفت: «میشه ازش دیگ درس کرد، بادیه درس کرد. و خیلی چیزهای دیگه م میشه درس کرد.»
 اسلام در حالی که با حالت با جذب به صندوق خیره شده بود، گفت: «نه این آهن نیستش. این یه چیز ساده نیستش. دیوار هاشو می بینن؟ شبکه هاشو می بینن؟ دگمه هاشو می بینن؟»
 کدخدا گفت: «مشد اسلام راس میگه، این باید یه چیزی باشه واسه خودش. یه چیز خیلی مهم هم باید باشه.»
 پسر مشدی صفر گفت: «هرچی باشه خیال نمی کنم چیز بدرد بخوری باشه.»
 عبدالله گفت: «بدرد بخور بود که پوروسی ها دورش نمی انداختن.»
 اسلام گفت: «شاید زورشون نمی رسیده ببران.»
 کدخدا گفت: «تو رو خدا مشد اسلام. پاشو ببین چی هستش.»
 اسلام بلند شد و رفت طرف صندوق. دست مالید و واری کرد. و نشست پهلوی صندوق، با دگمه هایش ور رفت. ماه روی صندوق می تابید و ذرات نور به هر طرف پخش میشد. اسلام پیش خود گفت: «چی هستش؟ چی می تونه باشه؟»
 سرش را برد جلو و صورتش را چسباند به صندوق و بعدگوشش را گذاشت و گوش داد. یک دفعه با عجله بلند شد. مردها نگاهش کردند.
 اسلام گفت: «بلند بشین، ببابین، گوش کنین! کدخدا بیا مشدی بابا! بیا اسماعیل!»
 مردها بلند شدند و رفتند جلو و گوش هایشان را چسباندند به بدنه صندوق.
 اسلام گفت: «می شنوین؟»
 کدخدا گفت: «آره، آره.»
 پسر مشدی صفر گفت: «من که چیزی نمی شنوم.»
 اسلام گفت: «خوب گوش کنین.»
 خودش هم نشست پهلوی دیگران و گوشش را چسباند به دیواره صندوق و دوباره گفت: «می شنوین؟»
 مشدی بابا گفت: «من یه چیزهایی می شنوم.»
 اسماعیل گفت: «راس میگه، یه چیزایی هس.»
 پسر مشدی صفر گفت: «من که چیزی نمی شنوم.»
 اسلام گفت: «گوش می کنی کدخدا؟»
 کدخدا گفت: «مثل این که توش باد می وزه.»
 مشدی بابا گفت: «نه خیر صدای آب میاد.»
 اسماعیل گفت: «نکنه یه مشت زنبور و مگس ریخته باشن این تو؟»
 پسر مشدی صفر گفت: «من که چیزی نمی شنوم.»
 اسلام سرش را بالا برد و گفت: «نه. صدای چیز دیگه نمیاد. این تو گریه می کنن. صدای گریه و زاری میاد.»
 مردها گوش ها را چسباندند به بدنه صندوق و با وحشت بلند شدند.
 کدخدا گفت: «آره، به خداوندی خدا صدای گریه میاد.»
 مشدی بابا گفت: «یعنی میگی این تو یکی هس که گریه و زاری می کنه؟»
 اسلام گفت: «این تو هیچ کس گریه و زاری نمی کنه. این یه



گزارش ماهانه (آبان 1383) در مورد نقض گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده حقوق بشر در ایران

نهادهای مدافع حقوق بشر !

ایرانیان آزاده و مبارز !

در این گزارش بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران را که توسط این شبکه گردآوری شده است به اطلاع می رسانیم :

اخبار جنبش دانشجویی :

1 - مجید مقدری دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد به 4 ماه حبس تعلیقی محکوم شد . حکم مجید مقدری تا 5 سال معلق خواهد بود و وی هم اکنون از سوی کمیته انضباطی به دانشگاه اصفهان منتقل شده است . (ایسنا 83/8/1)

2 - محمد راعی و علی حسینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به اتهام اخلاف در نظم دانشگاه از سوی کمیته انضباطی ، هر یک به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند . گفتنی است که این دانشجویان از سوی دادگاه انقلاب مشهد به زندان و جریمه نقدی محکوم شده بودند . علی کهن و تابنده به تعلیق از تحصیل به مدت یک ترم و توبیخ کتبی در پرونده محکوم شدند . (ایسنا 83/8/3)

3 - محمد علی عبادی عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم ، به اتهام تبلیغ علیه نظام در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به 6 ماه حبس تعزیری محکوم شد . (ایسنا 83/8/9)

4 - سیامک کاظمی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه به شعبه اول دادگاه عمومی ارومیه احضار شد . (ایسنا 83/8/12)

5 - کاوه همپوش دانشجوی رشته هنر دانشگاه تهران که در تاریخ 5 مهرماه در مراسم جشن مهرگان بازداشت شده بود با قرار کفالت 50 میلیون تومانی آزاد شد . نامبرده در جریان نا آرامیهای دانشجویی خرم آباد دستگیر و به مدت 46 روز در زندان اوین بند 209 متعلق به وزارت اطلاعات زندانی بود . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان 83/8/18)

6 - علیرضا نوری دانشجوی دانشگاه تهران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی کشور به شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران احضار شد . (ایسنا 83/8/19)

7 - حمید ترکاشوند دانشجوی دانشگاه تهران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی کشور به شعبه 13 دادگاه انقلاب تهران احضار شد . (ایسنا 83/8/19)

8 - بر اساس احکام صادره از سوی کمیته انضباطی دانشگاه علم و صنعت تهران 9 دانشجو به اخراج از این دانشگاه و 9 دانشجوی دیگر به مدت 2 یا 3 ترم تعلیق از تحصیل محکوم شدند . این احکام پس از ضرب و شتم رئیس دانشگاه صادر شده است . (ایسنا 83/8/23)

9 - اکبر عطری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت به اتهام تبلیغ علیه نظام با شکایت نیروی مقاومت بسیج سپاه زنجان در شعبه اول دادگاه انقلاب زنجان محاکمه شد . (ایسنا 83/8/26)

10 - فرید مدرسی دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی به اتهام اقدام بر علیه امنیت ملی به شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران احضار شد . (ایسنا 83/8/28)

11 - هادی منتخبی عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان به اتهام نقض قوانین دانشگاه از سوی کمیته انضباطی به یک ترم تعلیق از تحصیل محکوم شد . (ایسنا 83/8/29)

12 - محکومیت فائزه شریف مدیر مسئول هفته نامه « صدا » به اتهام توهین و انتشار عکس ها و مطالب خلاف عفت عمومی در دادگاه تجدید نظر اصفهان تایید شد . شعبه 41 دادگاه عمومی اصفهان ، فائزه شریف مدیر مسئول هفته نامه « صدا » را به اتهام توهین به تحمل 50 ضربه شلاق قابل تبدیل به پرداخت پانصد هزار تومان جزای نقدی و برای اتهام انتشار عکس ها و مطالب خلاف عفت عمومی از جمله چاپ عکس خوانندگان زن قدیمی به پرداخت مبلغ صد و پنجاه هزار تومان جزای نقدی محکوم کرده بود . (ایسنا 83/8/2)

13 - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، مراتب تخلف دو نشریه را به اتهام نشر مطالب مخالف موازین اسلامی ، جهت پیگرد قانونی به دادگاه تقدیم کرد . (ایسنا 83/8/3)

14 - محمد علیخانی مدیر مسئول هفته نامه « تابان » به علت چاپ ویژه نامه انتخاباتی در رابطه با مجلس هفتم در اسفند 82 ، به شعبه 107 دادگاه عمومی قزوین احضار شد . (ایسنا 83/8/4)

15 - امیر مجیری خبر نگار و وبلاگ نویس توسط مأمورین امنیتی در روز 18 شهریور بازداشت شد . مأمورین پس از بازرسی منزلش تمام دست نوشته ها و کامپیوتر او را با خود برده اند و خانواده وی تاکنون از وضعیت وی بی خبر هستند . (عصر نو 83/8/4)

16 - فرشته قاضی روزنامه نگار روزنامه « اعتماد » بدستور شعبه 9 دادرسی فرودگاه بازداشت شد . (ایسنا 83/8/7)

- 17- فریبا داودی مهاجر دبیر انجمن روزنامه نگاران جوان از سوی اکبر خوش کوشک از متهمان قتل های زنجیره ای مورد تهدید قرار گرفت . فریبا داودی مهاجر افزود : در روز 18 مرداد ماه سال جاری در مقابل منزل اش بمب صوتی منفجر شده است . اکبر خوش کوشک مأمور عملیاتی وزرات اطلاعات با فحاشی و تهدید وی و خانواده اش ، امنیت را از آنها سلب کرده است . (ایلنا 83/8/9)
- 18- سایت « بازتاب » به مدیر مسئولی فواد صالحی به اتهام نشر اکاذیب ، انتشار مطالب خلاف واقع ، انتشار مصوبات شورای عالی امنیت ملی با شکایت مدعی العموم ، بدستور بازپرس شعبه ششم دادرسی کارکنان دولت مسدود شد . هفته قبل برای نامبرده با شکایت معاون وزارت امور اقتصاد و دارایی در شعبه اول دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها پس از بازجویی قرار 7 میلیون تومانی صادر شد . (ایلنا 83/8/11)
- 19- عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع فرید ثانی و آرش نادر پور دو تن از بازداشت شدگان سایتهای اینترنتی اعلام کرد موکلانش به اتهام معاونت در تبلیغ علیه نظام ، نصب و راه اندازی تجهیزات ماهواره ای و استفاده از تجهیزات ماهواره ای تفهیم اتهام شدند . (ایلنا 83/8/11)
- 20- کیوان صمیمی بهبهانی مدیر مسئول ماهنامه « نامه » به اتهام توهین به مقدسات و متهم کردن نظام جمهوری اسلامی ایران به وضع قوانین ظالمانه در شعبه 6 بازپرسی دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها مورد بازجویی قرار گرفت . (ایلنا 83/8/12)
- 21- محبوبه عباسقلی زاده سردبیر نشریه « فرزانه » و فعال اجتماعی زنان ، به اتهام فعالیت علیه نظام بدستور دادرسی فرودگاه بازداشت شد . (ایلنا 83/8/12)
- 22- قلی شیخی مدیر مسئول روزنامه « توسعه » به علت شکایت مدعی العموم در شعبه 6 بازپرسی دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها مورد بازجویی قرار گرفت و طبق حکمی برای نامبرده قرار مجرمیت صادر و پرونده وی با صدور کیفر خواست به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد . (ایلنا 83/8/12)
- 23- عباس جمالی وکیل مدافع روزنامه نگار زندانی انصافعلی هدایت اعلام کرد : قاضی ناظر زندان تبریز دلیل مخالفت خود با آزادی مشروط موکل را عدم اظهار توبه و نوشتن ندامت نامه از سوی آقای هدایت عنوان کرده است . شعبه 13 دادگاه تجدید نظر تبریز نیز با استناد به مخالفت قاضی ناظر زندان تبریز ، با آزادی مشروط انصافعلی هدایت مخالفت کرد . (ایلنا 83/8/13)
- 24- مصطفی سبطی مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده « گرگان امروز » به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت سردار گرمه ای فرمانده بسیج استان گلستان ، در شعبه یک دادگاه عمومی گرگان به ریاست قاضی پور عباسی محاکمه شد ، تا جلسه بعدی ، مصطفی سبطی با قرار کفالت یک میلیون و پانصد هزار تومان آزاد شد . (شرق 83/8/16)
- 25- مجتبی سمیعی نژاد به جرم انتشار اخبار مربوط به دستگیری سه وبلاگ نویس دیگر توسط دادرسی ارشاد بازداشت شد . (ایلنا 83/8/17)
- 26- حسین رضا جمشیدی مدیر مسئول دو هفته نامه « لروند » با شکایت استانداری لرستان به شعبه 6 دادگاه عمومی خرم آباد احضار شد . تاکنون 3 شماره از نشریه « لروند » با موضوعات سیاسی ، اجتماعی ، پژوهشی و منتشر شده است . (ایلنا 83/8/20)
- 27- اسکندر دلد ، ویر استار نشریه توقیف شده « طبرستان » به شعبه 3 بازپرسی دادرسی کارکنان دولت و رسانه ها احضار شد . (ایلنا 83/8/20)
- 28- محمد رضا آقا پور نویسنده و روزنامه نگار آذربایجانی هنگام مراجعت از اروپا در فرودگاه مهر آباد تهران توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد . نامبرده سر دبیر نشریه تعطیل شده آسان می باشد . (دونا 83/8/23)
- 29- اسماعیل محمد ولی خبرنگار روزنامه « کار و کارگر » به اتهام نشر اکاذیب و هجو ، با شکایت فاطمه کروی معاون فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی در شعبه 1005 دادگاه عمومی جزایی تهران محاکمه شد . این روزنامه نگار به عنوان دفاع آخر ترجیح داد در رابطه با اتهامات وارده سکوت کند . (ایلنا 83/8/26)
- 30- حامد متقی مدیر مسئول سایت توقیف شده « نقشینه » بر اساس دو حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر قم به 15 ماه حبس و یک میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد . (ایرنا 83/8/28)

به لگد مال کردن حقوق بشر در ایران خاتمه دهید!

اخبار بین المللی :

جامعه مدنی را تحت فشار قرار می دهد . عفو بین الملل نوشت : گزارشهای مربوط به بازداشت های بی دلیل 25 روزنامه نگار اینترنتی و فعالین جامعه مدنی در هفته های اخیر نشان از رشد نگران کننده نقض حقوق بشر در ایران دارد . در ادامه آمده است : قوه قضائیه جامعه مدنی را زیر ضربه روز افزون خود گرفته است ، دستگیریه و بازداشت های بی دلیل و نگهداری افراد در مکانهای مخفی همراه با گزارشهای مربوط به بدرفتاری با زندانیان به روشنی قصد قوه قضائیه را در سرکوب جامعه مدنی ایران نشان می دهد . (بی بی سی 83/8/20)

35 - در مجمع عمومی کمیته اجتماعی حقوق بشر سازمان ملل ، قطعنامه ای در مورد نقض حقوق بشر در ایران به تصویب رسید . این قطعنامه که توسط کانادا ارائه شده بود با 69 رای موافق ، 55 رای مخالف و 51 رای ممتنع به تصویب رسید . این قطعنامه برای تصویب نهایی به مجمع عمومی سالانه ارائه خواهد شد . در این قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است برای کنترل روند توقیف مطبوعات ، اعمال شکنجه و تبعیض علیه زنان و اقلیت ها دست به انجام اصلاحاتی بزنند . همچنین به گزارش خبرگزاری فرانسه در این قطعنامه ایران به شکنجه و دیگر اعمال ظالمانه خلاف حقوق بشر مانند قطع عضو ، تنبیه با تازیانه و اعدام افراد زیر 18 سال متهم شده است . (شپروند 83/8/29)

اخبار مربوط به فعالین سیاسی و زندانیان سیاسی :

36 - سید حسین کاظمینی بروجدی به دادگاه ویژه روحانیت احضار شد . (ایسنا 83/8/3)

37 - دکتر ایرج فرجادی زندانی سیاسی که در اردیبهشت ماه سال 82 در فرودگاه مهر آباد زمان خروج از کشور توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود ، طی این مدت از هرگونه حق تماس با خانواده و یا حق ملاقات با آنان محروم بوده است . وی در دادگاه به 5 سال زندان و 3 سال تبعید محکوم شده است . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/8/5)

38 - کاظم نصیراف دبیر کل جمعیت کارکنان استان گیلان ، به اتهام تشویش اذهان عمومی و اقدام علیه امنیت ملی در شعبه 21 دادگاه عمومی رشت به 7 ماه حبس تعزیری محکوم شد . (ایلنا 83/8/5)

39 - حسن فضل الهی از فعالین سیاسی سه هفته پیش توسط مامورین امنیتی در تهران بازداشت شد . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/8/7)

40 - مهندس محمد دره بزمی رئیس جبهه مشارکت ، شهرستان قروه به اتهام نشر اکاذیب در شعبه یک دادگاه عمومی قروه تهمیم اتهام شد . علت شکایت از نامبرده حضور فعال در انتخابات مجلس شورای اسلامی می باشد او در انتخابات مجلس هفتم رد صلاحیت شد . (رویداد 83/8/9)

31 - پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه ای اعلام کرد : وضعیت ایران از نظر حقوق بشر بخصوص در زمینه های مربوط به آزادیهای سیاسی و بیان بدتر شده است . پارلمان اروپا در قطعنامه خود از اتحادیه اروپا خواسته است تا از ایران از صدور حکم اعدام برای جوانان زیر 18 سال جلوگیری کند . نمایندگان پارلمان اروپا همچنین خواهان لغو احکام سنگسار و اعدام شده اند . این نمایندگان همچنین از موج بازداشت روزنامه نگاران در ماههای اخیر و شدت برخورد با آزادی بیان در ایران ابراز نگرانی کرده اند . (بی بی سی 83/8/8)

32 - سازمان گزارشگران بدون مرز با انتشار بیانیه ای در رابطه با دستگیری محبوبه عباسقلی زاده و فرشته قاضی اعلام کرد : ما افکار عمومی جهانی و به ویژه انجمن های مدافع حقوق زنان و نشریات زنان را فرا می خوانیم که به حمایت از روزنامه نگاران در بند ایرانی به ویژه این دو روزنامه نگار و مدافع حقوق زنان در ایران بر خیزند . در ادامه این بیانیه آمده است : در ماههای اخیر جمهوری اسلامی ایران سیاست سرکوب را در عرصه آزادی بیان شدت داده و به مسدود کردن و سانسور تعداد بیشتری از روز نت ها و وبلاگ ها اقدام کرده است . روزنامه نگاران دستگیر شده توسط مأموران امنیتی - قضائی شدیداً زیر فشارهای روحی و جسمی قرار گرفته اند و برخی از آنها برای تدارک پرونده ای به اصطلاح « غیر اخلاقی » وادار به اعتراف شده اند . در ایران اینگونه اتهامات و پرونده سازی ها در رابطه با زندانیان سیاسی امری رایج است . ایران با 16 روزنامه نگار زندانی بزرگترین زندان روزنامه نگاران در خاورمیانه است

(سازمان گزارشگران بدون مرز 83/8/18)

33 - سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار بیانیه ای اعلام کرد : حکومت جمهوری اسلامی ایران با بازداشت روزنامه نگاران و فعالان اینترنتی قصد دارد جامعه را از منتقدان پاکسازی کند . حکومت ایران با به تعطیلی کشاندن اینترنت و ارتباطات وبلاگی در حال از بین بردن آخرین مجرا و روزه آزادی بیان در کشور است . سازمان دیده بان حقوق بشر می افزاید : در حالی که بسیاری از فعالان اجتماعی در ایران برای انتشار دیدگاهشان به ابزار اینترنت تکیه کرده اند ، حکومت ایران با بازداشت شماری از این فعالان و ها N.G.O وبلاگ نویسان از رشد سازمانهای مستقل غیر دولتی جلوگیری کرده است . این سازمان می افزاید : آنها برای این که قدرتش را حفظ کنند ، هم الزامات حقوق بشر بین المللی را نادیده می گیرند و هم قوانین داخلی ایران را نقض می کنند . (رادیو فردا 83/8/19)

34 - سازمان عفو بین الملل با انتشار یک بیانیه مطبوعاتی تأکید کرد : تلاشهای سیستم قضائی ایران برای محدود کردن آزادی بیان و انجمن بطور روز افزونی مدافعین حقوق بشر و فعالان

41- اسدالله امینی رئیس جبهه مشارکت استان مرکزی به اتهام افتراء با شکایت شورای نگهبان و سپاه پاسداران در دادگاه عمومی اراک مورد بازجویی قرار گرفت و با قرار کفالت و وثیقه آزاد شد (ایلنا 83/8/13)

42- سه مهاجم به مطب دکتر اکبر کرمی حمله کردند و با سنگ شیشه های مطب را شکستند . حدود 11 روز پیش مهاجمان با قمه به مطب نامبرده حمله کرده بودند . مهاجمان بدستور شعبه پنج دادرسی قم آزاد شدند . بازجو به مهاجمان توضیح داده بود : نترسند ، دست دکتر اکرمی به جایی نمی رسد . (اخبار امروز 83/8/14)

43- جمشید نیازی ، امیر علی عباسیان و حسن ارک از فعالان آذربایجانی تساوای حقوق اقوام و ملل ایران به اتهام تجمع غیر قانونی در شهرستان جلفا ، اقدام علیه امنیت ملی و فعالیت به نفع کشور بیگانه با قرار وثیقه پنجاه میلیون تومانی روانه زندان تبریز شدند . همچنین سهند افشاری از فعالان حرکت ملی آذربایجان از شرکت کنندگان در مراسم صفرخان توسط مأمورین امنیتی دستگیر شد . (وطنداش 7/22 و 83/8/15)

44- دانشجویان بسیجی دانشگاه علم وصنعت تهران مراسم سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی و مصطفی تاج زاده را بر هم زدند و مانع سخنرانی شدند . همچنین دکتر صالحی رئیس دانشگاه توسط بسیجیان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مجروح شد و توسط مهاجمان به گروگان گرفته شد . محسن رهامی دبیر کل انجمن مدرسین دانشگاه هاگفت : هماهنگیهای بسیج و نهاد رهبری عامل حمله به رئیس دانشگاه بودند . (شرق 83/8/16)

45- نعمت احمدی وکیل مدافع اصغر وطنخواه ، مسعود قریشی ، جواد غلام تمیمی و مهدی درایتی از بازداشت شدگان مرتبط با سایتها اعلام کرد : سه نفر از موکلانم در سلول انفرادی بسر می برند . (ایلنا 83/8/16)

46- جمال کریمی راد سخنگوی قوه قضائیه در مصاحبه ای اعلام کرد : پانزده نفر از افراد دستگیر شده در رابطه با سایتها به اتهام امنیتی و هشت نفر هم به اتهام اخلاقی بازداشت شده اند . (ایلنا 83/8/12)

47- جهانسوز مهر بخش که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شده بود پس از 91 روز زندان با تأمین قرار وثیقه 50 میلیون تومانی از زندان آزاد شد . (ایلنا 83/8/15)

48- اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان به اتهام اقدامات متعدد علیه امنیت کشور با شکایت کمیسیون ماده 10 احزاب ، به حکم شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران منحل اعلام شد . (ایلنا 83/8/24)

49- دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی ، تبلیغ علیه نظام ، فعالیت به نفع گروههای مخالف نظام ، توهین به ولایت فقیه و مسئولان نظام و نگهداری اسلحه غیر مجاز جنگی با شکایت مدعی العموم توسط شعبه 6 دادگاه انقلاب اسلامی تهران به حبس سنگین محکوم گردید . (ایران 83/8/26)

50- سعید مطلبی پدر سینا مطلبی به اتهام « فراری دادن متهم » با شکایت مدعی العموم در شعبه 1159 دادگاه فرودگاه محاکمه شد . وکیل مدافع سعید مطلبی در دادگاه گفت : سینا مطلبی با گذرنامه قانونی از مرز قانونی و بلیط قانونی ایران را ترک کرده است . وی خواستار تبرئه سعید مطلبی شد . (ایلنا 83/8/26)

51- «حجت - ز» عضو سازمان مجاهدین خلق ایران به اتهام بمب گذاری در ساختمان دادگاه انقلاب اسلامی تهران در خرداد ماه 77 ، به حکم شعبه 6 دادگاه انقلاب اسلامی تهران محکوم به اعدام شد . (ایران 83/8/30)

52- امید عباسقلی نژاد عضو جبهه دمکراتیک ایران از زندان اوین به زندان مخوف کچویی فردیس کرج منتقل شده است . نامبرده در 18 تیر 81 از سوی شعبه 26 دادگاه انقلاب به 38 ماه زندان محکوم گردید ، 28 ماه از زندان خود را سپری کرده و در این مدت برای تنبیه چندین بار به سلول انفرادی منتقل شده است . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان 83/8/24)

53- پرویز سفری عضو هیئت موسس جبهه متحد دانشجویی و جبهه دمکراتیک ایران و یکی از متهمان حوادث کوی دانشگاه تهران ، از سوی شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران به 3 سال زندان تعلیقی محکوم شد . نامبرده قبلاً چندین بار توسط اطلاعات سپاه پاسداران ، ناجا و وزارت اطلاعات دستگیر و زندانی شده است . (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/8/20)

54- محمد مسعود سلامتی عضو موسس جبهه دمکراتیک ایران و جبهه متحد دانشجویی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی ، در شعبه 26 دادگاه انقلاب اسلامی تهران به 3 سال حبس تعزیری محکوم شد . این حکم به مدت 3 سال به تعلیق در می آید . نامبرده قبلاً در سالهای 78 و 81 توسط نیروهای امنیتی دستگیر و مدتها در زندان بسر برده است .

(کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی 83/8/20)

55- اعظم طالقانی دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی ، به اتهام تحریک افراد علیه نیروی انتظامی توسط اداره اماکن ممنوع الخروج شد . همچنین 6 نفر دیگر از اعضای این تشکل احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند و به آنها گفته شده حق ندارید در جلسات تفسیر قرآن جامعه زنان انقلاب اسلامی شرکت کنید . گفتنی است پیش از این آقایان محمد علی دادخواه ، عمادالدین باقی ، محمد ملکی و تعدادی دیگر ممنوع الخروج شده بودند . (ایلنا 83/8/11)

از عدم همکاری سازمان آموزش و پرورش خراسان و انجمن صنفی فرهنگیان خراسان برای آزادی « هاشم خواستار » انتقاد کرد. (ایسنا 83/8/2)

62 - دستگاه قضایی رژیم مانع ثبت نام فاطمه هدایت دختر انصافعلی هدایت روزنامه نگار زندانی در دانشگاه شد. (رویداد 83/8/19)

63 - در مراسم نماز عید فطر تهران ، دو زن و یک مرد به جرم پخش اعلامیه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. (بازتاب 83/8/25)

64 - شهلا لاهیجی مدیر انتشارات روشنگران گفت : دولت اختیار را از صنف گرفته و خودش اعمال نظر می کند . طبیعتاً در اینجا دیگر منافع صنف مد نظر نیست و منافع دولت مد نظر است . به همین جهت هم به هرکس که سوابق سیاسی اش مطابق میل باشد جواز می دهند . این باعث گسترده شدن تعداد ناشران و پائین آمدن کیفیت کار ، به دلیل ورود افراد غیر حرفه ای در حوزه نشر شده است . لاهیجی ادامه داد : الان کاغذ داده می شود برای کتابی که هنوز چاپ نشده است ، مجوز گرفته می شود برای کتابی که هنوز چاپ نشده است . سانسور اعمال می شود برای کتابی که هنوز چاپ نشده است. (مهر 83/8/18)

65 - خانم سمین بهبهانی عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران اعلام کرد: وزارت اطلاعات و ارشاد به اعضای کانون اجازه برگزاری مجمع عمومی را نمی دهند، تا در آن مجمع اعضای کانون بتوانند سالی یکبار دور هم جمع شده و اعضای هیئت دبیران را به آسودگی انتخاب کنند ، این خود یک بحران سازی بزرگ است ، به این جهت که ما مدام باید برای دریافت مجوز به وزارت ارشاد برویم و تازه دادن این مجوز نیز محول به وزارت اطلاعات می شود . دیگر اینکه ما هر جایی که بخواهیم اعلامیه بدهیم به سختی چاپ می کنند . همچنین کتابها وقتی به وزارت ارشاد می روند سانسور می شوند. (رادیو دویچه وله 83/8/26)

قتل شهروندان توسط نیروی انتظامی :

66 - بر اثر تیر اندازی نیروی انتظامی مشهد یک جوان 20 ساله کشته شد. (قدس 83/8/18)

67 - علی بارانی به اتهام شرارت توسط نیروی انتظامی شهرستان کهنوج کشته شد. (کیهان 83/8/4)

56 - سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی و مهندس محمد توسلی در دانشگاه اراک با عنوان « در هوای حق و عدالت » توسط هیأت نظارت دانشگاه لغو گردید. (ایلنا 83/8/19)

57 - هیأت نظارت دانشگاه اصفهان با سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی به مناسبت سالگرد اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان خط امام مخالفت کرد. (ایلنا 83/8/10)

58 - بدستور عباس فدایی رئیس اندرزگاه شماره هفت زندان اوین ، حسن قیصری از اعضای جبهه متحد دانشجویی توسط 3 تن از مأمورین مورد ضرب و شتم قرار گرفت . همچنین بهروز جاوید تهرانی نیز ممنوع الملاقات و تلفن شده است . مسئولان زندان بلند بودن موی سر زندانیان سیاسی را بهانه تازه ای برای برخورد با آنها قرار داده اند. موهای احمد باطبی و امیر عباس فخر آور بدستور مسئولان زندان کوتاه شده است. (کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان 83/8/27)

اخبار فرهنگی و اجتماعی :

59 - در خواست شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر برای تجمع در پارک لاله تهران در اعتراض به صدور احکام اعدام برای افراد زیر 18 سال با مخالفت استانداری تهران روبرو شد . عبادی گفت : صدور حکم اعدام برای افراد زیر 18 سال مغایر با کنوانسیون بین المللی حقوق کودک بوده و دولت ایران در سال 1372 به آن پیوسته و جزء تعهدات بین المللی دولت ایران است. (ایسنا 83/8/19)

60 - در حال حاضر 210 کودک زیر دو سال در کل کشور در کنار مادران خود دوران محکومیت را می گذرانند . این رقم تا قبل از سال 79 به بیش از 809 کودک در کل کشور می رسید . کودکان در زندانها با امکانات بسیار نامناسب و محدودی مواجه هستند ، آموزش خاصی نمی بینند ، حتی از داشتن اسباب بازی هم محرومند ، تغذیه نامناسبی دارند و بسیار رنجور و کم تحرک هستند . برخی از این کودکان از زندان به مراکز شبانه روزی بهزیستی انتقال داده شده اند . این کودکان در روزهای اول پس از انتقال از زندان کاملاً بهت زده و گیج هستند ، دیدن بسیاری از چیزها برایشان تعجب آور است و گویی به دنیای جدیدی وارد شده اند . برخی از آنها قادر به درک مفاهیم ساده و کلماتی مانند چپ ، راست ، پایین ، بالا ، بزرگ ، کوچک ، مداد ، نقاشی ، پارک ، سینما ، مغازه ، خیابان و..... نبودند . یکی از کودکانی که به مدت 8 سال در زندان بوده با توجه به محدودیت های زندان ، محرومیت ها و محدودیتهای ارتباطی پس از انتقال از زندان به مراکز شبانه روزی ، گیج و مبہوت به اطراف خود خیره می شد و به سؤالات مربیان و مددکاران نمی توانست پاسخ دهد. (شرق 83/8/4)

61 - « سید هاشم خواستار » عضو کانون صنفی فرهنگیان خراسان پس از چندین بار بازجویی توسط اداره اطلاعات ، بدستور دادگاه بازداشت شد . رئیس هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان خراسان از ایجاد محدودیت هایی برای اعضای تشکل های دیگر خبر داد.

محکومین به اعدام :

شدند . (کیهان 83/8/3)

68 - خسرو 25 ساله به جرم قتل زهرا 28 ساله به حکم قاضی منصور یاورزاده رئیس شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران و با تأیید شعبه 37 دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد . این حکم برای اجرا به شعبه اجرای احکام مجتمع امور جنایی تهران فرستاده شد . (شرق 83/8/3)

69 - حاتم گرگی به جرم قتل آیدین به حکم شعبه 1157 مجتمع امور جنایی تهران و با تأیید دیوان عالی کشور و تنفیذ رئیس قوه قضاییه محکوم به اعدام شد . این حکم برای اجرا به شعبه اجرای احکام مجتمع امور جنایی تهران فرستاده شد . (شرق 83/8/3)

70 - علیرضا به جرم قتل مهدی به حکم شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران محکوم به اعدام شد . (شرق 83/8/5)

71 - موسی 40 ساله و فرزند 17 ساله اش رسول به اتهام سرقت زیور آلات ، آدم ربایی و تجاوز به عنف ، به حکم قاضی اسدی رئیس شعبه 53 دادگاه عمومی اصفهان به اعدام در ملاء عام محکوم شدند . (قدس 83/8/8)

72 - علیرضا به جرم قتل ابراهیم در زندان رجایی شهر کرج ، به حکم قاضی نورالله عزیز محمدی رئیس شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران و با تأیید دیوان عالی کشور به اعدام محکوم شد . حکم برای اجرا به شعبه اجرای احکام مجتمع امور جنایی تهران فرستاده شد . (شرق 83/8/17)

73 - محمد به جرم قتل همسرش به حکم شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران به اعدام محکوم شد . (شرق 83/8/17)

74 - وحید 16 ساله به جرم قتل مهدی 24 ساله در شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران ، به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی به اعدام محکوم شد . متهم در زندان 4 بار اقدام به خود زنی و یک بار اقدام به خودکشی کرده است . (شرق 83/8/26)

75 - نجمه 25 ساله دانشجوی حقوق به جرم قتل علی 26 ساله به حکم قاضی خیاط زاده ، رئیس شعبه 43 دادگاه عمومی مشهد و با تأیید شعبه 41 دیوان عالی کشور محکوم به اعدام شد . (قدس 83/8/30)

76 - عبدالرضا نعمت اللهی دادستان قم گفت : 30 نفر به اتهام « اراذل و اوباش » در خیابان بهشتی قم دستگیر شدند . (کیهان 83/8/3)

77 - به گزارش مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی استان گیلان در شهرک امام حسین رشت تعداد 8 دختر و 12 پسر به علت شرکت در یک پارتی شبانه در حال رقصیدن و پایکوبی دستگیر

78 - شهنام رضایی رئیس مرکز اطلاع رسانی نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی گفت : 20 نفر به جرم روزه خواری در ملاء عام دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند . (سینا 83/8/6)

79 - مرکز اطلاع رسانی فرماندهی استان خراسان رضوی اعلام کرد : 4240 نفر به اتهام مزاحمت خیابانی ، با اجرای طرحهای برخورد با مظاهر علنی فساد طی سال جاری در خراسان رضوی دستگیر شدند . (قدس 83/8/14)

: انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران - مونترال - کانادا

: کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر در ایران - ctdhumanright@yahoo.com - تورنتو - کانادا

: کانون دفاع از حقوق بشر در www.bashariyat.de - info@vzvmiran.de - ایران - برمن - آلمان

: شبکه فعالان حقوق بشر www.azadegy.de - shafaei@azadegy.de - ایرانی در آلمان

: کانون دفاع ازدمکراسی در ایران - هلند kdaddih@hotmail.com

: کمیته اقدام برای آزادی iran.alppo.free.fr - iran.alppo@free.fr - زندانیان عقیدتی و سیاسی در ایران - پاریس

: کمیته دفاع از حقوق www.komitedefa.org - info@komitedefa.org - بشر در ایران - سوئد

: کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - defendhriran_ca@yahoo.com - کالیفرنیا - آمریکا

: کمیته نوران (کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران noranal2003@yahoo.no - نروژ)

: سازمان ایرانیان غرب کانادا - ونکوور - کانادا yebarak@yahoo.ca

: www.iranestimony.com - info@iranestimony.com : فعالان دفاع از حقوق بشر Iranestimony

: کمیته دفاع از آزادی و دمکراسی در ایران - demokrasi9@yahoo.com - اطریش

- hoghoghebashar@rahaei.com - انجمن مدافعین حقوق بشرو دمکراسی در ایران - فرانسه www.rahaei.com

: اتحاد برای دفاع از حقوق بشر در ایران - واشنگتن - adhri1@yahoo.com آمریکا

: فعالین ایرانی حقوق بشر - سوئیس mnrecht@hotmail.com

: انجمن مدافعین حقوق بشر در ایران - بلژیک kanon253@hotmail.com



یاد و خاطره شهدای شانزدهم آذر ۱۳۳۲
شریعت رضوی ، قندچی و بزرگ نیا گرامی باد !



اگر هبنا که به زنده ماندن دارم نبود ، خود را به باران آتش میزد ، تکلیف هانجا که سر
بت و صحنه ای بود ؟ آتش بهیاد سوخت ، او را در پیش پای سیکور قتل کردند !
او به سر و دستان به سر هفتاد و سه سالگی کشته شد ، هفتاد و سه سالگی فراغت
تد اند ، بچون دکان - سکران دانی بکند و لذت میزد ، به لبث باحال قرار
در دهن ، اخذ حقوق فروخته ، از آن سال ، هفتاد و سه سالگی آمدند و کارهای را تمام کردند و رفتند ، اما این
آنها را میباید بیاموزند ، هر که را میباید میباید ، آنها هرگز نپروند ، همیشه همیشه
آنها ، شهید ، اند ، این به سطره غوی ، به سطره دشت ، با همین تازه و سحر است .
لاشکری این به آرد اهرای را باقی حاکمیت ، ام برشان تا دایم سکرم که میباید نغزیند !

پیروز باد مبارزات دانشجویی !

سیر ۱۶ آذر (روز دانشجو) سال ۳۲، نقش جنبش دانشجویی در مبارزات مردم ایران در ۵ دهه!

amirjawahri@yahoo.com امیرجواهری لنگرودی

جمهور وقت آمریکا و تدارک پذیری گرم از او و همراهان وی در تهران، برای شاه فرصتی فراهم ساخت تا آخرین گزارشات مربوط به استقرار مجدد استبداد خاندان پهلوی و سلطنت اش را به وی ارائه دهد. می توان گفت: محمد رضا شاه عزم خودکامه خود را برای حاکم نمودن فضای رعب و وحشت در کل جامعه و در مرحله اول سرکوب دانشگاه و دانش پژوهان مترقی را در دستور داشت. در آن هنگام جنبشی که از این کودتا آسیب دیده بود تجلی فریاد خود را در درون دانشجویان یعنی فرزندان خویش می جست! آنان به همین خاطر، هم در اعتراض به کودتا و هم سفر ریچارد نیکسون به ایران در صحن دانشگاه، فریاد دادخواهی خود از کودتا گران را بنمایش گذاشتند. در برابر صف آرای مبارزین، شاه هم برای جولان دهی در مقابل اربابان خویش، محیط علم و دانش یعنی دانشگاه را برای بازدید مهمانان آمریکائیش برگزید. در مقابل چنین خوش خدمتی شاه، دانشجویان مبارز دانشگاه تهران با برپایی تظاهراتی جسورانه در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در برابر این نمایش سرسپردگی شاهانه ایستادند تا علیه طراحان کودتا شعار دهند و اعتراض نمایند. نیروهای نظامی برای ممانعت از گسترش حرکت و پیوستن مردم به دانشجویان، وارد صحن دانشگاه شدند و معترضین را به رگبار بستند.

در این یورش وحشیانه نظامیان وفادار شاه با شلیک گلوله، سه تن از دانشجویان به نامهای مصطفی بزرگ نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی را از پای در آوردند در راه آزادی جان باختند و دهها تن مجروح، دستگیر و زندانی شدند. **۱۶ آذر شعله می کشد:** از آن تاریخ تا به بعد، هر ساله در روز ۱۶ آذر به یاد سه تن از جان باختگان آزادی (بزرگ نیا - قندچی - رضوی) دانشجویان با تداعی شعار: «اتحاد، مبارزه، پیروزی» به نام «روز دانشجو» در محیط دانشگاهها و در سراسر جامعه شعله بیداری سر می دهند تا این روز را با آرمان دیرینه اما منکوب شده مردمان کشورمان پیوند زنند و خواست آزادی و عدالت را به تجلی گاه ایستادگی و مقاومت در برابر دیکتاتور ها بدل سازند! از نگاه من، آنچه که گذشته جنبش و مبارزات ضد استبدادی و آزادیخواهانه دانشجویان ما یعنی تاریخ پنجاه و یک سال پیش را با امروز و فردا ها گره می زند: کوشش و تکاپوی قطع ناشدنی نسلی است که خود بازیگران اصلی این صحنه نبردند. دانشجویان این فرزندان برومند کشورمان در راه تحقق آرمان های انسانی خود و مادران و پدران زحمتکش خویش در راه پیروزی روشنایی بر تاریکی، نیکی بر بدی، آزادی بر اسارت و محبت بر نفرت همواره تا به امروز از خود خلاقیت و رشادت بروز داده اند و در راه این ایستادگی تا به امروز خونهای بیشماری بر زمین ریخته شده است. بی جهت نیست که دانشگاه را «سنگر آزادی» قلمداد کرده اند!! بعد از ۱۶ آذر در جنبش دانشجویی چه گذشت؟ سالهای سیاه حاکمیت ساواک و گماردن گارد شاه به دربهای دانشگاههای سراسری و چند دهه سرکوب پهلوی ها تا به امروز هیچگاه از پادها زدوده نشده است. ساواک در سرکوب دانشجویان و فوج

یاد داشت: آذر ماه را هر سال در ایران، ماه آتش و بیداد نیز می گویند. هر سال یادآوری و قضاوت در برابر وقوع حوادث بی شماری که در این ماه حادث گردید، برای آزادیخواهان ایرانی مضمون می یابد. از نظر تاریخی، ژرفای این رخداد ها از آن چنان اهمیتی برخوردار است که روزمره گی حوادث را تا حد زیادی تحت الشعاع خود قرار می دهد. از جمله این رخداد ها می توان از: جنبش ملی آذربایجان به رهبری جعفر پیشه وری در تبریز طی سالهای ۲۵ و ۱۳۲۴ و شکست حکومت ملی یک ساله آذربایجان و همچنین جنبش دمکراتیک کردستان به رهبری قاضی محمد ها در مهاباد، ۱۶ آذر ۱۳۳۲ «روز دانشجو» و جایگاه این روز در جنبش دانشجویی، همینطور ۲۶ آذر هر سال، روز پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران، وقوع قتلهای سیاسی موسوم به قتلهای زنجیره ای در آذر ۱۳۷۷ که با آدم ربایی مجید شریف نویسنده، مترجم و فعال سیاسی و قتل نابهنگام وی، کشتار فجیع و ضدانسانی پروانه اسکندری و داریوش فروهر در منزلشان و پس از آن در تاریخ ۱۲ آذر محمد مختاری از منزل خارج می شود و ۲۰ آذر جسدش در پزشکی قانونی شناسایی می شود. محمد جعفر پوپنده نیز در تاریخ ۱۸ آذر به قصد شرکت در جلسه ی ناشران از منزل خارج شده و دیگر باز نگشته است. جسدش در روز ۱۹ دی در بادمک شهریار توسط اهالی پیدا شد و چند روز بعد توسط خانواده اش در پزشکی قانونی شناسایی شد.

ربودن مختاری و پوپنده و قتل آنان با انگیزه ایجاد هراس و دلهره در دلای یاران آنها و تعطیلی کانون نویسنندگان شکل گرفت. ربودن پیروز دوانی و قتل دیگران، سالگرد تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ۱۰ دسامبر (۲۰ آذر) سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و برخی رویدادهای دیگر در آذر ماه، هر انسان آزادیخواهی و مخالف دیکتاتوری را به عکس العمل مسئولانه وا می دارد!

روز دانشجو چگونه حادث شد؟ ۵۱ سال پیش در چنین روزهایی، رژیم سلطنتی پهلویها، سرمست از باده پیروزی کودتای سیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای تثبیت موقعیت خویش، سودای هر عملی را در سر می پروراند! دربار پهلوی در فاصله محاکمه دکتر مصدق و تجدید رابطه با انگلیس و تقویت برقراری حکومت نظامی و سرکوب آزادی خواهان، تصمیم می گیرد برای قدرانی از اربابان امپریالست خویش و نمایش نقش کلیدی سازمان های اطلاعاتی آنها در طراحی و موفقیت کودتا علیه دولت دکتر مصدق مهمانی دهد تا راه را برای ورود مستشاران نظامی و حلقه بگوشی امپریالیسم آمریکا برای چند دهه در درون کشور باز بگذارد! لذا دعوت از ریچارد نیکسون معاون رئیس

تن اعدام گردیدند و فرار مغزها به خارج از کشور سرازیر گردید!! تنها از پس این سلاخی های هولناک بود که رژیم اسلامی به انجام اقدامات تکمیلی پرداخت . در آستانه گشایش دیگر باره دانشگاهها با تشدید ضوابط حاکم بر هیاتهای گزینش ، استقرار و تحکیم بازوهای اطلاعاتی ، دانشگاهها را به صحنه نبرد ایدئولوژیک اسلامی بدل کردند . با تدارک « دانشجویان خط امام » و با خودی و غیرخودی خواندن دانشجویان و راه انداختن زنجیره ای رنگارنگ از انجمن های اسلامی ، بازوی زور و سرکوب ، بیش از هر موقع استقلال جنبش دانشجویی را زیر ضرب گرفتند تا دوباره دانشگاهها را تحت کنترل شدید خویش در آورند .

چگونه جنبش دانشجویی تجدید حیات پیدا کرد ؟

بدین ترتیب تاریخ و مبارزه جنبش دانشجویی با سرکوب سالهای ۶۰ به اینسو و بعد از تصفیه دانشجویان و استادان مترقی ما به دوران دیگری وارد می شویم . بعد از جنگ به زمان دولت گذاری رفسنجانی پا می گذاریم ! در این دوران با پیشبرد سیاست « تعدیل اقتصادی » و به اصطلاح « دوران سازندگی » سرعت در خصوصی سازی ها در رویکرد نشان دادن به سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در جهت میدان به اطاق بازرگانی و به بخش خصوصی ، مراکز آموزشی کشور نیز مشمول شرایط خصوصی سازی ها گردید ، بار دیگر جنبش دانشجویی نه در فضایی یکنواخت و یک رویه فعال گردید و مباحث مربوط به دانشجویان به درون مطبوعات کشور راه یافت !

چگونه ۱۸ تیر سال ۷۸ آفریده شد ؟

در کشاکش این سالها و بویژه بعد از خرداد ۷۶ در فضای فراهم آمده و پیشروی تمامیت جنبش آزادیخواهی کشور، باز و بسته شدن مطبوعات و از جمله قرار بسته شدن « روزنامه سلام » برای انعکاس یک خبر درونی نظام ، دانشجویان در اعتراض به تعطیل شدن روزنامه « سلام » در ۱۸ تیر ماه ۷۸ در کوی دانشگاه تهران اجتماع می کنند و آنجا را به سنگر مقاومت ضد استبدادی گرایشات گوناگون دانشجویان تبدیل کردند.

این اعتراض با سردادن شعار « اتحاد ، مبارزه ، پیروزی » و « ۱۸ تیر ما ۱۶ آذر ما ست » بار دیگر تجلی تاریخی روز ۱۶ آذر را بنمایش گذاشت . چرا که این شعار ها بیانگر رسایی اعتراض دانشجویان در رودررویی با هرگونه استبداد و ستم بوده و است . اگر شاه در ۱۶ آذر سال ۳۲ جنایت آفرید ، دستگاه روحانیت و دولت برخاسته از آن نیز در ۴۶ بعد تراز دربار شاه ، همان جنایت را بشکلی خونریز تر بنمایش گذاشت.

اعجاب انگیز است که سلطنت طلبان مدعی « آزادیخواهی » قساوت خونریز حاکمین دینی ایران را در روز ۱۸ تیر ۷۸ به بساط تبلیغاتی مطبوعات و رادیوها و تلویزیون های خود بدل می کنند و آنرا به پیش صحنه می آورند ولی تلاش می ورزند که ۱۶ آذر ۳۲ را از حافظه تاریخی ملت ما پاک کنند و در تاریکخانه نهند و آنرا به هیچش شمارند . غافل از اینکه جریان سیال زندگی و تاریخ حوادث و رویداد ها را نمی توان با روز و اعما سانسور از حافظه مردم زدود و آنرا به فراموشی برد!

ماجرای سرکوب افسار گسیخته کوی دانشگاه تهران ،

دستگیری ها همواره به محیط دانشجویی چشم داشت . حراست (ساواک) دانشگاه همواره بر فعالیتهای فوق برنامه از جمله گروه های کوه نوردی نظارت هر روزه داشت تا شکار خود را از میان خیل وسیع دانشجویان مبارز برگزیند . این دستگیری و شیبخون زدن ها همواره ادامه داشت . با این همه ما شاهد آن بودیم که علیرغم همه دوره گردی های شبانه و روزانه عوامل ساواک ، گروه بندیهای مختلف چپ و مذهبی جنبش (چریکها و مجاهدین) و گروه های گوناگونی که طرفدار مشی مسلحانه بودند از درون هسته ها و محافل دانشجویی بیرون آمدند و کار گسترده مبارزه را به انحای مختلف قبل از سیاهکل به اینسو از دل مبارزان دانشگاهی در پیوند با مبارزان زحمتکش به صحنه اجتماع و مبارزه با نظام را بنمایش در آوردند !

در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ به این سو و در جریان آنروزهای داغ و پر جنب و جوش ، دانشگاهها ، مامن یاران و آتشکده انقلاب بود . دانشجویان در کنار زحمتکشان حاشیه تولید ، کارگران شهری و مهاجرین روستایی در شهرهای بزرگ به پیوندی تنگاتنگ از سازماندهی تجمعات بر آمدند .

جا گرفتن هر روزه دانشجویان در محلات پائین شهری و محیط زندگی زحمتکشان از جمله : (دروازه غار ، میدان راه آهن ، امامزده حسن تهران ، حلبی آبادهای درون تهران) و محلات کارگری از جمله : (شاد شهر جاده اراک ، جاده کرج ، دروازه سنگی و غیره) در برپایی متینگ های خیابانی در پیوند با مبارزات ضد استبدادی ، نقش برجسته ای در روزهای انقلاب در راستای فرو ریزاندن دیوار ستمگری سلطنت پهلوی از خود بجا گذاشتند.

با سقوط حاکمیت موروثی ، گشایش دفاتر فعالیت گروه بندیهای مختلف سیاسی در دانشگاه های سراسر کشور با بیرون رفتن گارد شاه ، فراهم آمد و فعالیت یکایک آنان در زمینه های مختلف تا حدی اثر گذار گردید . همین فعالیت های آگاهگرانه ، هراس و وحشت را در چشم حکومتگران سواربر اریکه قدرت بر جا گذاشت . چرا که دانشجویان در پیوند با گروهها و سازمان های مختلف ، شاهد جزء نخستین پیشگامان افشار اجتماعی بودند که تا حدی به ماهیت ارتجاعی رژیم نوپای اسلامی و ظهور فاشیسم مذهبی پی برده و دانشگاه را به سنگری در راستای دفاع از دستاوردها و اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه زحمتکشان ایران و پاشاندن بنز آگاهی در میان فریب خوردگان از دستگاه روحانیت به نیروی معترض بدل کردند!

نباید از یاد برد در هراس از همین نقش روشنگرانه بود که خمینی در اردیبهشت ۱۳۵۹ فرمان حمله به دانشگاهها و سپس تعطیلی کلاسها ی درس در سراسر کشور را به نام « انقلاب فرهنگی » که باید آنرا انهدام فرهنگی نامید ، صادر کرد و با قوای بی شمار خود به دانشگاهها یورش آوردند. بدین سان شاه و شیخ دانشگاهها را به یکسان به جولانگاه قوای سرکوب خود بدل ساختند .

در جریان این یورش ضد فرهنگی و نیز در دوران اختناق فاشیستی و به تعطیلی کشاندن دانشگاهها و بویژه شروع عملیات جنگ ایران و عراق و فضای مختنق آفریده شده ، خاصه بعد از خرداد ۱۳۶۰ به اینسو ، هزاران هزار تن از دانشجویان ، استادان مترقی ، چپ ، مبارز و دگراندیش از کار بیکار گشتند و به شکنجه گاهها فرستاده شدند و از آنان صداها

سالارانه در سطح جامعه باید به خواست محوری دانشجویان فرا برود!

۱۶ آذر هر سال، روز تجلی شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» است باید این شعار را به امری سازمانگرا و هدفمند در صحنه محیط دانشگاه، مدارس و کلاسها، خیابان، میدان کار و روزمره گی زندگی به مثابه پلاکاردی همگانی بدل ساخت!

یادمان نرود جنبش دانشجویی جامعه ما تا به امروز زخم های فراوانی برتن دارد ولی این جنبش بدلیل عدم یکپارچگی و محدودیت خاص طبقاتی اش، تاکنون گرایشات معینی از آنان همواره با تن دادن به قانون گرایی و برشمردن پاره ای «ظرفیت» های قانون اساسی نظام اسلامی ایران، دشواریهای معینی را برای استقلال عمل این جنبش مبارزاتی فراهم ساخته اند.

آنچه امروز بیش از گذشته مهم جلوه می نماید: تحقق شعار آزادی و استقلال کشور ایران در پرتو تجلی یافتن دگر باره شعار وحدت و تشکیلات و از بین بردن موانع موجود سازمانیابی مستقل جنبش آزادیخواهانه اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم می باشد و این تنها بر پایه تعمیق یافتن مبارزه طبقاتی و استقلال جنبش های مبارزاتی درون کشور از هرم هر نوع وابستگی و در سطح مبارزات جنبش دانشجویی، گره خوردن این مبارزات با دیگر طبقات محروم جامعه قابل تحقق می باشد.

نباید از یاد برد، جنبش دانشجویی ایران در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی از مقطع به شکست کشاندن جنبش ۱۸ تیر ۷۸ در سازش آشکار با قصابان مردم، محافظه کاران و نیروی هار و سرکوبگر نظام و در همصدایی به مرتجعین، همه نیروی خود را معطوف به اطاعت از قانون اساسی و حفظ نظام ارزشی و صد در صد ایدئولوژیک اسلامی به هر قیمتی بر سرپا نگه دارند تا عمود خیمه نظام فرو نریزد. همه کار بدستان نظام از اصلاح طلب، لیبرال های وطنی تا محافظه کار یک لحظه از تلاش خود برای کشاندن این جنبش به مجرای قانونی کردن حرکات دانشجویان باز نیایستاده اند و این درحالیست که محافظه کاران و آدم خواران نظام همه کوشش سبعانه خود را برای نابودی این جنبش اعتراضی متمرکز کرده اند.

از نگاه من در این مسیر پرنشیب، اگر در ۵۱ سال پیش، مبارزان جنبش دانشجویی به پای فرستاده رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، قربانی سیاست دربار شاه با کودتا گران جهانخوار سرمایه شدند، امروز دانشجویان می بایست مبارزات و مقاومت همه جانبه خود را با محاسبه هوشیارانه تری و با در نظر گرفتن تناسب قوا و ترکیب اشکال گوناگون اعتراضی بدون هیچگونه توهمی به جناح بندی های حکومتی و چشمک زدن های آنان به بوش به مقاومت های خود افزوده و در هر تند پیچ حوادث، به نقد کارکرد خود بر آمد! هیچ جنبشی به شکل عام و جنبش دانشجویی به شکل خاص با توجه به خواستگاه طبقاتی اش نمی تواند بدون تکیه به نقد کرده ها و درس آموزی از اشتباهات پیشین، روی پای خود بایستد. جنبش دانشجویی برای گذشتن از موانع موجود باید بشکل پیگیر از مجموعه خواسته های صنفی، رفاهی و مطالبات سیاسی اش عمدتاً و عمدتاً بر پایه استقلال جنبش پای فشارد و

دانشجویان دیگر دانشگاههای کشور (تبریز- شیراز - اصفهان - مشهد - گیلان - اهواز) و سایر نقاط را یکی پس از دیگری به صف مبارزه با نظام کشاند. این حرکت در تاریخ جنبش دانشجویی کشورمان بی سابقه بود. هرچند حرکت کوی دانشگاه بعد از ۶ روز مقاومت، با سازش همه جناح های حکومتی با دستگیری، تهاجم، سرکوب وحشیانه در نیمه راه متوقف شد و دهها و صد ها تن به زندانها برده شدند ولی مشت رسوایان وا شد و ادعای هرگونه رفرم و اصلاح طلبی درون و برون حاکمیت از همان روز ها به کوس رسوایی شان بدل گردید و جنایت ۱۸ تیر ۷۸ حکومت اسلامی نیز همچون سببیت شلیک گلوله های ۱۶ آذر ۳۲ نظام پهلوی، هر ساله توسط دانشجویان و مردم آزادیخواه کشور مان، گرامی داشته می شود!!

از آن سال تا به امروز مبارزات دانشجویان و تجمعات آگاهگرانه محافل دانشجویی و تشکلاتشان در اشکال متنوع تر و سیال تری از یک سو و اقدامات سرکوب گرانه حکومت گران از سوی دیگر در ۱۶ آذر و ۱۸ تیر در مقابل هم صف آرایی می نمایند!

همین جنب و جوش هر ساله، با تعمیق یافتگی هرچه تمامتر در جدا شدن از توهم دلبستگی ها به گرایشات درون و برون حاکمیت، امروز درکنار سایر جنبش ها اعتراضی در صنف بندی مستقل جنبش طبقاتی، داغ رخوت و خاموشی و پراکندگی جنبش مبارزاتی ضد سرمایه داری مردم ما بر کلیت نظام حاکم بر ایران را بنمایش می گذارد. چرا که دانشجویان تا به امروز مبارزه خود را تعطیل و رها نکرده اند بلکه هر روزه آنرا به شکلی شفافتر به جلو می برند!

دانشجویان بر چه مطالباتی پای می فشارند و چرا؟
اینک که در آستانه ۵۱ سالگی ۱۶ آذر «روز دانشجو» هستیم. نزدیک به ۲ میلیون دانشجو و هزاران استاد دانشگاهها به همراه هزاران هزار معلم در سراسر کشور در کنار ۲۰ میلیون دانش آموز که فردا و فرداها محیط دانشگاهها و صندلی ها را اشغال می نمایند به همراه مبارزات آزادیخواهانه مردم سنگر مبارزه را تقویت خواهند کرد. در کشاکش چنین مبارزه ای، دانشجویان دیگر بار فرصت مجددی بدست می آورند تا از طریق برپایی اردوها، سیمینارها، سخنرانی ها، متینگ ها، راه پیمایی ها در بستر اعتلای جنبش کنونی بر اهداف آزادیخواهانه، برابری طلبانه اکثریت مردم ستم دیده و زحمتکش جامعه ما، پای فشارند و کلیت ارتجاع حاکم را به مصاف طلبند و شعار های معوقه خود بویژه: آزادیهای بی قید و شرط تمامی دانشجویان سیاسی زندانی را مطالبه نمایند و دادخواهی دانشجویان اعدامی را در کنار دادخواهی خانواده های قتل های زنجیره ای سیاسی نویسندگان و آزادیخواهان ایرانی آذر ۷۷ و دیگر قتل های سیاسی و کشتارهای وسیع درون زندانها در دو تابستان ۶۷ و ۶۰ به صحنه محاکمه سران نظام به جرم «جنایت علیه بشریت» بدل نمایند!

خواست خروج همه عوامل اطلاعاتی و انحلال کمیته های انضباطی و بیرون انداختن مامورین حراست باید به خواستی عمومی بدل گردد. دفاع از برابری حقوق دانشجویان دختر و پسر در محیط کلاس، آزمایشگاه، ورزش و غیره همچون خواست برابری زنان با مردان و محور ریشه های نظام مرد

طلبانه ای را با مضمون جنبش خود جوش مردم به همراه ندارد!

من و ما نیز طالب خونریزی و خشونت کورنیستیم . ولی در این میان پرسش اساسی اینسکه: چه کس و کسانی خشونت و قهر را در جامعه اعمال میکنند؟ آیا این اپوزیسیون داخل و خارج کشوراند که طالب بکارگیری خشونت اند یا پوزسیون کارگزار نظام استکه ، خشونت و سرکوب بیشمار را از روز روی کار آمدن خود تا به امروز برهر مخالفی روا داشته است تا همه را از میدان بدربرد و برای خود حقانیت بترشد؟ مقاومت و نا فرمانی و غیرقابل حکومت کردن شرایط بر حکومت گران نظام اسلامی نه تنها عملی خشونت طلبانه نیست . بلکه تنها راه جلوگیری از خشونت عریان سردمداران رژیم است که تمامی راهکارهای زورمدارانه از دستگیری ، آدم ربایی ، زندان ، شکنجه ، اعدام ، قصاص ، سنگسار ، ترور ، تهاجم به اجتماعات مخالفین ، قمع کشی ، زنجیر ، چماق و سرکوب را از راه پیاده کردن قوای ایلغار خود و بکار گیری توپ ، تانک ، مسلسل تماما ادامه می دهند تا به هر طریق ممکن این نظام را برسر پا نگهدارند . بار دیگر قویا یاد آور می گردم تحقق شعار « اتحاد ، مبارزه ، پیروزی » که از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ یعنی از ۵۱ سال پیش پیش به این طرف ، هر سال روز دانشجو سر داده می شود ، در شرایط امروز پراکندگی و تفرقه جنبش اعتراضی و مطالباتی تنها در پیوند با جنبش طبقاتی کارگران ، تهیدستان شهر و روستا ، جنبشهای اجتماعی زنان ، جوانان ، اقلیت های ملی (بلوچ ها _ ترکمن ها _ عرب ها _ کردها _ آذری ها) و اقلیت های مذهبی و مبارزات مطالباتی معلمان ، پرستاران ، پزشکان ، استادان دانشگاهها و طرفداران آزادی بی حد و حصر قلم یعنی روشنفکران ترقیخواه ایران میسر می گردد . اتحاد طبقاتی پایدار و پر دوام همه اینان می توانند چون رودخانه خروشان سد وجودی نظام سرمایه داری ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران را درهم شکنند و جنبش مبارزاتی اعماق را اعتلا بخشند و نظام را برای حکومت گران ، غیر قابل حکومت نمایند و راه مقابله مردم بر سر معامله گری با امپریالیسم آمریکا و متحدان اتحادیه اروپایی آنان ببندند ! با این امید و به همراه این امید دل آویز و دشمن سبتر یعنی فرو پاشی نظام و تحقق مستقل حاکمیت اکثریتی عظیم به نفع اکثریت عظیم یعنی زحمتکشان و پاهندگان جامعه ۷۰ میلیونی ما ، روز دانشجو را به همه شما جانبداران آزادی و خود دانشجویان تیریک می گویم و در اینراه در نبرد تا به آخرانان برای تحقق آزادی ، برابری و دموکراسی و وصول نان برای سفره همگان ، استمرار مبارزه آزادیخواهانه فعالان دانشجو را شادمانانه آرزو می نمایم ! باشد که ۱۶ آذر سال ۱۳۸۳ در پنجاه یکمین سال جنایت و بخون غلطیدن سه دانشجوی شجاع (بزرگ نیا _ قندچی _ رضوی) در آستانه ۲۶ امین سال از انقلاب ناکام بهمن ۵۷ به اینسو به تحول اجتماعی در جهت تحقق خواستههای عمومی جامعه ایران بانجامد . باشد که زمستانی سخت جان را بدر کنیم و بهار آزادی را در کوچه ، خیابان ، کوه ساران در و دشت و حیات خانه همام نشان گیریم . تحقق چنین آرزویی از شما و ما مدافعین آزادی و حق تعیین سرنوشت یکایک شهروندان جامعه ایران ، از دل مبارزه ای همه سویه و پیکار بی امان مبارزه ضد سرمایه داری و پس زدن سرمایه جهانی امپریالیسم ، به فضای جامعه ما مستولی می گردد . چنین فضای دل انگیزی از مشام مردم ما دورمباد!! آذر ماه 83

با دیگر جنبش های اجتماعات اعتراضی گره خورد!! آنچه تا به امروز در صحنه تاریخی گره خوردن جنبش دانشجویی با جنبش کارگری و مطالباتی گسترده در جهان قابل توجه و تجربه اندوزی است ، پیوند این دو جنبش با هم در مکزیک سال ۱۹۶۸ می باشد ، که چگونه توانست موجب وحشت رهبری بوروکراسی اتحادیه دولتی وقت را فراهم آورد . در همین زمینه می توان به نقش سازمانگراانه مشابه این هم پیوندی ، در جنبش دانشجویی و کارگری آفریقای جنوبی و به نمونه درخشان پیوند تجربه دانشجویان رادیکال و جنبش کارگری در کره جنوبی هم اشاره داشت ! جنبش دانشجویی کشورمان ایران ، برای زایش دگر باره شعار « اتحاد ، مبارزه ، پیروزی » اگر می خواهد به مبارزه خود با تمامیت نظام ادامه دهد ، می بایست به جای نیرو گرفتن از بالا ، به ظرفیت غیرقابل شمارش مقاومت توده ای توجه کرده و به جنبش پائین روی آورد و خود را با مبارزات کارگران و تهیدستان اعماق پیوند زند . هیچ جنبشی تا به امروز با چشم داشتن به بالایی ها و پشت کردن به زحمتکشان و تهیدستان بیکار و کارگران ، نتوانست از آزادی و دموکراسی حقیقی جانبداری نماید و به مطالبات توده مردم پاسخ گوید! دموکراسی و وصول به آزادی از دل مبارزاتی سر راست می کند ، که تعلق طبقاتی و جانبداری از توده اعماق را با خود همراه نماید . آنانی که به سازمان دادن اراده مردم برای در هم شکستن و در هم ریختن نظم سرمایه و دستگاههای بهره کشی و بسیج توده ای برای ایجاد زمینه های حاکمیت لگد مال شده گان اعتقادی ندارند . می خواهند با « آزادیخواه » و « دموکرات » نامیدن خود ، مردم و بویژه توده اعماق را به زیر سیطره خویش نگهدارند . هم اینان با مواضع و عملکرد خویش (تئوری و پراتیک) راه انقلاب را ، راه بر هم زدن بساط بهره کشی سرمایه ، بوسیله توده های زحمتکش ، یعنی اکثریت محروم جامعه نمی شناسند . تلاش اردوی کار ، بمنظور برانداختن طرحی نو را عملا نفی می کنند . اینان در بهترین کلام سوسیال دموکرات های نابی اند که راه را بر پیشروی اراده واقعی تحقق گذار به حاکمیت اکثریت عظیم می بندند . راه انقلاب را در عمل نفی می کنند و عرصه اساسی مبارزه را مبارزه پارلمانی اعلام می کنند و درحوزه سازماندهی اقتصادی نیز همواره مفهوم مداخله بازار و بخش خصوصی در سازماندهی اقتصاد بمنظور شرایط موجود سرمایه داری را عملا تئوریزه می کنند تا راه را بر سازماندهی مستقل جنبش های اجتماعی ببندند تا زور توده میلیونی را بر روز نیانگاران و راه مسالمت را به هرتقدیر همواره قانونمند بیانگاران و انقلاب را عین استبداد ، به خود مبارزان جانبدار انقلاب شلیک کنند!

در برابر چنین انگاره های ، امروز هر گونه روی آوری و رویکرد نشان دادن ، جنبش دانشجویی به نیروی عظیم و گسترده اجتماعی جنبش های پیشروی ، برخلاف هشدارهای بظاهر اصلاح طلبانه ، « اصلاح طلبان » حکومتی و بیرون حکومت که با جانبداری از روش مهندسی تدریجی و به دلیل مخالفت و ترس دگر باره از انقلاب و تحول اجتماعی ، بظاهر خود را مخالف خشونت و همواره طالب شیوه گذار مسالمت آمیز معرفی می کنند ، اساسا هیچ مسیر خشونت

که تا دیر نشده و فرصت باقی است تدارك عيد سعيد باستانی را ببیند و کار ورود هفت سین و شیرینی و تنقلات ایرانی را آغاز کند. هر چه قنادهای هموطن تلاش کردند که اولین نفر را از کار منصرف کنند و خودشان عین شیرینهای وطنی را بپزند و با قیمت ارزان به او بفروشند زیر بار نرفت. شیرینهای ایران حال و هوای دیگری داشت. رنگ ایران را داشت. بوی ایران را داشت. شکر ایران و آرد ایران در آن به کار نرفته بود و از همه مهمتر حاصل زحمت کارگر ایرانی بود و البته بهره کلاں خرید به تومان و فروش به دلار را هم نمیبایست فراموش کرد. پس. بعد از استقبال قابل توجه مردم از سمور و کاردستی و آلبیموئی «یک و یک» و کله پاچه حل و خربزه و آجیل، نوبت به هفتسین و شیرینیجات رسید و از آنجا که شب قبل از سال نو ماهی شور میطلبید این مهم نیز فراهم شد. از تخم مرغ ایرانی تا شیر ادم ایرانی. همه چیز مهیا بود. همه نوع تخم ادم از تخم گشنیز تا تخم ماهی، حتی ماهیان تنگ بلور سفره هفت سین به دریای خزر سفارش داده شد. «اولین نفر از کسانی که هنوز سیاسی مانده بودند و مخالف پیشرفت آدمهای فعالی مثل او بودند دل پرخونی داشت و هر چه فکر میکرد علت مخالفت آنها را نمی فهمید. این یک دندگی و سخت گیری چه معنائی داشت؟ اگر این مخالفان طعم محصولات کشور را در این لحظه های حساس تاریخی، آن هم در این غربت چشیده بودند عاشقی از یادشان میرفت و دیگر با این تئوریهای بی سر و ته در این امر خیر کارشکنی نمیکردند. اینها تا کی میخواستند یک لا قبا راه بروند و از گرسنگان و محرومان دفاع کنند؟ «اولین نفر» با آنکه به خوبی میدانست که نمونه محصولات صادراتی حتی در پشت ویترین لوکس ترین فروشگاههای ایران نیز وجود داشت که این محصولات ویژه هم وطنان فراری عرضه میشد، و گر نه اگر تبعیدیان از خوردن و خریدن این کالاها به نفع دهانهای گرسنه کودکان هموطن، خودداری میکردند اجناس صادراتی روی دست رژیم میماند و لاجرم به مصر مردمداخلکشور میرسد. چهارشنبه سوری در راه بود و اسباب برگزاری این روز تاریخی فراهم نبود. آدمهایی که هیچ آبی راضیشان نمیکرد جز آلبیموئی «یک و یک» آدمهایی که هیچ فیلمی را نمیدیدند جز فیلمهای خط خطی یوسق و ذولخا را، آدمهایی که هیچ بادمجانی را نمیخوردند جز بادمجان بم را، آدمهایی که این همه میهن پرست بودند و از زوی آتشی که بتهایش از جنگل ماسوله نبود، طوماری از امضای هزاران نفر ایرانی دلسوخته به «اولین نفر» فرستاده شد. برای «اولین نفر» آوردن بته از ایران ممکن نبود و صرف هم نداشت. فکری در سرش جرقه زد که از تصور آن بند بندش لرزید. میشد این مشکل بزرگ را با تورهای نوروزی به ایران حل کرد. به زبان آوردن این کشف اما شهادت میخواست. چگونه میشد با آدمهایی که برای میهن در بند یقهاشان را جر میدادند و از جهنم یک رژیم ادم کش گریخته بودند این فکر را در میان گذاشت؟ خدای ناکرده این گروه پناهنده سیاسی بودند. مگر میشد به آنها پیشنهاد کرد که بخاطر بته آتش چهارشنبه سوری به آرمانهای خود پشتپا بزنند و تازه اگر آنها هم رضایت میدادند چگونه میشد رضایت رژیم ایرات را برای این سفرها جلب کرد؟ چگونه میشد این گروه را که به هنگام ورود به کشورهای پناهنده پذیر تن و بدن زخمی اشان را نشان میدادند و عکسهای پاره پاره و غرق به خون نزدیکانشان را نشان میدادند تا ثابت

اولین نفر که جلای وطن کرد سیاسی بود. بعد پدر و مادرش که دلتنگ و نگران فرزندان بودند آمدند. بعد همه فامیل، برادران، خواهران، عمه ها، خاله ها، عموها و دانیها با اهل بیت سرازیر شدند و این هجرت بخاطر اولین نفر بود که ممنوع ورود بود و فامیل تاب هجرانش را نداشت.

«اولین نفر» زیاد هم سیاسی نبود. سیاسی بودن اگر قبل از انقلاب باعث بزرگی و نام میشد بعد از شکست انقلاب جز سرافکندگی و تحقیر ثمری نداشت. پس آدم چه مرضی داشت که در چنین جوی سیاسی باشد و همه کاسه کوزهها بر سر ناتوانش بشکند؟

«اولین نفر» پس از ماهها در بدری در کوه و کمر و آوارگی در این کشور و آن کشور همین که پایش در سرزمینی بیگانه استوار شد مبارزه را که کاری پر درد سر و دست و پا گیر بود و آب و نانی هم به همراه نداشت به کناری نهاد و به دنبال کار مفید و فرهنگی رفت و در این رهگذر ناگهان به یاد کتاب افتاد. فروش کتاب هم کاری فرهنگی بود و هم پر صرفه.

فروختن یک کتاب پنج تومانی به قیمت پنج دلار و فروش هر دلار به مبلغ دویست تومان یعنی دست به خاک زدن و از آن طلا ساختن! این شغل بی دردسر به کسی ضرر نمیزد. هدف اولین نفر افزایش دانش خریداران بود و هم این موجبات تشویق و دلگرمی این فروشنده فرهنگ پرور را فراهم میآورد وقتی کتاب فروشی «اولین نفر» باز شد میشد با کمی دقت. تک و توك کار دستی و سمور و قوری ایران را دید که لابد برای زیبایی و دکور به کار گرفته شده بود اما از آنجا که ایرانیان فرهنگ دوست علاقه بیش از اندازه به خرید این کار دستها و سمورها و قوریها نشان دادند، «اولین نفر» ناگزیر آنها را فروخت و به خواست علاقه‌مندان هنر پرور قسمت اعظم مغازه را از این آثار هنری ار کرد. حال میشد تک و توك کتابهایی را هم در این کتابفروشی پیدا کرد! «اولین نفر» از این سؤال یک مشتری که پرسیده بود: آیا میشود سمور ایران را فروخت اما چای ایران را نه؟ دچار چنان عذاب وجدانی شد که تاچای ایران به مغاز هاش وارد نشد خواب به چشمانش راه نیافت. چای لاهیجان وارد شد اما مشتریان با ذوق به این انداك قانع نبودند. میشد چای ایران را نوشید بدون آنکه آب لیموئی «یک و یک» چاشنی آن کرد؟ آب لیموئی «یک و یک» هم آمد. آب لیمو «یک و یک» آدم را یاد چه چیزی میاندازد؟ معلوم است کله پاچه و مغز. کله پاچه و مغز هم فراهم شد. کله پاچه و مغز از ذبح حرام، آن هم برای ایرانیان به هر حال سننا مسلمان؟ حلالش فراهم شد. حلل بدون لاالله الا الله؟ نمیشد. تابلوی نفیس خاتمکاری لاالله الا الله هم بالا رفت. میشد کله پاچه حلال و آب لیموئی «یک و یک» خورد در کنار سمور ایرانی نشست و فال حافظ گرفت و غزلهای ناب حافظ را بدون حضور خربزه مشهد خواند؟ نمیشد. چه جان فشانیها شد که خربزه به موقع وارد شد. درست یک شب قبل از شب موعود. دادان این خبر بهجت اثر به خیل عظیم دوستداران خربزه مشهد فداکاری قابل تحسینی بود که «اولین نفر» با مداومت و استقامت شایان توجه انجام داد. در یک چشم بهم زدن تعداد بیشمار جوی کتابفروشی به صف ایستادند و برای ورود این خربزه ابراز احساسات کردند. خوشبختانه به همه رسید و همه مشتاقان با دست پر و دلی شاد به خانه برگشتند. تجربه هیجان انگیز رسیدن خربزه در آخرین لحظه و شادی مردم از این رویداد مهم «اولین نفر» را به فکر واداشت

تپاله گاو، بوی گندم و شالی، بوی خوب و بد وطن پس سیل بزرگی از آوارگان مجروح و زخم خورده و تحت فشار به وطن روانه شد. نیازی نبود که برای این سفر دلایل محکمی مثل ماندن در کشور و خدمت به هموطنان را ارائه دهند. همه جهان به پناهنده بودن آنها، به مظلومیت آنها، به تحت ستم بودن آنها اذعان داشت، چه کسی نمیدانست که آنها خانمان خود را رها کرده‌اند و با پای جان از مرزها گریخته‌اند. این حق پناهنده سیاسی یا انسانی برای آنها محفوظ بود و در برگ برگ تاریخ با ورق زر نوشته بودندش. آنها هزاران هزار اواره پناهنده دور از وطن بودند پس چه لزومی داشت که یاوه سرائی مشتبی نادان آنان را از رفتن به وطن باز دارد؟ وطن مال آنها بود، به گروگان رفته بود. میخواستند به آنجا بازگردند و عزیزانشان را ببینند. از مش باقر بقال سر گنز را تا مش صادق فراش مدرسه را در آغوش بگیرند و از دلنگی هایشان در غربت بگویند. پس بدون اعتنا به یاوه‌ای عده ای عقب افتاده که شعارهای پوچ و تو خالی میدادند دسته دسته رفتند و آمدند. مردان پیراهن های یقه بسته پوشیدند. ریش گذاشتند و زنان هفت قلم آرایش کرده ای که تا دیروز برای بیرون گذاشتن قسمتهای مختلف بدنشان با یکدیگر مسابقه می گذاشتند، خواهر فاطمه زهرا شدند و آنقدر محکم خودشان را در چادرها و چاقچورها بپچیدند که برادران سفارتی از این همه ناموس پرستی و ایمان آنها انگشت به دهان شدند. وقتی چندین هواپیمای پر و پیمان رفت و برگشت و قبح عمل از میان رفت و مسئله سفر به ایران مادی شد «اولین نفر» به فکر ساختن ویلاهایی در کنار دریای خزر و فروش آن به پناهندگان افتاد. پس دوباره به خاطر سربلندی وطن عزیز جام زهر را نوشید و اینبار خود برای بازدید سواحل ایران به وطن محبوب بازگشت. همه چیز همان گونه بود که او به هنگام ترک وطن و گذاشته بود. دریا همان دریا بود. شایعه دروغ پردازان مبنی بر نابودی دریا کاملاً پوچ و بی اساس بود. «اولین نفر» مردمی را میدید که تن به آب دریا می سپردند و از آفتاب جان بخش و هوای خوب نهایت استفاده را میکردند. تنها فرق دریا با گذشته این بود که حالا مثل حمام های عمومی زنانه مردانه شده بود، و پرده ای زخیم و تیره این قسمتها را از هم جدا میکرد. «اولین نفر» اگر چه از دیدن این منظره غیر متعارف بکه خورد اما خیلی زود به خود قبولاند که بالاخره کشور، کشوری اسلامی است و باید رعایت قوانین اسلامی را کرد. پس وجود این پرده های شرعی پذیرفت!!

«اولین نفر» به تهران که نگاه میکرد دلش غنچ میزد. چقدر چمن کاشته بودندو چه پارکهای مصفائی ساخته بودند و همه اینها جان میداد برای آوردن توریست و خدمت به وطن عزیز. حیف نبود این همه گل، این همه سبزه و این همه زیبایی ها را نداشتند چه مانعی داشت که دیگرانی که دستشان به دهانشان میرسید به تماشای این زیباییها بیایند و لذت ببرند.

«اولین نفر» در خلوت خود به فشار سیاسی، گرانی، فقر و تنگدستی مردم و سانسور و خفقان و اختناق اعتراف میکرد اما اینها به توریستهایی که او قصد داشت برایشان ویلا و خانه بسازد ربطی نداشت. این دسته آنقدر سرگرم تبدیل دلارهایشان به تومان بودند که وقت و حوصله دقت و حوصله دقت در احوال مردم را نداشتند. بالا رفتن قیمت دلار تنها مشغله فکری آنها بود و پائین آمدنش تنها دلیل غصه هایشان

کنند که جانشان در خطر است، به دولت ایران به عنوان توریست جا زد؟ برای «اولین نفر» مسلم بود که حتی اگر رژیم ایران نرمش نشان دهد پناهندگان نمیپذیرند، آن هم پناهندگانی که خطر کردند و از مرزهای پر خطر گذر کردند تا در کشوری دیگر آزادانه فریاد اعتراض سردهند. نه، غیر ممکن بود که آنان به این خفت تن در دهند.

با این همه «اولین نفر» فکرش را با اولین نفری که به او اعتماد داشت در میان گذاشت و مورد خشم و اعتراض قرار گرفت: شدنی نیست. نه هرگز. از هر دو طرف شدنی نیست.

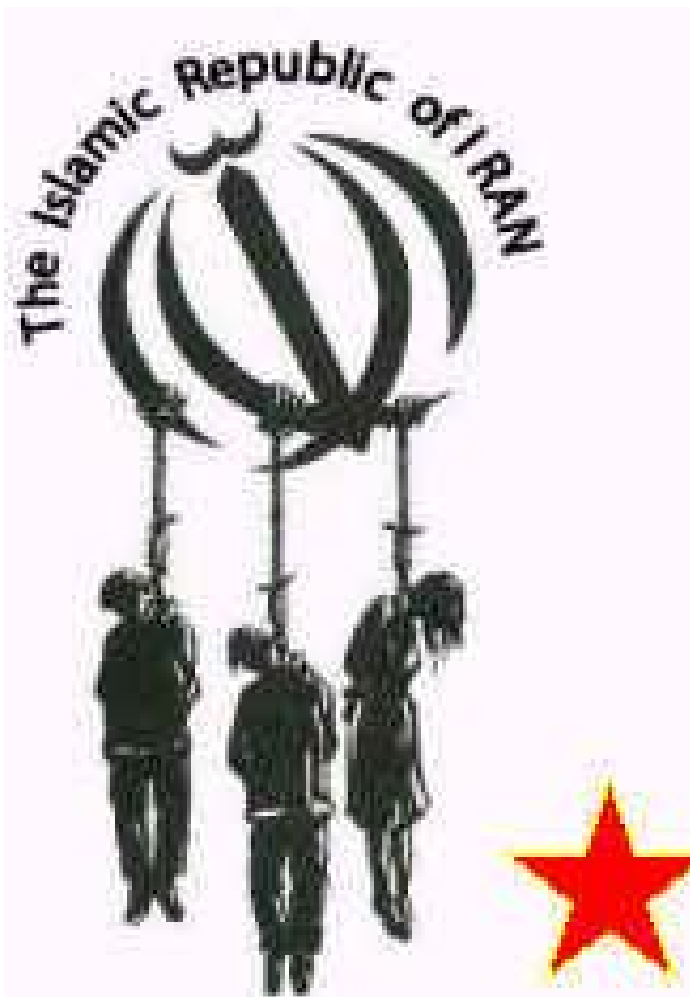
نه دولت قبول میکند و نه ملت. اما دولت زودتر از ملت به شدنی بودن این فکر اندیشید. پناهنده‌های که میپذیرد هموطنش در فشار اقتصادی و در فقر و گرسنگی باشد و در صادرات کشور را نه برای ارزانتر بودن، بلکه فقط برای زنده شدن خاطره ها و نوستالژی میخورد کم کم نرم میشود و به گردش توریستی هم رضایت میدهد. پس ابتکار عمل را به دست گرفت

وقت از «اولین نفر» جنبید. درهای سفارتخانه هایش را به روی پناهندگان گشود. همان سفارتخانه هائی که تا هفته های قبل لانه جاسوسی نامیده میشد و از ترس اشغال مخالفان، کیلومترها در حفاظت پلیس و مقامات امنیتی بود.

اولین نفر سراسیمه شد. جنایتکاران رژیم موقعیتی را که او قدم به قدم از آوردن اولین قطره آبلیمو تا تخمهای مختلف به زحمت فراهم آورده بود از چنگش در آورده بودند. تا آنروز او با هیچ آدم مشکوکی و سفارتی ارتباطی نداشت و حتی از روبرو شدن با آنها پرهیز میکرد اما حالا که دشمن قصد داشت همه رشتها ئی را که او با خون جگر بافته بود پنبه کند، سکوت جایز نبود. از انصاف به دور بود که کلاهبرداران رژیم که هزار راه برای پر کردن جیبهایشان دشتند به کسب ضعیف او چشم طمع بدوزند. خودش را راضی کرد و کلاهش را قاضی که با آنها در زمینه جلب توریست همکاری کند.

این کار از نظر «اولین نفر» این حسن را داشت که او میتواند در جریان کارها قرار بگیرد و به موقع ضد ضربه را بزند. پس به خاطر نجات میهن عزیز با قلبی شکست خورده و سری افکنده جام زهر را سرکشید و با گردن کج و شانه های آویزان به سفارت رفت.

«اولین نفر» اولین نفر به خاطر رفاه هم وطنان تبعیدی اش به آدمهایی که از دیدن ریختنشان اکراه داشت برادر برادر گفت تا بالاخره دل سنگشان را نرم کرد و درصد بگیر فروش بلیطهای سفر به ایران شد. «کیش تور» آمد. مردم اعتراض کردند و همزمان که به قاچهای قرمز رنگ هندوانه های شریف آبادی گاز میزد اشک در چشم و بغض در گلو گفتند: باید حيله جديد خنثی کرد. اما وقتی تبلیغ این پروازها را با صدای رژیم را دوستان خود شنیدند به فکر فرو رفتند. بالاخره آنها هم کلاهی داشتند که قاضی کنند: نباید زیاد سخت گیر بود، خاک مال ماست، مردم هم هستند، این کار ما فقط يك ساعت خفت دارد، روبرو شدن با ماموران سفارت، و بعد همه چیز تمام میشود و بعد به راستی که همه چیز تمام میشود، و بعد به راستی که همه چیز به خوبی و خوشی تمام شد. «هواپیمائی ملي هما» هم آمد و دفتر و دستکش را علم کرد. حالا فقط آب لیمو نبود، خربزه و هندوانه و بادمجان و لیمو شیرین و تخم مرغ و تخم ماهی و سماور و کاردستی و دوغ آبلعی و سیخ و سماق نبود، خاک وطن هم بود، بوی کاهگل، بوی سفالهای باران خورده، بوی



اعدام ها را متوقف کنید

همیاری نشریه ایران SOS کمیته نجات

آدرس مکاتباتی :

IRAN SOS Amerlinghaus Stifftgasse 8
A – 1070 Vienna

iransos@iransos.com , iran.sos@chello.at

iran_sos@hotmail.com

iran_sos_belgium@hotmail.com

از سایت ما دیدن کنید!

www.iransos.com

شماره ثبت :

III-2254 B.P.D Wien

Gemäß § 17 Abs. 1 Vereingesezt 2002, BGBl.I

Nr. 66/2002

ارتباط بانکی برای کمک مالی

Iran SOS

Bank Austria Creditanstalt

Kontonummer 51407634101 BLZ.12000

گاه فکرهای آزار دهنده و موزی ذهن «اولین نفر» را به خود مشغول میکرد: این مردم چگونه دخل و خرج میکردند؟ چگونه از پس این زندگی گران بر میامدند؟ قیمتها سرسام آور بالا بود و درآمدها حتی جواب اجاره خانه مردم را نمیداد. شکم این آدمهای ریز و درشت را چه کسی پر میکرد؟ این سئوالات نابجا که بون خواسته قبلی «اولین نفر» به مغز او هجوم میاوردند بسیار زود با جوابهایی که خود به سرعت میافت ناپدید میشدند و او دوباره به کارهای عام المنفعه خود میپرداخت گرانی بود اما حتما را تامین هم وجود داشت و گرنه چرا تا بحال این ملت زنده بود و دراز به دراز نیفتاده بود پس حتما حکمتی در کار بود و دخالت «اولین نفر» در اموری که به او مربوط نبود جز دردسر چه حاصلی داشت. شاید هم اصلاً مشکلی وجود نداشت که کسی بخواهد راه حلی برای آن پیدا کند. حسن «اولین نفر» این بود که به سرعت قانع میشد و به دنبال کار خویش میرفت.

زمینهای سواحل دریا را خرید. ساخت و فروخت. بیابانهایی کرج را خرید. ساخت و فروخت. نه به مردم وطن که آهی در بساط نداشتند و به دنبال نان شبشان روز و شب ویدیوند بلکه استقبال پناهندگان «به لطف تبدیل ارز» برای این خانه ها و ویلاها باعث پشت گرمی و تشویق «اولین نفر» بود. پناهندگان هر تابستان برای سرکشی به املاکشان به وطن میرفتند. گلدانهایی شان را آب میدادند. قالی های شان را میکاندند و نفتالین میزدند. اجاره خانه ها را وصول میکردند. تجدید قوا میکردند. جان تازه ائی میافتند و دوباره شاد و سر زنده به تبعید گاهشان باز میگشتند و بیچاره ها همیشه خدا را هم سپاسگزار «اولین نفر» بودند. چه غم که اگر معدودی روشنفکرانمای به اصطلاح سیاسی از او روی بر میگردانند و او را متهم به همکاری با رژیم میکردند.

و بدین ترتیب بود که با تلاش و جانبازی «اولین نفر» ها و حمایت پناهندگان راستین از افکار مشعشعانه این حضرات. سریال جدي «گرگم و گله میبرم رژیم و چوپان دارم نمیذارم» تبعیدیان به نمایش تگ پرده ای بسیار ارزان قیمت «شلوغ پلوغ همه بازی» تغییر شکل داد.

تابستان هزار و نهصد و نود و پنج. استکهلم
مینا اسدی

